

ساختار منطقی آگاهی

Michael Starks

از تحقیقات تصمیم گیری

عمل کلمه	*** IA	** PI	تمایل	درک	حافظه	احساسات	وضع *	
بله/خیر	نه	نه	نه	بله	بله	بله/خیر	نه	اثرات پنهان
روبیديوم	روبیديوم	روبیديوم	A/RB	علي	علي	A/RB	روبیديوم	انجمنی بر اساس قانون
CD/A	CD/A	علي	CD/A	سی دی	سی دی	CD/A	علي	زمینه وابسته / چکیده
سید	سید	سید	S/P	پرویز	پرویز	S/P	سید	سریال/موازی
علي	علي	علي	H/A	حسین	حسین	H/A	علي	اکتشافی تحلیلی
بله	بله	بله	نه	نه	نه	نه	بله	نیاز به کار حافظه
بله	بله	بله	بله/خیر	نه	نه	نه	بله	اطلاعات عمومی وابسته
بله	بله	بله	بله	نه	نه	بله/خیر	بله	بارگذاری شناختی مهار
ایچ	ایچ	ایچ	ایچ	فاطمه	فاطمه	F/I	ایچ	انگیزگی تسهیل یا مهار

Reality Press Las Vegas

ج copyright © مایکل استارتو (۲۰۱۹)

شابک:

978-1-951440-41-1

نسخه اول ۲۰۲۰

کلیه حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این انتشار ممکن است تکثیر، توزیع، و یا انتقال بدون رضایت صریح از نویسنده است.
چاپ و محدود در ایالات متحده آمریکا.

"اما من به تصویر من از جهان با رضایت بخش از صحت آن را دریافت نمی‌کند: و نه من آن را به خاطر من از صحت آن راضی هستم. نه: این پس زمینه به ارث رسیده است که در برابر من تمایز بین درست و نادرست است. ویتگنشتاین ۹۴ OC

"در حال حاضر اگر آن است که ارتباط سببی که ما با آن نگران نیست ، پس از آن فعالیت های ذهن دروغ قبل از ما باز است." ویتگنشتاین "کتاب آبی" (۱۹۳۳) p6

"مزخرف ، مزخرف ، زیرا شما در حال ساخت فرضیات به جای توصیف به سادگی. اگر سر خود را با توضیحات در اینجا خالی از سکنه ، شما غفلت خود را از مهم ترین حقایق یادآوری. ویتگنشتاین ۲۲۰ Z

"فلسفه به سادگی همه چیز را قبل از ما قرار می دهد و نه توضیح می دهد و نه هر چیزی... یکی ممکن است نام 'فلسفه' به آنچه ممکن است قبل از همه اکتشافات جدید و اختراعات را. " ویتگنشتاین ۱۲۶ PI

"آنچه ما در حال تأمین هستند ، واقعا در مورد تاریخ طبیعی انسان، کنجکاو نیست؛ با این حال، اما نه مشاهدات در حقایق که هیچ کسی شک و که تنها ناپدید شده است چرا که آنها همیشه قبل از چشم ما. ویتگنشتاین p142

"هدف از فلسفه است که به راست دیوار در نقطه ای که زبان متوقف می شود به هر حال." ویتگنشتاین در مناسبت های فلسفی p187

"محدود کردن زبان ، غیر ممکن است برای توصیف یک واقعیت است که مربوط به (ترجمه) حکم بدون به سادگی تکرار جمله (این است که با راه حل Kantian به مشکل فلسفه) نشان داده شده است." ویتگنشتاین CV p10 (۱۹۳۱)

"بزرگترین خطر در اینجا این است که مایل به خود را مشاهده کنید." LWPP1 ، ۴۵۹

"آیا می توانم یک ماشین فرایند باعث فکر مجموعه مقالات؟ پاسخ این است: بله. در واقع ، تنها یک فرایند ماشین می تواند یک فرایند فکر شود ، و محاسبات ' نشانی از یک فرایند ماشین نام نیست ؛ نام یک فرایند است که می تواند ، و به طور معمول است ، اجرا بر روی یک ماشین است. سرل PNC p73

"... خصوصیات یک فرایند به عنوان محاسباتی است که از خصوصیات یک سیستم فیزیکی از خارج؛ و شناسایی فرایند به عنوان محاسباتی یک ویژگی ذاتی فیزیک را شناسایی نمی کند ، اساسا یک خصوصیات نسبی ناظر است. سرل PNC p95

"بحث اتاق چینی نشان داد که معناشناسی به نحو ذاتی نیست. من در حال حاضر ساخت نقطه جداگانه و متفاوت است که نحو به فیزیک ذاتی نیست. سرل PNC p94

"تلاش برای از بین بردن مغالطه از طریق تجزیه بازگشتی با شکست مواجه ، چرا که تنها راه برای بدست آوردن نحو ذاتی به فیزیک است برای قرار دادن یک آدمک در فیزیک است." سرل PNC p97

"اما شما می توانید یک سیستم فیزیکی مانند یک ماشین تحریر یا یک مغز را با شناسایی یک الگوی که آن را با شبیه سازی محاسباتی آن سهام ، توضیح نمی دهد ، زیرا وجود الگوی توضیح نمی دهد که چگونه سیستم در واقع به عنوان یک سیستم فیزیکی کار می کند. ... در مجموع ، این واقعیت است که انتساب نحو شناسایی هیچ قدرت علی بیشتر است کشنده به این ادعا که برنامه های ارائه توضیحات سببی از شناخت... فقط یک مکانیسم فیزیکی وجود دارد، مغز، با مختلف خود را واقعی فیزیکی و فیزیکی/سطح علی روانی توصیف. " سرل PNC p101-103

"به طور خلاصه ، حس " پردازش اطلاعات " است که در علوم شناختی استفاده می شود در سطح بسیار بالایی از انتزاع به تصرف خود در واقعیت بیولوژیکی بتن از intentionality ذاتی... ما به این تفاوت توسط این واقعیت است که همان جمله ' من یک ماشین که به سمت من ، می تواند مورد استفاده قرار گیرد برای ضبط هر دو قصدمندی بصری و خروجی از مدل محاسباتی از چشم انداز کور... در مفهوم "اطلاعات" مورد استفاده در علوم شناختی، آن است که به سادگی نادرست است که می گویند که مغز یک دستگاه پردازش اطلاعات است. " سرل PNC p104-105

"می تواند دلایل عملی که الزام آور در یک عامل منطقی فقط در فضیلت ماهیت این واقعیت گزارش شده در بیانیه دلیل وجود دارد، و به طور مستقل از خواسته های عامل، ارزش، نگرش و ارزیابی؟ ... پارادوکس واقعی بحث سنتی این است که آن تلاش می کند تا در برخواهد داشت گیوتین ، تمایز ارزش حقیقت سخت ، در واژگان ، استفاده از که در حال حاضر پیش فرض falsity از تمایز است. سرل PNC p165-171

"... تمام عملکردهای وضعیت و از این رو همه واقعیت های نهادی ، به غیر از زبان ، توسط اعمال گفتاری که فرم منطقی اعلامیه ها را دارند ، ایجاد می شوند... اشکال عملکرد وضعیت در سوال تقریباً همواره از قدرت های deontic... برای تشخیص چیزی به عنوان یک حق ، وظیفه ، تعهد ، نیاز و غیره این است که به رسمیت شناختن یک دلیل برای اقدام... این ساختارهای deontic را به دلایل احتمالی تمایل مستقل برای عمل... نکته کلی این است که بسیار روشن است: ایجاد زمینه عمومی دلایل تمایل مبتنی بر پذیرش یک سیستم از دلایل مستقل میل برای اقدام. سرل PNC p34-49

"برخی از مهم ترین ویژگی های منطقی از معنایی فراتر از رسیدن به پدیدارشناسی به دلیل آنها هیچ واقعیت پدیدار شناسی فوری... از آنجا که ایجاد معناجویی از meaninglessness است آگاهانه تجربه نیست... آن وجود ندارد... این است... توهم پدیدارشناسی. " سرل PNC p115-117

"آگاهی است causally تقلیل به فرآیندهای مغز... و آگاهی هیچ قدرت علی خود را علاوه بر قدرت های سببی از نورونیولوژی زمینه ای... اما علی reducibility به هستی شناختی reducibility منجر نمی شود... آگاهی تنها به عنوان تجربه وجود دارد... و بنابراین نمی توان آن را به چیزی که دارای هستی شناسی سوم شخص ، چیزی است که به طور مستقل از تجارب وجود دارد کاهش می یابد. سرل PNC 155-6

"... رابطه عمدی اصلی بین ذهن و جهان با شرایط رضایت انجام می شود. و یک گزاره هر چیزی است که می تواند در رابطه عمدی به جهان ایستاده است، و از آنجایی که کسانی که روابط عمدی همیشه تعیین شرایط رضایت، و یک گزاره به عنوان هر چیزی کافی برای تعیین شرایط رضایت تعریف شده، آن را به نظر می رسد که تمام معنایی است یک ماده از گزاره. سرل PNC p193

مقدمه

"او که می فهمد که عجیب و غریب را بیشتر به سوی متافیزیک از لاک" چارلز داروین
۱۸۳۸ نوت بوک M

این کتاب در مورد رفتار انسان (به عنوان همه کتاب توسط هر کسی در مورد هر چیزی) ، و به همین ترتیب در مورد محدودیت های داشتن یک نسب میمون های اخیر (۸,۰۰۰,۰۰۰ سال و یا بسیار کمتر بسته به نقطه نظر) و آشکار کلمات و اعمال در چارچوب روانشناسی ذاتی ما را به عنوان در جدول معنایی ارائه شده است. به عنوان تکامل معروف ریچارد Leakey می گوید ، مهم است که در ذهن داشته باشیم که ما از میمون ها تکامل یافته است ، اما در هر راه مهم ، ما میمون. اگر همه یک درک واقعی از این داده شد (به عنوان مثال ، از محیط زیست انسان و روانشناسی در واقع آنها را به برخی از کنترل بر خود) ، شاید تمدن را شانس داشته باشد. به عنوان همه چیز با این حال رهبران جامعه هیچ درک بیشتری از چیزها نسبت به ترکیبات خود و به طوری که سقوط به هرج و مرج و دیکتاتوری اجتناب ناپذیر است.

به منظور ارائه یک مرور کلی از ساختار منطقی رفتار انسان بالاتر نظم ، که از روانشناسی توصیفی از نظم بالاتر فکر (ذهن ، آگاهی ، زبان ، عقلانیت ، شخصیت ، معنایی) ، و یا پس از ویتگنشتاین ، از بازی های زیان ، من به بررسی انتقادی برخی از یافته های عمده ای از لودویگ ویتگنشتاین و جان سرل ، با توجه به نقطه شروع من به کشف بنیادی ویتگنشتاین--که همه واقعا ' فلسفی ' (به عنوان مثال ، نظم بالاتر روانی) مشکلات یکسان هستند--ابهامات در مورد چگونگی استفاده از زبان در زمینه خاص ، و به همین ترتیب تمام راه حل های یکسان هستند--به دنبال چگونه زبان را می توان در زمینه مورد استفاده در موضوع به طوری که شرایط حقیقت آن (شرایط رضایت یا COS) مشکل اساسی این است که می توان هر چیزی می گویند ، اما یکی نمی تواند به معنای (دولت از COS برای) هر گفته های خودسرانه و معنی تنها در یک زمینه بسیار خاص ممکن است. من تجزیه و تحلیل از دیدگاه های اخیر مدرن از دو سیستم اندیشه ، به کارگیری یک جدول جدید از قصدمندی و سیستم های جدید دوگانه نامگذاری.

مهم است بدانید که چرا ما رفتار می کنیم و بنابراین سعی میکنم توصیف کنم (نه به عنوان ویتگنشتاین تأکید کرد) رفتار. من با بررسی مختصری از ساختار منطقی عقلانیت ، فراهم می کند که برخی از ابتکارات برای توصیف زبان (ذهن ، عقلانیت ، شخصیت) و ارائه می دهد برخی از پیشنهادات که چگونه این مربوط به تکامل رفتار اجتماعی است. این مراکز در اطراف این دو نویسندگان من در این زمینه مهم ترین را پیدا کرده اند ، لودویگ ویتگنشتاین و جان سرل ، که ایده های من ترکیب و گسترش در داخل سیستم دوگانه (دو سیستم اندیشه) چارچوب است که ثابت کرده است که بسیار مفید در درک اخیر از رفتار و در تفکر و استدلال پژوهش. همانطور که من توجه داشته باشید ، وجود دارد در نظر من اساسا همپوشانی کامل بین فلسفه ، در حس دقیق از سوالات پایدار که مربوط به نظم و انضباط دانشگاهی ، و روانشناسی توصیفی از نظم بالاتر فکر (رفتار). هنگامی که یکی از بینش ویتگنشتاین را درک کرده است که تنها مسئله ای است که چگونه بازی زبان به بازی می شود ، یک تعیین کننده شرایط رضایت (چه چیزی باعث می شود یک بیانیه درست یا راضی و غیره) و این پایان بحث است.

از آنجا که مشکلات فلسفی ناشی از روانشناسی ذاتی ما است ، و یا به عنوان ویتگنشتاین آن را ، به دلیل عدم perspicuity زبان ، آنها را در سراسر گفتمان و رفتار انسان اجرا شود ، بنابراین نیاز بی پایان برای تجزیه و

تحلیل فلسفی وجود دارد، نه تنها در علوم انسانی فلسفه، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، علوم سیاسی، روانشناسی، تاریخ، ادبیات، مذهب، و غیره، اما در 'علوم سخت' فیزیک، ریاضیات، و زیست‌شناسی. این جهانی به ترکیب زبان سوالات بازی با آنهایی که علمی واقعی به آنچه حقایق تجربی هستند. علمی است که تا کنون وجود دارد، و استاد آن را قبل از ما گذاشته مدتها پیش، i.e., ویتگنشتاین (آخرت دلبلیو) آغاز با کتاب آبی و قهوه ای در اوایل سال 1930.

"فلاسفه به طور مداوم به روش علم قبل از چشم خود را ببینید و irresistibly وسوسه به درخواست و پاسخ به سوالات در علم راه می‌کند. این گرایش، منبع واقعی متافیزیک است و فیلسوف را به تاریکی کامل هدایت می‌کند." (BBB p18)

با این وجود، درک واقعی از کار ویتگنشتاین، و از این رو از نحوه عملکرد روانشناسی ما، تنها شروع به گسترش در دهه دوم قرن 21st، به خصوص به P.M.S. هکر (آخرت H) و Daniele مویال-SHARROCK (آخرت DMS)، بلکه به بسیاری دیگر، برخی از برجسته‌تر از آنها من در مقالات ذکر شده است.

Hor مویج می‌دهد خلاصه زیبا ترین که من تا کنون از جایی که درک از ویتگنشتاین ما را ترک کرده اند دیده می‌شود.

"باید وجود داشته باشد هیچ تلاشی برای توضیح فعالیت زبانی/مفهومی ما (PI ۱۲۶) را به عنوان در کاهش Frege حساب به منطق؛ هیچ تلاشی برای ارائه مبانی معرفت‌شناختی (PI ۱۲۴) به عنوان حساب‌های مبتنی بر دانش پیشینی. بدون تلاش برای توصیف اشکال ایده آل از آن (PI ۱۳۰) به عنوان در منطق حس؛ هیچ تلاشی برای اصلاح آن (pi ۱۲۴, ۱۳۲) همانطور که در نظریه خطا مکی یا Dummett گرایی؛ هیچ تلاشی برای ساده سازی آن (Pi ۱۳۳) به عنوان در کواین از وجود؛ هیچ تلاشی برای آن را بیشتر سازگار (pi ۱۳۲) به عنوان در پاسخ tarski به دروغگو پارادوکس؛ و هیچ تلاشی برای آن را کامل تر (pi ۱۳۳) همانطور که در حل و فصل سوال از هویت شخصی برای سناریوهای عجیب و غریب فرضی 'انتقال'.

اگر چه کتاب‌ها و مقالات بی شماری در ویتگنشتاین وجود دارد، به نظر من تنها تعداد کمی از آنهایی که بسیار اخیر (DMS، H، Coliva) و غیره) نزدیک به یک قدردانی کامل از او، هیچ یک تلاش جدی برای ارتباط کار خود را به یکی از دیگر نوابغ مدرن از رفتار جان سرل (آخرت S) و هیچ کسی تا به استفاده از دو سیستم قدرتمند چارچوب اندیشه به مسائل فلسفی از دیدگاه روانشناسی تکاملی. من تلاش برای انجام این کار در اینجا.

من یک بررسی انتقادی از برخی از یافته‌های اصلی ویتگنشتاین و سرل را در ساختار منطقی (ذهن، زبان، رفتار) ، با در نظر گرفتن به عنوان نقطه شروع خود را کشف اساسی ویتگنشتاین--که همه واقعا 'فلسفی' مشکلات یکسان هستند--ابهامات در مورد چگونگی استفاده از زبان در یک چارچوب خاص، و به همین ترتیب تمام راه حل‌های یکسان هستند--به دنبال چگونه زبان را می‌توان در زمینه مورد استفاده قرار گیرد به طوری که شرایط حقیقت آن (شرایط رضایت یا COS) مشکل اساسی این است که می‌توان هر چیزی می‌گویند، اما یکی نمی‌تواند به معنای (دولت روشن COS برای) هر گفته‌های خودسرانه و معنی تنها در یک زمینه بسیار خاص ممکن است. من تجزیه و تحلیل نوشته‌های مختلف توسط و در مورد آنها از منظر دو سیستم اندیشه، به کارگیری یک جدول جدید از قصدمندی سیستم‌های جدید دوگانه نامگذاری.

وقتی که من خواندن 'در یقین' چند سال پیش من آن را در یک بررسی به عنوان سنگ پایه و اساس فلسفه و روانشناسی و سند اساسی ترین برای درک رفتار مشخص، و در مورد همان زمان DMS نوشتن مقالات اشاره کرد که آن را حل کرده بود هزاران سال مشکل معرفت‌شناسی قدیمی چگونه ما می‌توانیم هر چیزی را برای برخی می‌دانم. من متوجه شدم که W یکی از اولین به درک آنچه که در حال حاضر به عنوان دو سیستم و یا سیستم‌های دوگانه اندیشه مشخص شده بود، و من تولید سیستم‌های دوگانه (S2 و S1)

اصطلاحات که من پیدا کردم که بسیار قدرتمند در توصیف رفتار است. من در زمان میز کوچک که جان سرل (آخرت) شده بود با استفاده از، گسترش آن را تا حد زیادی، و بعد که آن را کاملاً یکپارچه با چارچوب که توسط کارگران مختلف فعلی در تفکر و استدلال پژوهش.

از آنجا که آنها به صورت جداگانه منتشر شد، من سعی کردم به بررسی کتاب و مقالات ایستاده توسط خود، تا آنجا که ممکن است، و این حساب برای تکرار از بخش های مختلف، به ویژه جدول و توضیح آن است. من با یک مقاله کوتاه است که ارائه جدول از قصدمندی به طور خلاصه توصیف اصطلاحات و پس زمینه آن شروع می شود. بعد، تا بحال طولانی ترین مقاله، که تلاش یک بررسی از کار W و S به عنوان آن را به جدول مربوط و به همین ترتیب به درک و یا توضیحات (نه توضیح به عنوان W اصرار) از رفتار است.

این مشاجره من است که جدول از معنایی (عقلانیت، ذهن، فکر، زبان، شخصیت و غیره) که ویژگی های برجسته در اینجا توصیف بیشتری کمتر یا دقت، و یا حداقل به عنوان یک اکتشافی برای، چگونه ما فکر می کنیم و رفتار، و پس از آن شامل نه صرفاً فلسفه و روانشناسی، اما هر چیز دیگری (تاریخ، ادبیات، ریاضیات، سیاست و غیره). توجه داشته باشید به خصوص که قصدمندی و عقلانیت به عنوان من (همراه با سرل، ویتگنشتاین و دیگران) آن را مشاهده کنید، شامل هر دو سیستم آگاهانه و آگاه و 2 و ناخودآگاه سیستم خودکار 1 اقدامات یا رفلکس.

دانا ممکن است تعجب کند که چرا ما می توانیم سیستم 1 در محل کار را ببینید، اما آن را به وضوح معکوس برای یک حیوان به فکر کردن در مورد یا دوم حدس زدن هر عمل، و در هر صورت، هیچ زمان برای آهسته وجود دارد، انبوه سیستم یکپارچه 2 در جریان ثابت از تقسیم دوم تصمیم گیری ' ما باید را. همانطور که اشاره شد، افکار ما (T1 یا ' افکار ' از سیستم 1) باید به طور مستقیم به اقدامات منجر شود.

کلیدی برای همه چیز در مورد ما زیست شناسی است، و آن را به آن obliviousness است که منجر میلیون ها نفر از مردم تحصیل کرده هوشمند مانند اواما، چامسکی، کلینتون و پاپ به خودکشی آرمان های ایده آل که بی سرپرست مستقیم به جهنم بر روی زمین منجر شود. به عنوان W اشاره کرد، آن چیزی است که همیشه قبل از چشم ما است که سخت ترین برای دیدن است. ما در جهان از سیستم زبان شناسی آگاهانه 2 زندگی می کنند، اما ناخودآگاه است، خودکار سیستم انعکاسی 1 که قوانین. این منبع از کوری جهانی شرح داده شده توسط سرل به عنوان توهم پدیدارشناسی (TPI)، Pinker، به عنوان تخته سنگ خالی و Tooby و Cosmides به عنوان استاندارد علوم اجتماعی مدل.

همانطور که توجه داشته باشید، توهم پدیدارشناسی (فراموشی به سیستم خودکار ما 1) جهانی است و نه تنها در سراسر فلسفه بلکه در طول زندگی گسترش می دهد. من مطمئن هستم که چامسکی، اواما، زوکریگ و پاپ خواهد بود incredulous اگر گفت که آنها از همان مشکل به عنوان هگل رنج می برند، husserl و هایدگر، (یا این که آنها تنها در درجه از مواد مخدر و معتادان جنسی در حال با تحریک از قشر پیشانی خود را از طریق تحویل دوپامین متفاوت (و بیش از ۱۰۰ مواد شیمیایی دیگر) از طریق کلاهک شکمی و هسته اکومبسن)، اما به وضوح درست است. در حالی که پدیده شناسان تنها زمان زیادی از مردم را تلف می کنند، آنها زمین و آینده ی نوادگان خود را به هدر خواهند بردند.

مدرن ' هذیان دیجیتال '، اشتباه بازی های زبان از سیستم 2 با automatism سیستم 1، و بنابراین نمی تواند تشخیص ماشین آلات بیولوژیکی (به عنوان مثال، مردم) از انواع دیگر ماشین آلات (به عنوان مثال، کامپیوتر). ادعای تقلیل ' این است که می توان ' توضیح ' رفتار در سطح پایین تر است، اما آنچه در واقع اتفاق می افتد این است که یکی رفتار انسان را توضیح نمی دهد اما ' ایستادن در ' برای آن. از این رو عنوان بررسی کلاسیک سرل از کتاب Dennett است ("آگاهی توضیح داد")--"آگاهی توضیح داده شده دور". در

بسیاری از زمینه های 'کاهش' از سطح بالاتر اورژانس رفتار به عملکرد مغز، بیوشیمی، و یا فیزیک غیر منسجم است. همچنین، برای کاهش 'از شیمی یا فیزیک'، مسیر توسط هرج و مرج و عدم قطعیت، مسدود شده است (و نظریه هرج و مرج به هر دو ناقص در حس Godel و غیر قابل کشف نشان داده نشده است). هر چیزی می تواند توسط معادلات نشان داده شود، اما زمانی که آنها 'نشان' رفتار نظم بالاتر، روشن نیست (و نمی تواند روشن شود) چه 'نتایج' متوسط. این متافیزیک یک شوخی است، اما اکثر دانشمندان و فلاسفه فاقد حس مناسب از شوخ طبعی.

من کار بسیاری از دانشمندان و فلاسفه که توجه به آگاهی به عنوان یک "مشکل سخت" (نگاه کنید به دیوید Chalmers) اما، با روپرت خواندن و دیگران، من استدلال خود را قانع کننده پیدا کنم. به عنوان ویتگنشتاین اشاره کرد، ما می توانیم ببینیم که آن را تا جای پای حتی در مگس (که بسیاری از ژن های مشابه و سیستم دوپامین که اجازه دستکاری رفتاری)، و از آن وجود دارد فقط یک سری طولانی از مراحل به خودمان.

در یک مثال اخیر از دریا از ادبیات tegmark (نگاه کنید به عنوان مثال، ویدیو یوتیوب خود را) پس از tononi، فکر می کنماگاهی است "فقط" تجربه "پردازش اطلاعات" بالاتر" با آگاهی است که این فقط خانواده ها از بازی های زبان. بنابراین، به نظر می رسد که هر دستگاه "پردازش اطلاعات" آن را بیش از حد داشته باشد. سرل معروف است پیشنهاد کرد که یک پشته مناسب مرتب از قوطی های آبجو ممکن است do، اما او همچنین اشاره می کند که ممکن است منحصر به فرد به ترتیبات بیولوژیکی مرطوب از سلول های عصبی. این واضح نیست که کامپیوتر بدون حواس و یا بدن می تواند احساسات یا آگاهی داشته باشد، مگر اینکه یک بازی زبان را بی اهمیت (uninteresting).

من امیدوار بودم که نظرات من را به یک کل یکپارچه جوش دهم، اما من متوجه شدم که به عنوان ویتگنشتاین و محققان هوش مصنوعی، که ذهن (تقریباً همان زبان به عنوان ویتگنشتاین ما را نشان داد)، یک نمونه از قطعات متفاوت است که برای بسیاری از زمینه ها تکامل یافته است و هیچ گونه ای نظریه ای وجود ندارد به جز تناسب اندام فراگیر، یعنی تکامل با انتخاب طبیعی.

در نهایت، همانطور که با ۹۰ من برخی از مقالات و ۹ کتاب دیگر، و در تمام نامه ها و ایمیل ها و مکالمات برای بیش از ۵۰ سال، من همیشه استفاده می شود 'آنها' یا 'آنها' به جای 'او/او'، 'او/او'، و یا جنسیتی معکوس ابلهانه از 'او' یا 'او'، که شاید تنها در این بخش از کهکشان به انجام این کار. استفاده از آن در سراسر جهان به طور تصادفی به کار گرفته می شود البته با نقص در روانشناسی ما که تولید فلسفه دانشگاهی، دموکراسی و سقوط تمدن صنعتی متصل است، و من را ترک شرح بیشتر از این اتصالات به عنوان یک ورزش برای خواننده.

کسانی که علاقه مند به نوشته های دیگر من ممکن است صحبت کردن میمون ها 3rd اد (۲۰۱۹)، ساختار منطقی فلسفه، روانشناسی، ذهن و زبان در لودویگ ویتگنشتاین و جان سرل (۲۰۱۹) ed. 3rd، خودکشی توسط دموکراسی (۲۰۱۹) ed 4th و خودکشی آرمانی در 5th 21 (۲۰۱۹) قرن.

من از عیوب و محدودیت های کار من آگاه هستم و به طور مستمر آن را تجدید نظر، اما من در زمان تا فلسفه 13 سال پیش در ۶۵، پس از آن معجزه آسا است، و گواهی نامه ای به قدرت سیستم 1 automatism، که من شده اند قادر به انجام هر کاری در همه. این 13 سال مبارزه در پی در پی بود و من امیدوارم که خوانندگان آن را پیدا برخی از استفاده.

vyupzz@gmail.com

ساختار منطقی آگاهی

"اگر من می خواستم به شک که آیا این دست من بود، چگونه می توانم اجتناب از شک که آیا کلمه 'دست' تا به هر معنی؟ به طوری که چیزی است که من به نظر می رسد به دانستن، بعد از همه است. ویتگنشتاین در مورد یقین p48،

"چه نوع پیشرفت این است — رمز و راز جذاب حذف شده است--با این حال هیچ عمق در تسلی شده است؛ هیچ چیز توضیح داده شده است و یا کشف و یا reconceived. چگونه اهلی و بی تکلف ممکن است فکر کنند. اما شاید، به عنوان ویتگنشتاین نشان می دهد، فضائل از وضوح، demystification و حقیقت باید به اندازه کافی رضایت بخش "Hor-مویج 'Metaphilosophy ویتگنشتاین'."

اول، اجازه دهید ما را به یاد خود از ویتگنشتاین (W) کشف اساسی-که همه مشکلات واقعا فلسفی (به عنوان مثال، کسانی که توسط آزمایش و یا جمع آوری داده ها حل نشده است) همان ابهامات در مورد چگونگی استفاده از زبان در یک چارچوب خاص، و به طوری که تمام راه حل های یکسان هستند--نگاه کردن به چگونه زبان را می توان در زمینه مورد استفاده قرار گیرد به طوری که شرایط حقیقت آن (شرایط از رضایتمندی یا COS) روشن است. مشکل اساسی این است که می توان هر چیزی می گویند، اما یکی نمی تواند به معنای (دولت روشن COS برای) هر گفته های خودسرانه و معنی تنها در یک زمینه بسیار خاص ممکن است. بنابراین، W در آخرین شاهکار خود را در یقین ' (OC) به نظر می رسد در نمونه های perspicuous از استفاده های مختلف از کلمات 'شناخت'، 'شک' و 'خاص'، اغلب از 3 دیدگاه های معمول خود را از زاوی، مخاطب و مفسر، ترک خواننده برای تصمیم گیری بهترین استفاده (روشن ترین COS) از جملات در هر زمینه. یکی تنها می تواند استفاده از جملات مرتبط را توصیف و این پایان آن — هیچ عمق پنهان، هیچ بینش متافیزیکی. هیچ "مشکل" از 'آگاهی'، 'اراده'، 'فضا'، 'زمان' و غیره وجود دارد، اما تنها نیاز به نگر داشتن استفاده (COS) از این کلمات روشن است. واقعا غمگین است که اکثر فلاسفه همچنان به اتلاف وقت خود را در ابهامات زبانی عجیب و غریب به فلسفه دانشگاهی به جای تبدیل توجه خود را به کسانی که از دیگر رشته های رفتاری و فیزیک، زیست شناسی و ریاضیات، که در آن به شدت مورد نیاز است.

چه W واقعا به دست آورد؟ در اینجا این است که چگونه محقق ویتگنشتاین منجر به کار خود را خلاصه: "ویتگنشتاین بسیاری از مشکلات عمیقی را حل کرد که موضوع ما را برای قرنها سرسخت، گاهی اوقات در واقع برای بیش از دو هزار سال، مشکلات مربوط به ماهیت بازنمایی زبانی، در مورد رابطه بین اندیشه و زبان، در مورد solipsism و آرمان گرایی، خود دانش و دانش ذهن های دیگر، و در مورد ماهیت حقیقت لازم و گزاره های ریاضی. او شخم زده خاک فلسفه اروپا از منطق و زبان. او به ما یک آرایه جدید و فوق العاده برپا از بینش به فلسفه روانشناسی به ما داد. او تلاش برای سرنگونی قرن ها انعکاس در ماهیت ریاضیات و حقیقت ریاضی. او foundationalist معرفت شناسی را تضعیف کرد. و او به ما یک چشم انداز از فلسفه به عنوان یک سهم نه به دانش انسانی وقف، اما به درک انسان — درک درستی از اشکال فکر ما و از ابهامات مفهومی که به آن ما در قبال سقوط. --پیتر هکر--" گوردون بیکر تفسیر مرحوم از ویتگنشتاین'

به این من که W برای اولین بار به وضوح و گسترده توصیف دو سیستم فکر--سریع prelinguistic اتوماتیک S1 و با سرعت بالا بازتاب زبان های زبانی S2 اضافه کنید. او توضیح داد که چگونه رفتار تنها با یک پس زمینه به ارث برده

گسترده است که اساس بدیهی برای قضاوت و نمی تواند شک و یا در نظر گرفته شود، بنابراین خواهد شد (انتخاب) ، آگاهی ، خود ، زمان و فضای ذاتی واقعی تنها بدیهیات. او در هزاران صفحه و صدها نمونه اشاره کرد که چگونه تجربیات ذهنی درونی ما به زبان describable نیست ، این تنها برای رفتار با یک زبان عمومی امکان پذیر است (عدم امکان زبان خصوصی). او پیش بینی کرد که این ابزار از منطق پارامونسیکه تنها بعدها ظاهر شد. در ضمن او ثبت طرح های هلیکوپتر که پیش بینی شده توسط سه دهه استفاده از جت نوک پره به درایو روتور ، و که تا به حال دانه های موتور توربین گاز جریان گریز از مرکز ، طراحی یک مانیتور ضریان قلب ، طراحی و تحت نظارت ساختمان یک خانه مدرن ، و ترسیم اثبات قضیه اویلر ، پس از آن توسط دیگران تکمیل شده است. او گذاشته از پایه های روانی ریاضیات، منطق، بی نهایت، و بینهایت.

Hor مویج می دهد زیبا ترین summary که من تا به حال از جایی که درک از ویتگنشتاین ما را ترک کرده است دیده میشود.

"باید وجود داشته باشد هیچ تلاشی برای توضیح فعالیت زبانی/مفهومی ما (PI ۱۲۶) را به عنوان در کاهش Frege حساب به منطق ؛ هیچ تلاشی برای ارائه مبانی معرفت شناختی (PI ۱۲۴) به عنوان حساب های مبتنی بر دانش پیشینی. بدون تلاش برای توصیف اشکال ایده آل از آن (PI ۱۳۰) به عنوان در منطق حس؛ هیچ تلاشی برای اصلاح آن (PI ۱۲۴، ۱۳۲) را به عنوان در تئوری خطا مکی یا Dummett گرایی؛ هیچ تلاشی برای ساده کردن آن (PI ۱۳۳) به عنوان در کواپن از وجود؛ بدون تلاش برای آن را بیشتر سازگار (PI ۱۳۲) به عنوان در پاسخ Tarski به پارادوکس دروغگو ؛ و تلاش برای آن را کامل تر (PI ۱۳۳) را به عنوان در حل و فصل پرسش از هویت شخصی برای سناریوهای عجیب و غریب فرضی ' انتقال '.

او می تواند به عنوان اولین روانشناس تکاملی بازدید، از او به طور مداوم توضیح ضرورت پس زمینه ذاتی و نشان داد که چگونه آن را تولید رفتار. اگر چه هیچ کسی به نظر می رسد از آن آگاه، او توصیف روانشناسی پشت آنچه بعد از آزمون Wason شد--یک اندازه گیری اساسی مورد استفاده در روانشناسی تکاملی (EP) دهه بعد. او اشاره کرد ماهیت نا مشخص و یا underdetermined از زبان و طبیعت بازی مانند تعامل اجتماعی است. او شرح و تکذیب مفاهیم ذهن به عنوان ماشین و نظریه محاسباتی از ذهن ، طولانی قبل از رایانه های عملی و یا نوشته های معروف از سرل. او جدول حقیقت را برای استفاده در منطق و فلسفه اختراع کرد. او قاطعانه گذاشته به استراحت و بدبینی و متافیزیک. او نشان داد که، دور از بودن inscrutable، فعالیت های ذهن دروغ قبل از ما باز، درس چند آموخته اند از.

هنگامی که به تفکر در مورد ویتگنشتاین ، من اغلب به یاد نظر نسبت داده به فلسفه کمبریج استاد C.D. گسترده (که نمی فهمید و نه مانند او). "صندلی فلسفه را به ویتگنشتاین ارائه نمی دهد مانند صندلی فیزیک به اینشتین ارائه نمی شود!" من از او به عنوان اینشتین روانشناسی بصری فکر می کنم. اگر چه به دنیا آمد ده سال بعد ، او به همین ترتیب در مورد ماهیت واقعیت در نزدیک به همان زمان و در همان بخش از جهان ، و مانند اینشتین ، تقریباً در WW1 درگذشت. در حال حاضر فرض کنید اینشتین بود دور همجنسگرا خودکشی با شخصیت دشوار است که منتشر شده تنها یک نسخه اولیه از ایده های خود را که اشتباه گرفته شد و اغلب اشتباه است ، اما جهان معروف شد ؛ به طور کامل تغییر ایده های خود را ، اما برای 30 سال آینده منتشر شده چیزی بیشتر ، و دانش از کار جدید خود ، در بیشتر فرم درهم ، به آرامی از سخنرانی ها و دانش آموزان به طور گاه منتشر یادداشت ؛ که او در ۱۹۵۱ ترک بیش از درگذشت ۲۰,۰۰۰ صفحات بیشتر دست نوشته scribbles در آلمان، متشکل از جملات و یا پاراگراف های کوتاه با، اغلب، هیچ رابطه روشنی به جملات قبل یا بعد از؛ که این قطع شد و از نوت بوک های دیگر نوشته شده است سال قبل با یادداشت در حاشیه ها ، underlinings و عبور از کلمات ، به طوری که بسیاری از جملات دارای انواع مختلف. که مدیران ادبی خود را قطع این توده به طور کامل به قطعات ، ترک کردن آنچه آنها آرزو و مبارزه با وظیفه هیولا از گرفتن معنای صحیح از جملات که انتقال کاملاً رمان از چگونه جهان کار می کند و آنها پس از آن این ماده با کندی دردناک منتشر شد (نه به پایان رسید پس از نیم قرن) با پیش چهره که شامل هیچ توضیحی واقعی از آنچه در مورد آن بود. که او به عنوان بسیار بدنام به عنوان معروف به بسیاری از اظهارات که همه فیزیک

قبلی اشتباه بود و حتی مزخرف شد، و که تقریباً هیچ کسی درک کار خود را، به رغم صدها کتاب و دهها هزار نفر از مقالات بحث در مورد آن؛ که فیزیکدانان بسیاری می دانستند تنها کار اولیه خود را که در آن او جمع قطعی فیزیک نیوتنی در چنین فرم بسیار انتزاعی و چگال است که آن را دشوار بود برای تصمیم گیری آنچه که گفته شده بود. که او سپس عملاً فراموش شده بود و که اکثر کتاب ها و مقالات در ماهیت جهان و موضوعات متنوع فیزیک مدرن به حال تنها عبور و معمولاً منابع نادرست به او، و که بسیاری از او حذف شده به طور کامل؛ که تا به امروز، بیش از نیم قرن پس از مرگ او، تنها تعداد انگشت شماری از مردم که واقعا درک عواقب به یاد ماندنی از آنچه او انجام داده بود وجود دارد. این، من ادعا می کنم، دقیقاً وضعیت با ویتگنشتاین است.

بود W زندگی می کردند به او 80 و شده اند قادر به طور مستقیم تحت تاثیر قرار سرل (یکی دیگر از نبوغ مدرن از روانشناسی توصیفی)، Pinker, Tooby و cosmides, symons، و تعداد زیادی از دانش آموزان دیگر از رفتار. اگر دوست درخشان خود فرانک رمزی در جوانان خود فوت کرده بود، یک همکاری بسیار پربار تقریباً به طور قطع است. اگر دانش آموز و همکار او آلن تورینگ معشوق خود را تبدیل به حال، یکی از همکاری های شگفت انگیزترین در تمام دوران به احتمال زیاد تکامل یافته است. در هر مورد، چشم انداز فکری قرن بیستم متفاوت بوده است و اگر همه 3 رخ داده بود آن را تقریباً قطعاً بسیار متفاوت بوده است. در عوض او در انزوا فکری نسبی زندگی می کردند، چند او را به خوبی می دانستند و یا به حال آگاهی از ایده های خود را در حالی که او زندگی می کردند، و تنها تعداد انگشت شماری از هر گونه درک واقعی از کار خود را حتی امروز. او می توانست به عنوان یک مهندس، ریاضیدان، یک روانشناس، فیزیولوژیست (او تحقیقات در زمان جنگ در آن)، یک موسیقیدان (او بازی ابرار و استعداد مشهور برای سوت زدن)، یک معمار (خانه او طراحی و ساخته شده برای خواهرش هنوز هم ایستاده)، و یا یک کارآفرین (او یکی از بزرگترین ثروت در جهان به ارث برده بود اما آن را همه دور). این یک معجزه است که او از ترانسه ها و اردوگاه های زندان جان سالم به در می گیرد و Ivy داوطلبانه به طور مداوم برای وظیفه خطرناک ترین (در حالی که نوشتن tractatus) در WW1، چندین سال از سرکوب خودکشی (3 برادر تسلیم به آنها)، اجتناب شود که در اتریش به دام افتاده و اعدام شده توسط نازی ها (او تا حدودی یهودی بود و احتمالاً تنها تمایل نازی ها به دست در پول خود را نجات داد خانواده)، و او برای همجنس گرایی خود را مورد آزار قرار گرفته و رانده به خودکشی مانند دوست خود تورینگ. او متوجه هیچ کسی درک آنچه او انجام شد و ممکن است هرگز (تعجب آور نیست که او نیم قرن بود--و یا یک قرن کامل بسته به نقطه نظر خود را از دیدگاه--پیش از روانشناسی و فلسفه، که تنها به تازگی آغاز شده اند پذیرش که مغز ما یک ارگان تکامل یافته مانند قلب ما است.)

من برای اولین بار برخی از نظرات در فلسفه و ارتباط آن با تحقیقات روانی معاصر به عنوان نمونه در آثار سرل (بازدید کنندگان)، ویتگنشتاین (W)، هکر (H) و همکاران ارائه دهد. این کمک خواهد کرد برای دیدن بررسی من از TLP، OC، PI، BBB توسط W، و Pnc (فلسفه در یک قرن جدید)، ساخت جهان اجتماعی (پسماندهای جامد)، دیدن چیزها به عنوان آنها (STATA)، فلسفه سرل و فلسفه چینی (Spcp)، جان R سرل--فکر کردن در مورد دنیا واقعی (tarw)، و کتاب های دیگر و در مورد این نوابغ، که ارائه شرح روشنی از رفتار سفارش بالاتر، در کتاب های روانشناسی یافت نشد، که من به عنوان چارچوب WS مراجعه کنید. من با برخی از نقل قول های نافذ از W و S آغاز خواهد شد.

"سردرگمی و نابرابری روانشناسی است که با نامیدن آن را" علم جوان "توضیح داده نمی شود؛ دولت آن با فیزیک قابل مقایسه نیست، به عنوان مثال، در آغاز آن است. (به جای آن از شاخه های خاصی از ریاضیات. مجموعه تئوری). برای در روانشناسی روش های تجربی و سردرگمی مفهومی وجود دارد. (همانطور که در مورد دیگر، سردرگمی مفهومی و روش اثبات). وجود روش تجربی باعث می شود ما فکر کنیم که ما به معنای حل مشکلاتی هستیم که ما را دچار مشکل می کند. هر چند مشکل و روش تصویب یکدیگر توسط. " ویتگنشتاین (پی پ. 232)

"فلاسفه به طور مداوم به روش علم قبل از چشم خود را ببینید و irresistibly وسوسه به درخواست و پاسخ به سوالات در علم راه می کند. این گرایش، منبع واقعی متافیزیک است و فیلسوف را به تاریکی کامل هدایت می کند.»

"اما من به تصویر من از جهان با رضایت بخش از صحت آن را دریافت نمی‌کند: و نه من آن را به خاطر من از صحت آن راضی هستم. نه: این پس زمینه به ارث رسیده است که در برابر من تمایز بین درست و نادرست است. ویتگنشتاین
OC ۹۴

"هدف از فلسفه است که به راست دیوار در نقطه ای که زبان متوقف می‌شود به هر حال." ویتگنشتاین در مناسبت
های فلسفی p187

"محدود کردن زبان ، غیر ممکن است برای توصیف یک واقعیت است که مربوط به (ترجمه) حکم بدون به سادگی
تکرار حکم نشان داده شده است..." ویتگنشتاین p10 CV

"بسیاری از کلمات پس از آن در این حس پس از آن معنی دقیق ندارد. اما این یک نقص نیست. فکر می‌کنم این است
که می‌خواهم گفت که نور از لامپ خواندن من هیچ نور واقعی در همه به دلیل آن است که هیچ مرز تیز است.
BBB p27

"هر نشانه ای است که قادر به تفسیر است ، اما به معنی نباید t قادر به تفسیر است. این آخرین تفسیر است
BBB p34"

"یک نوع از بیماری عمومی از تفکر که همیشه به نظر می‌رسد وجود دارد (و مبییند) چه خواهد بود که دولت روانی
که از آن همه اعمال ما بهار ، به عنوان از یک مخزن نامیده می‌شود." BBB p143

"و اشتباه است که ما در اینجا و در یک هزار مورد مشابه هستند تمایل به ایجاد برچسب شده توسط کلمه" را به "را
به عنوان ما آن را در جمله استفاده می‌شود" این هیچ عمل از بینش است که باعث می‌شود ما با استفاده از قانون
به عنوان ما "، چرا که یک ایده وجود دارد که" چیزی باید ما را "انجام آنچه ما انجام دهد. و این دوباره بر روی
سردرگمی بین علت و دلیل می‌پیوندد. ما نیاز به هیچ دلیلی برای پیروی از قانون به عنوان ما. زنجیره ای از دلایل پایان
است." BBB p143

"اگر ما در ذهن داشته باشیم احتمال یک عکس که ، هر چند درست است ، هیچ شباهت با شی آن ، الحاق یک
سایه بین جمله و واقعیت از دست می‌دهد تمام نقطه است. در حال حاضر، خود جمله می‌تواند به عنوان یک سایه
در خدمت. حکم فقط یک تصویر است ، که کوچکترین شباهت با آنچه که آن را نشان دهنده است.
BBBp37

"بنابراین ، ما ممکن است از برخی از ریاضیدانان فلسفیدان که آنها به وضوح از بسیاری از کاربردهای مختلف کلمه"
اثبات "آگاه نیست می‌گویند. و آنها در مورد تفاوت بین استفاده از کلمه مشخص نیست "نوع"، زمانی که آنها از انواع
اعداد صحبت، انواع اثبات، به عنوان اینکه کلمه "نوع" در اینجا به معنای همان چیزی که در زمینه "انواع سیب." یا
، ما ممکن است بگویند ، آنها از معانی مختلف کلمه "کشف" آگاه نیست که در یک مورد ما از کشف ساخت و ساز
از پنتاگون و در مورد دیگر از کشف قطب جنوب صحبت می‌کنند. BBB p29

"برخی از مهم ترین ویژگی های منطقی از معنایی فراتر از رسیدن به پدیدارشناسی به دلیل آنها هیچ واقعیت پدیدار
شناسی فوری... از آنجا که ایجاد معناجویی از meaninglessness است آگاهانه تجربه نیست... آن وجود ندارد...
این است... توهم پدیدارشناسی." سرل PNC p115-117

"... رابطه عمده اصلی بین ذهن و جهان با شرایط رضایت انجام می شود. و یک گزاره هر چیزی است که می تواند در رابطه عمده به جهان ایستاده است، و از آنجایی که کسانی که روابط عمده همیشه تعیین شرایط رضایت، و یک گزاره به عنوان هر چیزی کافی برای تعیین شرایط رضایت تعریف شده، آن را به نظر می رسد که تمام معنایی است یک ماده از گزاره. سرل PNC p193

"دولت عمده نشان دهنده شرایط خود را از رضایت... به اشتباه مردم فرض می کنند که هر نماینده ذهنی باید آگاهانه فکر... اما مفهوم یک نمایندگی که من با استفاده از آن را تابعی و نه مفهوم هستی شناختی است. هر چیزی که دارای شرایط رضایت، که می تواند موفق یا شکست در راه است که از ویژگی های معنایی است، با تعریف یک نمایندگی از شرایط خود را از رضایت... ما می توانیم ساختار پدیده های اجتماعی را با تحلیل شرایط رضایت خود تحلیل کنیم." سرل جامد p28-32

"خرافات چیزی جز اعتقاد به nexus علی نیست." TLP ۵/۱۳۶۱

"در حال حاضر اگر آن است که ارتباط سببی که ما با آن نگران نیست، پس از آن فعالیت های ذهن دروغ قبل از ما باز است." BBB p6

"ما احساس می کنیم که حتی زمانی که همه سوالات علمی ممکن است پاسخ داده شده است، مشکلات زندگی باقی می ماند به طور کامل دست نخورده. البته، پس از آن هیچ سوالی وجود دارد سمت چپ، و این خود پاسخ است." TLP ۶/۵۲

"مزخرف، مزخرف، زیرا شما در حال ساخت فرضیات به جای توصیف به سادگی. اگر سر خود را با توضیحات در اینجا خالی از سکنه، شما غفلت خود را از مهم ترین حقایق یادآوری. Z ۲۲۰

"فلسفه به سادگی همه چیز را قبل از ما قرار می دهد و نه توضیح می دهد و نه هر چیزی... یکی ممکن است نام ' فلسفه ' به آنچه ممکن است قبل از همه اکتشافات جدید و اختراعات را. " PI ۱۲۶

"دقیق تر ما به بررسی زبان واقعی، واضح تر می شود درگیری بین آن و نیاز ما است. (برای خلوص کریستالی منطق، البته، نه نتیجه تحقیقات: این یک نیاز بود.) " PI ۱۰۷

"مفهوم اشتباه است که من می خواهم به شی در این اتصال به شرح زیر است، که ما می توانیم چیزی کاملاً جدید کشف. این یک اشتباه است. حقیقت موضوع این است که ما در حال حاضر همه چیز را کردم، و ما آن را در واقع ارائه شده است؛ ما باید برای هر چیزی منتظر نیست. ما حرکت خود را در قلمرو دستور زبان معمولی خود می گیریم و این دستور زبان در حال حاضر وجود دارد. بنابراین، ما در حال حاضر همه چیز را کردم و باید برای آینده صبر نکنید. (گفت: در ۱۹۳۰) Waismann "لودویگ ویتگنشتاین و دایره وین (۱۹۷۹) p183

"در اینجا ما می آیند تا در برابر یک پدیده قابل توجه و مشخصه در تحقیقات فلسفی: مشکل---من ممکن است بگویم---است که از پیدا کردن راه حل نیست، بلکه که از شناخت به عنوان solution چیزی است که به نظر می رسد که اگر آن را تنها به عنوان یک اولیه به آن بود. ما در حال حاضر گفت: همه چیز.---هر چیزی که از این زیر نیست، هیچ این خود راه حل است! این متصل است، به اعتقاد من، با اشتباه ما در انتظار توضیح، در حالی که راه حل مشکل این است شرح، اگر ما به آن جای مناسب در ملاحظات ما است. اگر ما بر آن ساکن، و سعی نکنید به فراتر از آن را دریافت کنید. Zettel p312-314

"روش ما این است که صرفاً توصیفی، شرح ما را از توضیحات تذکرات نیست." BBB p125

این نقل قول ها به طور تصادفی انتخاب نمی شوند، اما (همراه با دیگران در بررسی من) یک طرح کلی از رفتار (طبیعت انسانی) از دو تا از بزرگترین روانشناسان توصیفی ما است. در نظر گرفتن این مسائل ما باید در ذهن داشته باشیم که فلسفه (در حس دقیق من در اینجا در نظر بگیرد) روانشناسی توصیفی از نظم بالاتر فکر (گرم)، که یکی دیگر از حقایق آشکار که کاملاً نادیده گرفته شده است-یعنی، من آن را ندیده به وضوح در هر نقطه اعلام کرد. علاوه بر عدم آن را روشن است که آنچه انجام می دهند این است که روانشناسی توصیفی، فلاسفه به ندرت مشخص آنچه در آن است که آنها انتظار دارند که برای کمک به این موضوع که دانش آموزان دیگر از رفتار (به عنوان مثال، دانشمندان) انجام نمی دهد، بنابراین پس از اشاره بالا W در مورد حسادت علم، من دوباره از هکر که می دهد شروع خوبی بر روی آن نقل قول.

"Epistemologists سنتی می خواهند بدانند که آیا دانش باور واقعی است و یک وضعیت بیشتر...، یا اینکه آیا دانش حتی این مفهوم را میسراندند... ما می خواهیم بدانند که دانش می کند و هنگامی که آن را توجیه نیاز ندارد. ما باید روشن باشد آنچه که به یک فرد نسبت داد که گفته می شود او چیزی را می داند. آیا آن یک حالت ذهنی مشخص، دستاورد، عملکرد، منش و یا توانایی؟ می تواند شناخت یا باور که p با یک حالت مغز یکسان باشد؟ چرا می توان گفت او معتقد است که p، اما من اینمورد که p'، در حالی که نمی توان گفت 'من معتقدم که p، اما این مورد است که فسفر نیست؟ چرا راه وجود دارد، روش ها و ابزار دستیابی به، رسیدن و یا دریافت دانش، اما باور نمی (به عنوان مخالف ایمان)؟ چرا می توان شناخت، اما نه باور که، چه، چه زمانی، چه و چگونه؟ چرا می توان باور کرد، اما نمی دانم، از صمیم قلب، عاشقانه، hesitantly، ابلهانه، فکر، dogmatically، fanatically یا منطقی؟ چرا می دانید، اما باور نمی کنم، چیزی کاملاً خوب، به طور کامل و یا در جزئیات؟ و به این ترتیب از طریق بسیاری از صدها نفر از سوالات مشابه مربوط نه تنها به دانش و اعتقاد، بلکه به شک، یقین، به خاطر سپردن، فراموشی، رعایت، noticing، شناخت، حضور، در حال آگاهی از، آگاه بودن از، نه به ذکر است افعال متعدد از ادراک و cognates آنها. آنچه باید روشن شود اگر این پرسش ها به پاسخ داده می شود وب مفاهیم معرفتی ما، راه هایی که در آن مفاهیم مختلف با هم قطع، اشکال مختلف ها و ناسازگاری، نقطه و هدف خود، پیش شرطها و اشکال متنوع از وابستگی به متن است. به این ورزش محترم در تجزیه و تحلیل همبند، دانش علمی، روانشناسی، علوم اعصاب و علوم شناختی خود مدل دهید می تواند چیزی به هیچ وجه کمک کند. (عبور از طبیعت به نوبه خود: در کواین بن بست (۲۰۰۵) p15.

در مرگ او در ۱۹۵۱ W در پشت یک مجموعه پراکنده از برخی از صفحات ۲۰,۰۰۰ سمت چپ. به غیر از Tractatus, آنها منتشر نشده و تا حد زیادی ناشناخته، هر چند برخی از آنها به طور گسترده ای منتشر شد و خواندن (به عنوان یادداشت گرفته شده در کلاس های خود را)، منجر به گسترده اما تا حد زیادی غیر تصدیق تحت تاثیر قرار. برخی از آثار شناخته شده اند را از دست داده اند و بسیاری دیگر W نابود کرده بود. بسیاری از این خزن بود microfilmed در ۱۹۶۸ توسط دانشگاه کرنل بود و کپی توسط کتابخانه های بسیار کمی خریداری شد. Budd--فلسفه (۱۹۸۹)--ویتگنشتاین مانند اکثر مفسران از دوره، می کند میکروفیلم مرجع نیست. اگر چه بسیاری از خزن است تکراری و به نظر می رسد در برخی از فرم خود را پس از آن آثار منتشر شده (که توسط Budd اشاره)، بسیاری از متون مختلف علاقه زیادی دارند و مواد قابل توجهی است که از آلمانی اصلی ترجمه شده است و نه در فرم کتاب منتشر وجود دارد.

یادداشت های سخنرانی Yorick Smithies ظاهر شد در ۲۰۱۸ و حتی در حال حاضر ما در انتظار چه به نظر می رسد یک نسخه از کتاب قهوه ای ، سمت چپ با معشوق فرانسیس اسکینر--ویتگنشتاین ، فلسفه دیکته به فرانسیس اسکینر ' (اسپرینگر ، ۲۰۱۹). در ۱۹۹۸ ، سی دی برگن از کامل خزن به نظر می رسد--خزن ویتگنشتاین: متن و نسخه فکس: نسخه های الکترونیکی برگن \$ ۲۵۰۰. ISBN 10:0192686917. این در دسترس است از طریق وام های interlibrary و رایگان در شبکه نیز هست. مانند سی دی های دیگر از کار W ، آن را از Intelix (www.nlx.com) در دسترس است www.nlx.com. این فهرست و قابل جستجو و منبع نخست W است. با این حال ، خوانش گسترده من از ادبیات W نشان می دهد که تعداد کمی از مردم ناراحت به مشورت آن و در نتیجه آثار خود را فاقد یک عنصر حیاتی است. می توان مقالات و ویکتور رودیچ را در مورد اظهارات W در Godel برای یک استثناء قابل توجه مشاهده کرد. یکی از کارهای بزرگ دوستیابی از دوره میانی (۱۹۳۳) W که به عنوان یک کتاب در منتشر شد ۲۰۰۰ Typescript معروف بزرگ است. 'S' فلسفه "ویتگنشتاین" از روانشناسی (۱۹۹۱) یکی از درمان های بهتر از W (نگاه کنید به بررسی من) اما از او به پایان رسید این کتاب در ۱۹۸۹ ، نه بزرگ Typescript و نه به سی دی برگن به او در دسترس بود و او را نادیده میکروفیلم کرنل. با این حال ، تا حد زیادی مهم ترین تاریخ کار از دوره 3rd (حدود ۱۹۳۵ تا ۱۹۵۱) و این همه توسط Budd استفاده می شود.

عرضمن ttgenstein به طور کامل ایده های رمان و منحصر به فرد فوق العاده سقراطی dialogues و مجرمین (مدت من) و نوشتن تلگرافی ، همراه با خود اغلب انفرادی ، تقریباً solipsistic سبک زندگی ، و مرگ زودرس در ۱۹۵۱ ، منجر به عدم انتشار هر چیزی از فکر خود را بعد از آن در طول عمر خود را و تنها به آرامی به خود را بزرگ *nachlass* از برخی از صفحات ۲۰,۰۰۰ منتشر شده است--پروژه ای است که همچنان به این روز است. نسخه کامل تنها از خزن تا حد زیادی آلمانی *nachlass* برای اولین بار توسط آکسفورد در ۲۰۰۰ با intelx در حال حاضر انتشار آن ، و همچنین به عنوان تمام 14 blackwell کتاب زبان انگلیسی در سی دی جستجو صادر شده است. Blackwell سی دی هزینه \$ ۱۰۰. ca. اما سی دی آکسفورد است بیش از \$ ۱۰۰۰ یا بیش از \$ ۲۰۰۰ برای مجموعه ای از جمله تصاویر از نسخه های خطی اصلی. آنها با این حال می توانند از طریق وام های interlibrary به دست آمده و همچنین ، مانند بسیاری از کتاب ها و مقالات، در حال حاضر آزادانه در دسترس در شبکه (libgen.io ، b-ok.org و در p2p). سی دی رام قابل جستجو از کتاب های خود را به زبان انگلیسی و همچنین که از تمام آلمانی ها ، خلاص s ، در حال حاضر در سایت های مختلف بر روی شبکه و به دلیل وجود یک نسخه جدید است. ۲۰۲۱ -- (<http://wab.uib.no/alois/Pichler%2020170112%20Geneva.pdf>). و البته، بسیاری از مقالات علمی و کتاب در حال حاضر آنلاین رایگان در b-ok.org و libgen.io.

علاوه بر این ، مشکلات زیادی با ترجمه از اوایل قرن 20th خود را آلمانی به زبان انگلیسی مدرن ویننی وجود دارد. باید یک استاد انگلیسی ، آلمانی ، و W به منظور انجام این کار و تعداد کمی از آن هستند. همه آثار او را از اشتباهات ترجمه روشن رنج می برند و سوالات ظریف تر که در آن به درک کل محوری از فلسفه بعد خود را به منظور ترجمه وجود دارد. از آنجا که ، به نظر من ، هیچ کسی به جز Daniele مویال-(DMS) Sharrock را درک کرده است واردات کامل از آثار بعد او (اما البته او به تازگی به طور گسترده ای منتشر شده و بسیاری از آنها در حال حاضر از دیدگاه های او آگاه)، می توانید ببینید که چرا عرض هنوز به طور کامل استقبال مینماید. حتی بیشتر یا کمتر-شناخته شده تفاوت بحرانی بین درک ' Satz ' به عنوان ' حکم ' (به عنوان مثال ، چه می تواند در بسیاری از زمینه به عنوان یک گفته S1 در نظر گرفته) در مقابل ' گزاره ' (به عنوان مثال ، در بسیاری از زمینه های a معنی دار S2 گفته با شرایط رضایت) در زمینه های مختلف است که معمولا فرار اطلاع.

چند اعلان (Budd p29-32) ، استرن و DMS در یک مقاله اخیر استثنائات نادر هستند) که W presciently (چند دهه قبل از هرج و مرج و علم پیچیدگی آمد) پیشنهاد کرد که برخی از پدیده های روانی ممکن است در فرآیندهای آشفته در مغز سرچشمه--که به عنوان مثال ، هیچ چیز متناظر با ردیابی حافظه وجود ندارد. او همچنین چند بار پیشنهاد کرد که زنجیره سببی تا پایان ، و این می تواند به معنای هر دو آن است که فقط امکان پذیر نیست (صرف نظر از دولت علم) به آن را ردیابی هر بیشتر ، و مفهوم ' علت ' متوقف می شود قابل اجرا فراتر از یک نقطه خاص (p34). پس از آن ، بسیاری از پیشنهادات مشابه بدون هیچ گونه ایده ای که W مضحکانه را با دهه ها (در واقع بیش از یک قرن در حال حاضر در چند نمونه) ساخته شده است.

با DMS من در نظر گرفتن آخرین کتاب ' در یقین ' (OC) به عنوان سنگ پایه و اساس فلسفه و روانشناسی. این است که واقعا یک کتاب نیست ، اما یادداشت های او در طول دو سال گذشته از زندگی خود را در حالی که در حال مرگ از سرطان پروستات و به سختی قادر به کار ساخته شده است. او به نظر می رسد که عمدتاً توسط تحقق انگیزه که تلاش های ساده G.E. مور توجه در هسته بسیار از همه فلسفه--چگونه آن را ممکن است به معنی متمرکز شده بود ، به این باور ، به دانستن هر چیزی در همه ، و نه قادر به شک آن. همه هر کسی می تواند انجام دهد این است که به بررسی minutely کار از بازی های زبان "می دانم" و "خاص" و "شک" را به عنوان آنها استفاده می شود برای توصیف ابتدایی خودکار سیستم پیش زبانی یک (S1) توابع از مغز ما (C1 ، K1 و D1) و سیستم زبان شناسی پیشرفته مشورتی دو (S2) توابع (K2 من ، C2 و D2). البته ، W نشانی از دو سیستم اصطلاحات استفاده نمی کند ، که only به جلو در روانشناسی برخی از نیم قرن پس از مرگ او آمد ، و هنوز به نفوذ در فلسفه ، اما او به وضوح درک دو سیستم چارچوب (دستور زبان ') در تمام کار خود را از اوایل 30 در ، و می توانید ببینید روشن جلو-shadowings در اولین نوشته های خود را.

بسیار در مور و W و در یقین (OC) به تازگی ، پس از نیم قرن در فراموشی نسبی نوشته شده است. به عنوان مثال ، "مور و ویتگنشتاین" (۲۰۱۰) ، "عقلانیت گسترده" (۲۰۱۵) ، انواع دانش خود را (2016) ، ' brice ' بررسی یقین ' (2014) و اندی همیلتون ' s کتاب راهنمای فلسفه به ویتگنشتاین و در یقین ' ، و بسیاری از کتاب ها و مقالات daniele مویال-(DMS) sharrock و پیتز هرکر (PH) ، از جمله اخیر هرک 3 جلد در طبیعت انسان است. DMS و PH دانشمندان برجسته بعد از W ، هر نوشتن و یا ویرایش نیم دوجین کتاب (بسیاری از بررسی شده توسط من) و بسیاری از مقالات در دهه گذشته بوده است. با این حال ، مشکلات از آمدن به مدتها با اصول روانشناسی نظم بالاتر ما ، i.e. از چگونه زبان (تقریباً همان ذهن، به عنوان W به ما نشان داد) آثار توسط coliva گواه، یکی از فلاسفه درخشان ترین و پرکار معاصر، که اظهارات در یک مقاله بسیار اخیر که نشان می دهد که پس از سال ها کار فشرده در بعد W ساخته شده، او به نظر نمی رسد که او حل مشکلات اساسی ترین شرح رفتار انسان. همانطور که DMS روشن می کند ، حتی نمی تواند منسجم دولت را misgivings در مورد عملیات روانشناسی پایه ما ("لولا" که من با S1 برابر است) بدون فروپاشی به پی انسجام. DMS اشاره کرده است محدودیت های هر دو از این کارگران (محدودیت های به اشتراک گذاشته شده توسط همه دانش آموزان از رفتار) در مقالات اخیر خود ، که (مانند کسانی که از Coliva و هرکر) آزادانه در دسترس در شبکه.

به عنوان DMS آن را قرار می دهد: "... یادداشت ها را تشکیل می دهند که در یقین انقلابی مفهوم باورهای اساسی و انحلال و تردید ، ساخت آنها را اصلاحی ، نه تنها به مور بلکه به دکارت ، Hume ، و همه از معرفت شناسی. در یقین نشان می دهد ویتگنشتاین به حل مشکل او مجموعه ای از حل--مشکل که اشغال مور و گرفتار معرفت شناسی--که از پایه و اساس دانش.

بینش انقلابی ویتگنشتاین در یقین این است که فلاسفه به طور سنتی "باورهای اساسی" نامیده می شود-آن اعتقادات که تمام دانش باید در نهایت بر اساس-نمی تواند ، در درد پی نهایت ، خود را بر اساس اعتقادات بیشتر در وضعیتی است. او می آید برای دیدن که باورهای اساسی هستند واقعا حیوانات و یا روش های غیر بازتابنده از بازیگری که یک بار فرموله شده (به عنوان مثال توسط فلاسفه)، نگاه مانند (تجربی) گزاره. این ظاهر گمراه کننده است که منجر به

فلاسفه به این باور است که در پایه و اساس فکر هنوز فکر بیشتر است. با این حال، هر چند که آنها اغلب ممکن است مانند نتیجه گیری های تجربی نگاه کنند، یقین اساسی ما را تشکیل می دهند بی اساس، غیرپروووضعی زیر بنای دانش، نه شی آن است. در نتیجه وضع پایه و اساس دانش در غیر بازتابنده یقین که خود را به عنوان راه های بازیگری آشکار می کند، ویتگنشتاین جایی را پیدا کرده است که در آن توجیهی به پایان می رسد و مشکل باز کردن باورهای اساسی را حل کرده است-و در گذر، عدم امکان منطقی به طور قابل قبولی از سر و صدای هذلولی نشان داده شده است. من معتقدم که این یک دستاورد پیشگامانه برای فلسفه است-ارزش تماس با "شاهکار سوم" در یقین ویتگنشتاین.

من به همان نتیجه گیری کلی خودم چند سال پیش رسیده و آن را در بررسی کتاب من اظهار داشت.

او ادامه میدهد: "... این دقیقاً همان شکلی است که ویتگنشتاین از لولا مور type یقین در اطمینان می گوید: آنها به صورت گزاره های تجربی هستند، اما گزاره های تجربی نیستند. اعطا شده، این یقین گزاره های متافیزیکی است که به نظر می رسد برای توصیف ویژگی های لازم از جهان نیست، اما آنها گزاره های تجربی که به نظر می رسد برای توصیف ویژگی های مشروط از جهان است. و در آن برخی از تازگی در مورد یقین نهفته است. در یقین با تمام نوشته های قبلی ویتگنشتاین-از جمله Tractatus-در آن در پایان یک تلاش طولانی و ناگسستی برای مشخص کردن گرامر زبان بازی ما، برای مشخص کردن گرامر از زبان در حال استفاده، پیوسته است. بیکر و هکر به خوبی elucidated دوم ویتگنشتاین از ماهیت دستوری از گزاره های متافیزیکی و یا فوق العاده تجربی؛ چه مجموعه در یقین از هم جدا است perspicuous بیشتر تمایز آن بین برخی از گزاره های تجربی و دیگران ('ما' گزاره های تجربی" یک توده همگن (۲۱۳ OC) به شکل نیست): برخی از گزاره ها ظاهراً تجربی و مشروط بودن در واقع چیزی جز عبارات از قواعد دستوری. اهمیت این تحقق این است که آن را به پیش بی سابقه ای که باورهای اساسی--هر چند که آنها مانند ملالت نظر تجربی و مشروط نگاه--در واقع راه های بازیگری که، زمانی که elucidated مفهومی، دیده می شود به عنوان قواعد دستور زبان: آنها زمینه ساز همه تفکر (۴۰۱ OC). به طوری که لولا یقین 'زمین برای سال های بسیاری وجود داشته است' پشتیبانی همه فکر و عمل است، اما نه به عنوان یک گزاره که به ما حمله بلافاصله به عنوان درست است. بلکه به عنوان یک راه بازیگری که پشتیبانی را انجام می دهیم (به عنوان مثال، ما سن زمین را تحقیق می کنیم) و آنچه که میتوانیم (به عنوان مثال، ما از زمین در زمان گذشته صحبت کنیم): "زمینه دادن، با این حال، توجیه شواهد، به پایان می رسد؛ - اما پایان گزاره های خاصی به ما قابل توجه نیست بلافاصله به عنوان واقعی، i.e. این نوع از دیدن در بخشی از ما نیست؛ این اقدام ما است، که در پایین زبان-بازی نهفته است. (۲۰۴ OC)"

"طبیعت غیر موضعی از باورهای اساسی قرار می دهد توقف به عقب که گرفتار معرفت شناسی: ما دیگر نیازی به متغیرهای گزاره خود توجیه در اساس دانش. در گرفتن لولا به گزاره های تجربی درست است، پیتز هکر نتواند به اذعان زمین شکستن پیش که یقین اساسی ما راه های بازیگری، و نه 'گزاره های خاص ما قابل توجه... به عنوان واقعی' (۲۰۴ OC). اگر همه ویتگنشتاین در OC انجام شد، ادعا می کرد که باورهای اساسی ما، گزاره های تجربی واقعی هستند، چرا زحمت می برند؟ او خواهد بود صرفاً تکرار آنچه فلاسفه قبل از او شده اند گفت: برای قرن ها، همه در حالی که لاینحل بی نهایت را به عقب می گویند. چرا نه به جای اینکه ویتگنشتاین از آن عقب افتاده است؟" («فراتر از ویتگنشتاین هکر»-(۲۰۱۳))."

این شگفت انگیز است (و نشانه ای از چقدر عمیق تقسیم بین فلسفه و روانشناسی باقی می ماند) که (همانطور که من چند بار اشاره کرد) در یک دهه از خواندن فشرده، من را دیده اند، یک فرد را ارتباط آشکار بین W' دستور زبان ' و توابع انعکاسی خودکار از مغز ما که سیستم 1، و الحاقات خود را به توابع زبانی از سیستم 2. برای هر کسی که آشنا با دو سیستم چارچوب برای درک رفتار است که زمینه های مختلف روانشناسی مانند نظریه تصمیم برای چند دهه گذشته تحت سلطه، باید مقام آشکار است که اعتقادات اساسی ' (و یا به عنوان من آنها را B1) هستند به ارث برده به طور خودکار ساختار واقعی فقط از S1 و فرمت خود را با تجربه را به جملات واقعی یا نادرست (و یا به عنوان من آنها را B2 تماس) هستند چه غیر فلاسفه تماس ' اعتقادات '. این ممکن است برخی به عنوان یک بازیچه قرار

دادن تنها یک اعتصاب ، اما من دو سیستم مشاهده و آرا خود را در زیر به عنوان ساختار منطقی از عقلانیت برای یک دهه استفاده کرده اند و توجه به آن یک پیشرفت عمده در درک رفتار نظم بالاتر ، و از این رو از W و یا هر گونه نوشتن فلسفی و یا رفتاری. به نظر من ، عدم درک اهمیت اساسی از automaticity از رفتار ما به دلیل S1 و در نتیجه انتساب از همه تعامل اجتماعی (به عنوان مثال ، سیاست) به superficialities از S2 را می توان به عنوان مسئول فروپاشی بی شفقت تمدن صنعتی مشاهده شده است. فراموشی تقریباً جهانی به زیست شناسی اساسی و روانشناسی منجر به تلاش بی پایان بی ثمر حل مشکلات جهان از طریق سیاست ، اما تنها بازسازی شدید جامعه با درک نقش اساسی از تناسب اندام فراگیر به عنوان آشکار از طریق S1 automaticities هر فرصتی برای نجات جهان است. فراموشی به S1 شده است توسط سرل 'توهم پدیدارشناسی' ، توسط Pinker 'تخته سنگ خالی' و توسط Tooby و Cosmides 'استاندارد علوم اجتماعی مدل نامیده می شود.

OC نشان می دهد منحصر به فرد فوق العاده سقراطی triologue (گوینده ، مخاطب ، مفسر) در شکوفه کامل و بهتر از هر جای دیگری در آثار او. او توسط اواخر 20 متوجه شد که تنها راه برای ایجاد هر گونه پیشرفت بود که چگونه زبان در واقع با این نسخهها کار نگاه--در غیر این صورت یکی می شود در دخمه پرپیچ و خم از زبان از جمله اول از دست داده است و کوچکترین امید پیدا کردن یک راه وجود ندارد. کل کتاب به نظر می رسد در استفاده های مختلف از کلمه 'می دانم' که خود را جدا را به 'می دانم' به عنوان یک "ادراکی" یقین است که می تواند معنی داری نمی شود سوال (K1 من و یا لازم W's) و 'می دانم' به عنوان یک منش به عمل (K2 من و یا در حرکت W) ، که توابع همان فکر می کنم ، امید ، قاضی ، درک ، تصور کنید ، به یاد داشته باشید ، باور و بسیاری از دیگر کلمات dispositional. همانطور که من در بررسی های مختلف از W و S پیشنهاد کرده اند ، این دو با استفاده از متناظر با دو سیستم مدرن از چارچوب اندیشه است که چنان قدرتمند در درک رفتار (ذهن ، زبان) ، و این (و کار دیگر او) اولین تلاش قابل توجهی برای نشان دادن چگونگی سریع ، "حالت های ذهنی به صورت خودکار" است که به صورت بدیهی (لولا) برای ما بعد از تکامل ، آهسته ، زبانی ، روانشناسی dispositional. همانطور که من چند بار اشاره کرده اند ، نه عرض ، و نه هر کسی دیگری به دانش من ، تا به حال اظهار داشت این به وضوح. بدون شک ، اکثر کسانی که خواندن OC دور با هیچ ایده روشنی از آنچه که او انجام داده است ، که نتیجه طبیعی از خواندن هر یک از کار او است.

در یقین (OC) تا ۱۹۶۹ ، 18 سال پس از مرگ ویتگنشتاین منتشر نشد و تنها اخیراً شروع به جلب توجه جدی کرد. منابع چند به آن در سرل وجود دارد (همراه با هکر، وارث وات و یکی از معروف ترین فیلسوف زندگی S) و یکی می بیند کل کتاب در W با به سختی اشاره. با این حال ، کتاب های منطقی خوب بر روی آن با قدم زدن وجود دارد ، سونسون ، McGinn ، Coliva ، و دیگران و بخش هایی از بسیاری از کتاب ها و مقالات دیگر ، اما بهترین است که از Daniele Moyal-Sharrock (DMS) که ۲۰۰۴ جلد "درک ویتگنشتاین در یقین" برای هر فرد تحصیل کرده اجباری است ، و شاید بهترین نقطه شروع برای درک ویتگنشتاین (W) ، روانشناسی ، فلسفه و زندگی است. با این حال (به نظر من) همه تجزیه و تحلیل W سقوط کوتاه از به طور کامل بتواند پیشرفت های منحصر به فرد و انقلابی خود را با عدم قرار دادن رفتار در تکاملی گسترده و زمینه علمی معاصر ، که من در اینجا تلاش خواهد کرد. من نمی خواهم صفحه را با توضیح صفحه از زمان (به عنوان با هر کتاب دیگر برخورد با رفتار-*i. e.* ، فلسفه ، روانشناسی ، مردم شناسی ، جامعه شناسی ، تاریخ ، قانون ، سیاست ، مذهب ، ادبیات و غیره) ما نمی خواهد گذشته چند صفحه اول ، به عنوان همه مسائل مورد بحث در اینجا بلافاصله در هر بحث رفتار بوجود می آیند.

جدول زیر خلاصه ساختار منطقی از عقلانیت (روانشناسی توصیفی از تفکر نظم بالاتر) فراهم می کند چارچوبی برای این و همه بحث از رفتار.

در این دوره از چندین سال خواندن گسترده در عرض ، فلاسفه دیگر ، و روانشناسی ، آن را روشن کرده است که آنچه که او در دوره نهایی خود را (و در طول کار قبلی خود را در راه کمتر روشن) گذاشته شده است ، پایه و اساس آنچه در حال حاضر به عنوان روانشناسی تکاملی (EP) شناخته شده است ، و یا اگر شما ترجیح می دهند ، روانشناسی

شناختی، زبان‌شناسی شناختی، معنایی، تفکر نظم بالاتر یا فقط رفتار و یا حتی متاسفانه چند متوجه است که آثار او یک کتاب درسی گسترده و منحصر به فرد از روانشناسی توصیفی است که به عنوان مربوطه در حال حاضر به عنوان روز آن نوشته شده بود. او تقریباً به طور جهانی توسط روانشناسی و دیگر علوم رفتاری و علوم انسانی نادیده گرفته شده است، و حتی کسانی که چند که او را درک کرده اند میزان پیش بینی خود را از آخرین کار در EP و توهم شناختی متوجه نیست (به عنوان مثال، دو خود را از تفکر سریع و آهسته--پایین را ببینید). جان سرل (S)، اشاره به او به ندرت، اما کار خود را می توان به عنوان یک فرمت ساده از W دیده، هر چند او به نظر نمی رسد برای دیدن این. تحلیلگران W مانند بیکر و هکر (B & H)، خواندن، Hor، Harre، مویچ، استرن، Hutto، و مویال-Sharrock انجام شگفت اما اغلب متوقف کوتاه از قرار دادن او در مرکز روانشناسی فعلی، جایی که او قطعاً تعلق دارد. همچنین باید روشن باشد که تا جاییکه آنها منسجم و صحیح هستند، تمام حساب های رفتار سفارش بالاتر، پدیده های مشابهی را توصیف می کنند و باید به راحتی به یک دیگر ترجمه شوند. بنابراین، تم ها به تازگی مد روز از "ذهن تجسم" و "enactivism رادیکال" باید جریان به طور مستقیم از و به کار W (و آنها).

شکست بیشتر به طور کامل درک اهمیت W است تا حدی به دلیل توجه محدود بر یقین (OC) و دیگر خود را 3 دوره^{۱۰} آثار تا همین اواخر دریافت کرده اند، اما حتی بیشتر به ناتوانی بسیاری از فلاسفه و دیگران را به درک چگونه عمیقاً نظر ما از رفتار تغییر یک بار ما در آغوش چارچوب تکاملی. من اسمش را در چارچوب روانشناسی توصیفی از اندیشه سفارش بالاتر--DPHOT--یا دقیق تر مطالعه زبان مورد استفاده در DPHOT--که سرل خواستار ساختار منطقی از عقلانیت-LSR، که به دلایل انسان شناسی، جامعه شناسی، سیاست، قانون، اخلاق، اخلاق، مذهب، زیبایی شناسی، ادبیات و تاریخ.

"نظریه" تکامل متوقف به یک نظریه برای هر عادی، منطقی، شخص هوشمند قبل از پایان قرن 19 و برای داروین حداقل نیم قرن قبل. یکی نمی تواند کمک کند اما ترکیب T. rex و همه است که مربوط به آن را به ما واقعی تنها پس زمینه بدیهی از طریق عملکرد بی شفقت EP. هنگامی که یکی می شود منطقی (روانی) ضرورت این است که واقعا stupefying که حتی درخشان و بهترین به نظر می رسد به درک این واقعیت اساسی ترین زندگی انسان (با نوک کلاه به کانت، سرل و چند نفر دیگر) که در جزئیات بزرگ در "در یقین" گذاشته شد. اتفاقاً، معادله منطقی و روانشناسی بدیهی ما به درک W و طبیعت انسان ضروری است (به عنوان Daniele مویال-Sharrock (DMS)، اما افایک هیچ چیز دیگری، امتیاز از).

بنابراین، بسیاری از تجربه مشترک به اشتراک گذاشته ما (فرهنگ) می شود گسترش درست تنها از EP و بدیهی ما است و نمی توان یافت اشتباه بدون تهدید عاقلی ما. فوتبال یا بریتنی اسپیرز نه تنها می تواند از من یا حافظه و واژگان ما به عنوان این مفاهیم، ایده ها، رویدادها، توسعه یافته و به دیگران بی شماری در شبکه درست است که با تولد آغاز می شود و گسترش در تمام جهات به در بر گرفتن بسیاری از آگاهی و حافظه ما گره خورده است. Corollary، سادگی توسط DMS و elucidated به شیوه ای منحصر به فرد خود را توسط سرل توضیح داد، این است که دیدگاه شک و تردید از جهان و ذهن های دیگر (و یک کوه از مزخرف دیگر از جمله تخته سنگ خالی) واقعا نمی تواند یک جای پای، به عنوان "واقعیت" است در نتیجه بدیهیات غیر ارادی تفکر سریع و نمی آزمایشی و یا گزاره نادرست است.

دست مرده از نمایش تخته سنگ خالی از رفتار هنوز هم به شدت استوار است و به طور پیش فرض از خود دوم از سیستم تفکر آهسته آگاه 2، که (بدون آموزش و پرورش) است غافل به این واقعیت است که زمینه را برای همه رفتار نهفته در ناخودآگاه، سریع فکر ساختار بدیهی سیستم 1 (سرل توهم پدیدارشناسی 's). سرل این تا در یک مقاله بسیار روشنگری اخیر با اشاره به که بسیاری از ویژگی های منطقی از قصدمندی فراتر از رسیدن به پدیدارشناسی به دلیل ایجاد (i.e., COS S2) خارج از meaninglessness (i.e., رفلکس S1) است آگاهانه تجربه نمی. دیدن فلسفه در یک قرن جدید p115-117 (PNC) و بررسی من از آن.

این ضروری است به درک W/S (ویتگنشتاین/سرل) framework بنابراین من برای اولین بار ارائه برخی از نظرات در فلسفه و ارتباط آن با تحقیقات روانی معاصر به عنوان نمونه در آثار سرل (ها)، ویتگنشتاین (W)، بیکر و هکر (B & H)، خواندن، Hutto, daniele مویال- (DMS) SHARROCK و همکاران. برای درک ساده دو سیستم اصطلاحات و چشم انداز، آن را کمک خواهد کرد برای دیدن بررسی من از W/S و کتاب های دیگر در مورد این نواخ، که ارائه شرح روشی از رفتار سفارش بالاتر در کتاب روانشناسی یافت نشد. می گویند که سرل گسترش یافته است کار W است نه لزوماً به این مفهوم را میسراند که نتیجه مستقیم از مطالعه W (و او به وضوح Wittgensteinian نیست)، بلکه به این دلیل است که تنها یک روانشناسی انسان وجود دارد (به همین دلیل تنها یک انسان قلب و عروق وجود دارد)، که هر کسی با دقت توصیف رفتار باید enunciating برخی از نوع و یا فرمت از آنچه W گفت:.

با این حال، S به ندرت اشاره W و حتی پس از آن، اغلب در راه بحرانی، اما به نظر من انتقادات خود را (مثل همه) تقریباً همیشه از دست علامت و او باعث می شود بسیاری از اظهارات مشکوک که او اغلب مورد انتقاد است. در حال حاضر، انتقادات اخیر از coliva، DMS و هکر مربوطه را پیدا کنم. با این وجود، او اولین نامزد برای بهترین از W است و من توصیه می کنم دانلود بیش از ۱۰۰ سخنرانی های ویدئویی او در شبکه است. بر خلاف تقریباً تمام سخنرانی های فلسفه دیگر آنها کاملاً سرگرم کننده و آموزنده است و من همه آنها را حداقل دو بار شنیده ام.

یک موضوع عمده در همه بحث از رفتار انسان است که نیاز به جدا از automatisms برنامه ریزی شده ژنتیکی از S1 (که من با W 'لولا') از رفتار های زبانی کمتر مکانیکی از زبان های تکراری S2 برابر است. برای rephrase: همه مطالعه رفتار نظم بالاتر تلاش برای آزار و اذیت از راه دور سیستم سریع S1 (و سیستم آهسته S2) فکر کردن-به عنوان مثال، ادراکات و دیگر automatisms در مقابل. کار سرل را به عنوان یک کل فراهم می کند شرح خیره کننده از نظم بالاتر S2 رفتار اجتماعی از جمله "intentionality"، در حالی که بعد W نشان می دهد که چگونه S2 در واقعی فقط بدیهیات ناخودآگاه از S1 بر اساس، که در تکامل و در هر یک از تاریخ های شخصی ما توسعه یافته را به تفکر prosiin خودآگاه آگاه (بازیگری) از S2.

ویتگنشتاین معروف گفت که سردرگمی و نابرابری روانشناسی است که با نامیدن آن را یک علم جوان توضیح داده نمی شود و فلاسفه irresistibly وسوسه به درخواست و پاسخ به سوالات در علم راه می کند. او اشاره کرد که این گرایش منبع واقعی متافیزیک و منجر فیلسوف به تاریکی کامل است. مشاهده BB p18. یکی دیگر از نظر قابل توجه این بود که اگر ما در رابطه با "علل" از ذهن دروغ باز قبل از ما--(۱۹۳۳) BB p6 را ببینید. به همین ترتیب، ۲۰,۰۰۰ صفحات از خزن خود را نشان داد حکم معروف خود را که مشکل این است که برای پیدا کردن راه حل نیست، بلکه به عنوان راه حل به نظر می رسد که تنها یک مقدماتی به رسمیت شناختن. مشاهده zettel p312-314. و دوباره، او اشاره کرد ۸۰ سال پیش که ما باید به درک که ما تنها می تواند به توصیف رفتار و که این نکات از توضیحات نیست (BBB p125). مشاهده نقل قول های کامل در جاهای دیگر در این مقاله.

ایده های مشترک (به عنوان مثال، زیرنویس یکی از کتاب های "Stuff" pinker اندیشه: زبان به عنوان یک پنجره را به طبیعت انسان) که زبان (ذهن، گفتار) یک پنجره در یا نوعی از ترجمه از تفکر ما و یا حتی (بسیاری fodor، ISA 'carruthers، و غیره) که باید وجود داشته باشد برخی از دیگر "زبان فکر" از آن است که یک ترجمه، توسط W، که سعی در نشان دادن، با صدها نفر از به طور مستمر reanalyzed نمونه هایی از زبان در عمل رد شد، که زبان یک تصویر نیست، اما خود تفکر یا ذهن است، و کل جسم خود را می تواند به عنوان توسعه این ایده در نظر گرفته.

بسیاری از این ایده از "زبان فکر"، اما در نظر من هیچ بهتر از W در BBB p37--"اگر ما در ذهن نگه داشتن احتمال یک عکس که، هر چند درست است، هیچ شباهت با شی آن، الحاق سایه بین جمله و واقعیت از دست می دهد تمام نقطه. در حال حاضر، خود جمله می تواند به عنوان یک سایه در خدمت. حکم فقط یک تصویر است، که کوچکترین شباهت با آنچه که آن را نشان دهنده است. بنابراین، مسائل مربوط به زبان مستقیم از مغز و چه چیزی

می تواند به عنوان مدرکی برای واسطه حساب ؟

W این ایده را رد کرد که رویکردهای پایین فیزیولوژی، روانشناسی و محاسبات می تواند نشان دهد که تجزیه و تحلیل بالا خود را از بازی های زبان (LG) انجام داد. مشکلات او اشاره به درک آنچه که همیشه در مقابل چشم ما و برای گرفتن ابهام--یعنی، "بزرگترین مشکل در این تحقیقات است برای پیدا کردن یک راه به نمایندگی از ابهام" (LWPP1 ، ۳۴۷). و به همین ترتیب، گفتار (به عنوان مثال، انقباضات عضلانی دهان، راه اصلی ما تعامل) یک پنجره به ذهن نیست، اما ذهن خود است، که توسط انفجارهای صوتی در مورد گذشته، حال و آینده اعمال می شود (به عنوان مثال، سخنرانی ما با استفاده از بازی های زبان تکامل یافته بعد (LG) از Second خود--از جمله تصور، دانستن، معنی، باور، قصد و غیره). برخی از موضوعات مورد علاقه W در دوم بعد او و دوره سوم خود را از مکانیسم های بین المللی تفکر سریع و آهسته (سیستم 1 و 2)، پی ربطی از زندگی ذهنی ذهنی ما را به عملکرد زبان، و عدم امکان زبان خصوصی است. سنگ بستر از رفتار ما غیر ارادی است، سیستم 1، تفکر سریع، درست فقط، حالات ذهنی-ادراکات و خاطرات ما و اعمال غیر ارادی، در حالی که تکاملی بعد از LG هستند داوطلبانه، سیستم 2، تفکر آهسته، قابل فهم واقعی یا نادرست dispositional (و اغلب مخالف) تصور، فرض بر این، قصد، تفکر، دانستن، مؤمن و غیره. او به رسمیت شناخته شده است که هیچ چیز است Hidden' i. e. همه ما روانشناسی و تمام پاسخ به همه سوالات فلسفی در اینجا به زبان ما (زندگی ما) و مشکل این است که برای پیدا کردن پاسخ نیست، بلکه به رسمیت شناختن آنها را به عنوان همیشه در اینجا در مقابل ما--ما فقط باید برای متوقف کردن تلاش به دنبال عمیق تر (به عنوان مثال، در LWPP1 "بزرگترین خطر در اینجا است که مایل به رعایت خود")

W است قانونگذاری از مرزهای علم نیست، اما اشاره به این واقعیت است که رفتار ما (بیشتر گفتار) روشن ترین تصویر ممکن است از روانشناسی ما است. TCMS، PET، FMRI، ایرو، آنالوگ محاسباتی، هوش مصنوعی و همه بقیه راه های جذاب و قدرتمند برای توصیف و گسترش روانشناسی بدیهی ذاتی ما هستند، اما همه آنها می توانند انجام دهند اساس فیزیکی برای رفتار ما، چند برابر بازی های زبان ما، و گسترش S2. بدیهیات واقعی فقط از ' در یقین ' هستند W (و بعد از سرل) "سنگ بستر" و یا "پس زمینه"، که ما در حال حاضر تماس روانشناسی تکاملی (EP)، و قابل ردیابی است که به طور خودکار واکنش واقعی تنها از باکتری ها، که تکامل یافته و کار توسط مکانیسم تناسب اندام فراگیر (اگر)، به عنوان مثال، با انتخاب طبیعی.

مشاهده آثار اخیر Trivers برای مقدمه ای محبوب اگر یا s Bourke ' فوق العاده "اصول تکامل اجتماعی" برای معرفی حرفه ای. تقلید مسخره امیز اخیر تفکر تکاملی توسط Nowak و ویلسون به هیچ وجه تاثیر این واقعیت است که اگر مکانیسم نخست تکامل توسط انتخاب طبیعی (نگاه کنید به بررسی من از ' فتح اجتماعی زمین ' (۲۰۱۲)).

به عنوان W توسعه در OC، بسیاری از تجربه های عمومی مشترک ما (فرهنگ) تبدیل به یک پسوند درست (به عنوان مثال، S2 لولا یا S2H) از ما بدیهی EP (به عنوان مثال، S1 و یا S1H) و نمی تواند پیدا شود ' اشتباه ' بدون تهدید سلامت عقل ما-به عنوان او اشاره کرد، "اشتباه" در S1 (بدون آزمون) عمیقا عواقب مختلف از یکی در S2 (ازمایشی). Corollary، سادگی توسط DMS و elucidated را به شیوه ای منحصر به فرد خود را توسط سرل توضیح داد، این است که دیدگاه شک و تردید از جهان و ذهن های دیگر (و یک کوه از مزخرف دیگر) می تواند جای پای نیست، به عنوان "واقعیت" است که منجر به غیر ارادی ' تفکر سریع ' بدیهیات و گزاره های آزمایشی (که من آن را قرار داده).

آن را به من روشن است که تنها بدیهیات ذاتی واقعی است با در سراسر کار خود را اشغال، و به خصوص در OC، معادل به تفکر سریع و یا سیستم 1 است که در مرکز تحقیقات فعلی (به عنوان مثال، مشاهده Kahneman-- "تفکر سریع و آهسته"، اما نه او، و نه هر کسی afaik، تا به هر ایده W گذاشته از چارچوب بیش از ۵۰ سال پیش)، که غیر ارادی و اتوماتیک و که مربوط به حالات ذهنی از ادراک، احساسات و حافظه، به عنوان یادداشت W و بیش از بیش. یکی ممکن است این "رفلکس داخل مغزی" تماس بگیرد (شاید ۹۹٪ از تمام cerebration ما

اگر با استفاده از انرژی در مغز اندازه گیری). آهسته و یا انعکاسی ما ، بیشتر یا کمتر "آگاهانه" (برحذر باشید یکی دیگر از شبکه ای از-بازی های زبان!) فعالیت مغزی دوم خود را مطابق با آنچه W به عنوان "یون های disposit" یا "تمایلات" ، که اشاره به توانایی ها و یا اقدامات ممکن است ، حالات ذهنی نیست ، آگاهانه ، عمدی و گزاره ای (درست یا غلط) ، و هیچ زمان قطعی وقوع

به عنوان یادداشت W ، کلمات منش حداقل دو استفاده اساسی است. یکی عجیب و غریب است استفاده بیشتر فلسفی (اما فارغ التحصیلی به استفاده روزمره) که اشاره به جملات واقعی تنها ناشی از ادراکات و حافظه مستقیم ، یعنی ، روانشناسی ذاتی خود را S1 (' من می دانم که این دست من هستند) ، در اصل نامیده Causally خود ارجاعی (CSR) توسط سرل (اما در حال حاضر Causally خود بازتابی) و یا بازتابی و یا لازم در ' s W کتاب آبی و قهوه ای (BBB) ، و استفاده از S2 ، که استفاده عادی خود را به عنوان عنوان ، که می تواند عمل کردن ، و که می تواند تبدیل به درست یا غلط (' من می دانم که راه خانه من)--یعنی ، آنها شرایط را از رضایت (COS) در حس دقیق ، و CSR نیست (به نام انتقالی در BBB). معادله از این شرایط از روانشناسی مدرن با استفاده از W و S (و بسیار دیگری در اینجا) ایده من است ، بنابراین انتظار نمی رود آن را در ادبیات (به جز کتاب من ، مقالات و بررسی on vixra.org ، academia.edu ، researchgate.net ، philpapers.org ، آموزون ، b-ok.org ، libgen.io و غیره.) .

هر چند به ندرت توسط فلاسفه لمس ، تحقیقات تفکر سریع غیر ارادی است روانشناسی انقلابی ، اقتصاد (به عنوان مثال ، جایزه نوبل Kahneman) و رشته های دیگر تحت نام مانند "توهم شناختی" ، "پرایمینگ" ، "شناخت ضمنی" ، "قابسازی" ، "ابتکارات" و "تعصبات". البته این بازی ها نیز زبان هستند ، بنابراین وجود خواهد داشت راه های بیشتر و کمتر مفید برای استفاده از این کلمات ، و مطالعات و بحث خواهد شد از "خالص" سیستم 1 به ترکیبی از 1 و 2 (هنجار به عنوان W روشن ساخته شده است ، اما البته او از این اصطلاحات استفاده نمی کند) ، اما احتمالاً نه همیشه از نه تنها از فکر S2 تنها آهسته ، از آنجا که هر گونه فکر (اقدام عمدی) می تواند بدون شامل بسیاری از شبکه پیچیده S1 از "ماژول های شناختی" ، "استنباط موتورهای" ، "رفلکس داخل مغزی" ، "automatisms" ، "بدیهیات شناختی" ، "پس زمینه" و یا "سنگ بستر" (به عنوان W و سرل تماس EP ما) که باید به استفاده از S1 به حرکت عضلات (اقدام)

این شرح هر دو از کار دوره 3rd W و از روانشناسی معاصر ، که ' اراده ' ، ' خود ' و ' آگاهی ' (که به عنوان یادداشت سرل توسط همه بحث و نتیجه گیری از پیش فرض) هستند بدیهی عناصر واقعی فقط از S1، متشکل از ادراکات، خاطرات و رفلکس. و هیچ امکان (وضوح) از نشان دادن وجود دارد (حس کردن به) باطل خود را. به عنوان W ساخته شده زمان های متعدد روشن، آنها پایه و اساس قضاوت هستند و بنابراین می تواند در نظر گرفته شود. بدیهیات واقعی فقط از روانشناسی ما هستند. همانطور که او معروف در OC p94 گفت: "اما من عکس من از جهان با رضایت از خودم از صحت آن را دریافت نمی کند: و نه من آن را به خاطر من از صحت آن راضی هستم. -نه: این پس زمینه موروثی است که من بین true و false تمایز قائل هستم.

یک جمله بیانگر یک تفکر (معنی) ، زمانی که شرایط روشن از رضایت (COS) ، به عنوان مثال ، شرایط حقیقت عمومی است. از این رو نظر از W: "وقتی که من به زبان فکر می کنم ، ' معانی ' رفتن را از طریق ذهن من علاوه بر عبارات کلای وجود ندارد: زبان خود را وسیله نقلیه اندیشه است." و اگر من با یا بدون کلمات فکر می کنم ، فکر هر چیزی که من (صادقانه) می گویند آن است ، به عنوان هیچ معیار دیگر ممکن است (COS) وجود دارد. در نتیجه ' s جملات isms (p132 در کتاب دوست داشتنی Budd در عرض)--"آن را در زبان است که مایل و تحقق ملاقات و مانند همه چیز متافیزیکی ، هماهنگی بین فکر و واقعیت این است که در دستور زبان یافت می شود." و ممکن است در اینجا توجه داشته باشید که "دستور زبان" در W معمولاً می تواند به عنوان EP یا Isr ترجمه شود (dphot-نگاه کنید به جدول) و آن ، به رغم هشدارهای مکرر خود را در برابر نظریه پردازی و تعمیم (که او اغلب به اشتباه توسط سرل انتقاد) ، این است که در مورد به عنوان گسترده ای از مشخصات نظم بالاتر روانشناسی توصیفی (فلسفه) به عنوان یکی می توانید پیدا (به عنوان DMS نیز یادداشت).

W درست است که هیچ دولت روانی است که به منزله معنی وجود دارد، و سرل اشاره می کند که یک راه کلی برای توصیف act معنی "بلندگو معنی وجود دارد... تمایل شرایط رضایت در شرایط رضایت است" - که به معنی صحبت کردن و یا نوشتن یک جمله به خوبیشکل گرفته است بیان در یک چارچوب است که می تواند درست یا غلط، و این یک عمل است و نه یک دولت روانی است. به عنوان مثال، به عنوان سرل یادداشت در فلسفه در یک قرن جدید p193- "رابطه عمده اساسی بین ذهن و جهان با شرایط رضایت انجام دهد. و یک گزاره هر چیزی است که می تواند در رابطه عمده به جهان ایستاده است، و از آنجایی که آن روابط عمده همیشه تعیین شرایط رضایت، و یک گزاره به عنوان هر چیزی کافی برای تعیین شرایط رضایت تعریف شده، به نظر می رسد که تمام معنایی است یک ماده از گزاره. "--گزاره بودن رویدادهای عمومی است که می تواند درست یا غلط--منع استفاده از منحرف کلمه برای بدیهیات واقعی فقط از S1 توسط سرل، coliva و دیگران. از این رو، نظر معروف توسط W از p217 PI- "اگر خدا را به ذهن ما نگاه او را نمی توانست برای دیدن وجود دارد که ما صحبت از"، و نظرات خود را که کل مشکل از نمایندگی در "که او" و "چه می دهد تصویر تفسیر آن است که در مسیر آن نهفته است"، و یا به عنوان S می گوید COS آن. از این رو جمع (p140 Budd) 's W--"آنچه که همیشه به آن می آید در پایان این است که بدون هیچ گونه معنی بیشتر، او خواستار آنچه اتفاق افتاده آرزو که باید اتفاق می افتد-و سوال این که آیا من می دانم آنچه که من آرزو قبل از آرزوی من برآورده شده است نمی تواند بوجود می آیند و این واقعیت است که برخی از رویداد متوقف می شود که من قصد ندارم به این معنا نیست که آن را برآورده. شاید من نباید راضی شده است اگر آرزوی من راضی شده بود. فرض کنید پرسیده شد-آیا من می دانم چه مدت قبل از من آن را دریافت کنم؟ اگر من یاد گرفته اند به صحبت، سپس من نمی دانم.

یکی از تم های تکراری W در حال حاضر به نام نظریه ذهن، و یا به عنوان من ترجیح می دهم، درک از آژانس (UA). ایان Apperly، که به دقت تجزیه و تحلیل UA1 و UA2 (UA، i.e. از S1 و S2) در آزمایش، از کار دانلی Hutto، که UA1 به عنوان یک فانتزی مشخص شده است (به عنوان مثال، هیچ 'نظریه' و نه نمایندگی را می توان در UA1 درگیر--که برای UA2 محفوظ است ببینید بررسی من از کتاب اول خود را با myin). با این حال، مانند روانشناسان دیگر، Apperly تا به هیچ ایده W زمینه را برای این ۸۰ سال پیش گذاشته است. این به راحتی نظریه view است که هسته از ادبیات رو به رشد در توهم شناختی، شناخت ضمنی، automatisms و نظم بالاتر فکر سازگار با و آندرویدی deducible از W است. به رغم این واقعیت است که بسیاری از بالا برای چندین دهه شناخته شده است (و حتی 4/3 از یک قرن در مورد برخی از آموزه های W)، من به ندرت دیده می شود هر چیزی نزدیک شدن به بحث کافی در فلسفه و یا سایرمتون علوم خوراکی behavi، و معمولاً وجود دارد به سختی اشاره.

پس از نیم قرن در فراموشی، ماهیت آگاهی در حال حاضر داغترین موضوع در علوم رفتاری و فلسفه. ابتدا با کار پیشگام لودویگ ویتگنشتاین در سال 1930 (کتاب آبی و قهوه ای) به ۱۹۵۱، و از 50 به حال حاضر توسط جانشینان او سرل، مویال-Sharrok، خواندن، هکر، استرن، Hor-مویچ، وینچ، Finkelstein و غیره، من جدول زیر را به عنوان اکتشافی برای پیشبرد این مطالعه ایجاد کرده اند. ردیف نشان می دهد جنبه های مختلف و یا راه های مطالعه و ستون ها نشان می دهد فرآیندهای غیر ارادی و رفتارهای داوطلبانه شامل دو سیستم (فرآیندهای دوگانه) از ساختار منطقی آگاهی (LSC)، که همچنین می تواند به عنوان ساختار منطقی عقلانیت در نظر گرفته شود (LSC-سرل). رفتار (LSC)، شخصیت (LSC)، از ذهن (LSC)، زبان (LSC)، از واقعیت (LSC)، از معنایی (LSI)-کلاسیک اصطلاح فلسفی، روانشناسی توصیفی آگاهی (DPC)، روانشناسی توصیفی اندیشه (DPT)-یا بهتر، زبان روانشناسی توصیفی اندیشه (LDPT)، اصطلاحات معرفی شده در اینجا و در نوشته های اخیر من.

ایده هایی برای این جدول در ویتگنشتاین سرچشمه گرفته و یک جدول بسیار ساده توسط سرل، و ارتباط با جداول گسترده و نمودار در سه کتاب اخیر در طبیعت انسان توسط هکر P. S. آخرین 9 ردیف از تحقیقات تصمیم گیری، به طور عمده توسط Johnathan سنت B.T. ایوانز و همکارانش به عنوان توسط خودم تجدید نظر آمده است.

سیستم 1 غیر ارادی است ، بازتابی و یا خودکار "قواعد" R1 در حالی که فکر (شناخت) تا به هیچ شکاف است و داوطلبانه یا مشورتی "قواعد" R2 و مایل (اراده) تا 3 شکاف (نگاه کنید به سرل).

پیشنهاد میکنم ما می توانیم رفتار واضح تر با تغییر سرل "شرایط تحمیل رضایت در شرایط رضایت" به "ارتباط کشورهای روانی به جهان با حرکت عضلات" توصیف "-یعنی, صحبت کردن ، نوشتن و انجام ، و" ذهن خود را به جهت جهانی مناسب"و" جهان به ذهن جهت مناسب "توسط" علت سرچشمه در ذهن "و" علت سرچشمه در جهان "S1 تنها منحنی سببی (جهان به ذهن) و contentless (فاقد نمایندگی و یا اطلاعات) در حالی که S2 محتوا است و اغوا سببی (ذهن به جهان). من اصطلاحات خود را در این جدول به تصویب رسید.

از تجزیه و تحلیل بازی های زبان

عمل کلمه	*** IA	** P	تمایل	درک	حافظه	احساسات	وضع	
ذهن	ذهن	ذهن	ذهن	جهان	جهان	جهان	جهان	علت سرچشمه از *** *
جهان	جهان	جهان	هیچ کدام	ذهن	ذهن	ذهن	هیچ کدام	باعث تغییر در *** *
بله	بله	بله	نه	بله	بله	بله	نه	Causally خود بازتابی *****
بله	بله	بله	بله	T تنها	T تنها	T تنها	بله	درست یا غلط (آزمایشی)
بله	نه	بله	بله/خیر	نه	بله/خیر	بله/خیر	بله	شرایط عمومی رضایت
بله	بله/خیر	نه	نه	بله	بله	بله	نه	توصیف یک حالت ذهنی
2	2	3	5	1	3 ، 2	4	5	اولویت تکاملی
بله	بله	بله	نه	نه	نه	نه	بله	محتوای داوطلبانه
بله	بله	بله	بله/خیر	نه	بله	نه	بله/خیر	شروع داوطلبانه
2	1	2	1 / 2	1	1/2	1	2	سیستم شناختی *****
نه	نه	نه	بله	بله	بله	بله	نه	شدت تغییر
بله	بله	نه	نه	بله	بله	بله	نه	مدت زمان دقیق
Hn	Hn	Tt	Tt	Hn	Hn	Hn	Tt	زمان ، مکان (t ، H + N) (t + *****
نه	نه	نه	نه	بله	نه	بله	نه	کیفیت ویژه
بله	نه	نه	نه	بله	نه	نه	نه	موضعی در بدن
بله	بله	بله	بله	نه	نه	بله	بله	عبارات بدن
نه	نه	نه	بله	نه	نه	بله	نه	تناقضات خود
نه	نه	نه	بله	نه	نه	بله/خیر	بله	نیاز به یک خود
بله/خیر	نه	نه	نه	نه	نه	نه	بله	زیان نیاز

از تحقیقات تصمیم‌گیری

عمل کلمه	IA ***	PI **	تمایل	درک	حافظه	احساسات	وضع	
بله/خیر	نه	نه	نه	بله	بله	بله/خیر	نه	اثرات پنهان
روبییدیوم	روبییدیوم	روبییدیوم	A/RB	علی	علی	A/RB	روبییدیوم	انجمنی بر اساس قانون
CD/A	CD/A	علی	CD/A	سی دی	سی دی	CD/A	علی	زمینه وابسته / چکیده
سید	سید	سید	S/P	پرویز	پرویز	S/P	سید	سریال/موازی
علی	علی	علی	H/A	حسین	حسین	H/A	علی	اکتشافی تحلیلی
بله	بله	بله	نه	نه	نه	نه	بله	نیاز به کار حافظه
بله	بله	بله	بله/خیر	نه	نه	نه	بله	اطلاعات عمومی وابسته
بله	بله	بله	بله	نه	نه	بله/خیر	بله	بارگذاری شناختی مهار
ایچ	ایچ	ایچ	ایچ	فاطمه	فاطمه	F/I	ایچ	انگیزگی تسهیل یا مهار

شرایط عمومی رضایت از S2 اغلب توسط سرل و دیگران به عنوان COS ، بازنمایی ، truthmakers یا معانی (یا COS2 توسط خودم) ، در حالی که نتایج خودکار از S1 به عنوان ارائه شده توسط دیگران (و یا COS1 توسط خودم) تعیین می‌شود. تمایلات آکا ، قابلیت ها ، ترجیحات ، نمایندگی ها ، اقدامات ممکن و غیره *

Searle مقاصد قبلی **

قصد سپرل در عمل ***

Searle مسیر متناسب بودن ****

راهنمای علت سارل *****

این خود را به Searle ، (حالت روانی لحظه ای - باعث می‌شود یا خودتان را عملی می‌کند). (پیش از این ***** عنوان مرجع علی‌نامه)

سیستم های شناختی را تعریف Tversky / Kahneman / Frederick / Evans / Stanovich / Stanovich ***** کرد

اینجا و اکنون یا آنجا و سپس *****

اینجا و اکنون یا وجود دارد و سپس

این مورد علاقه به مقایسه این با جداول و نمودار های مختلف در سه جلد اخیر پیتر هکر در طبیعت انسان است. همیشه باید در ذهن خود را کشف ویتگنشتاین است که پس از ما را توصیف استفاده می‌شود ممکن است (معانی ، truthmakers ، شرایط Satisfaction) زبان در یک چارچوب خاص ، ما منافع خود را خسته کرده اند ، و تلاش در توضیح (به عنوان مثال ، فلسفه) تنها ما را دورتر از حقیقت است. او به ما نشان داد که تنها یک مشکل فلسفی وجود دارد — استفاده از جملات (بازی های زبان) در زمینه نامناسب ، و از این رو تنها یک راه حل-نشان دادن متن

توضیح جدول

سیستم 1 (به عنوان مثال ، احساسات ، حافظه ، ادراکات ، رفلکس ها) که بخش هایی از مغز در حال حاضر به آگاهی ، خودکار هستند و به طور کلی در کمتر از 500msec اتفاق می افتد ، در حالی که سیستم 2 توانایی انجام اقدامات مشورتی آهسته است که در شور و آگاه (S2D-اصطلاحات من) نیاز به بیش از 500msec ، اما اغلب تکرار اقدامات S2 نیز می تواند تبدیل خودکار است درجه بندی آگاهی از کما از طریق مراحل خواب به آگاهی کامل وجود دارد. حافظه شامل حافظه کوتاه مدت (حافظه کاری) سیستم 2 و حافظه بلند-مدت سیستم 1. برای volitions یکی معمولا می گویند آنها موفق هستند یا نه ، به جای درست یا نادرست است. S1 است causally خود بازتابی از شرح تجربه ادراکی ما--ارائه حواس ما را به آگاهی ، تنها می تواند در همان کلمات (به عنوان همان COS-سرل) شرح داده شده که ما جهان را توصیف ، که من ترجیح می دهم به تماس percept یا COS1 به آن را متمایز از نمایندگی یا COS2 عمومی از S2.

البته ، ردیف ها و ستون های مختلف منطقی و روانی متصل هستند. به عنوان مثال ، احساسات ، حافظه و ادراک در ردیف True یا False درست خواهد بود ، یک حالت ذهنی را توصیف می کند ، متعلق به سیستم شناختی 1 ، به طور کلی به صورت داوطلبانه آغاز نمی شود ، آیا causally خود بازتابی ، علت سرچشمه در جهان و باعث تغییرات در ذهن ، یک مدت زمان دقیق ، تغییر در شدت ، رخ می دهد در اینجا و در حال حاضر ، معمولا با کیفیت خاص ، آیا زبان لازم نیست ، مستقل از هوش عمومی و حافظه کاری ، با بارگذاری شناختی مهار نمی ، محتوای داوطلبانه ندارد ، و شرایط عمومی از رضایت و غیره را ندارد.

همیشه ابهامات وجود دارد ، زیرا واژه ها (مفاهیم ، بازی های زبان) دقیقا نمی توانند با عملکردهای پیچیده واقعی مغز (رفتار) مطابقت داشته باشند ، یعنی یک انفجار ترکیبی از زمینه ها (در جملات و در جهان وجود دارد) ، و در تغییرات بی نهایت از 'ایالات مغز' (حالات روانی و یا الگوی فعالانه میلیاردها نورون است که می تواند مربوط به ' دیدن یک سیب قرمز') و این یکی از دلایلی که چرا از آن امکان پذیر نیست به 'گاهش' رفتار نظم بالاتر به یک سیستم قوانین 'که می تواند به دولت تمام زمینه های ممکن - از این رو هشدارهای ویتگنشتاین در برابر نظریه. و چه شمارش به عنوان "گاهش" و به عنوان یک "قانون" و "سیستم" (نگاه کنید به عنوان مثال ، نانسی cartwright). این یک مورد خاص از irreducibility از شرح سطح بالاتر به آنهایی که سطح پایین تر است که بسیاری از بار توسط سرل ، DMS ، هکر ، W و دیگران توضیح داده شده است.

حدود یک میلیون سال پیش پستانداران تکامل توانایی استفاده از عضلات گلو خود را به مجموعه ای پیچیده از صداهای (i.e. ، سخنرانی بدوی) برای توصیف رویدادهای حاضر (برداشت ، حافظه ، اقدامات انعکاسی) با برخی از بازی های اولیه و یا بدوی زبان (s ' PLG). سیستم 1 متشکل از سریع ، خودکار ، subcortical ، nonrepresentational ، causally خود بازتابی ، لازم ، اطلاعات کمتر ، درست "حالات ذهنی" با زمان و مکان دقیق ، و در طول زمان در مراکز قشر بالاتر وجود دارد S2 با توانایی بیشتر برای توصیف جابجایی در فضا و زمان حوادث (گذشته و آینده و اغلب فرضی ، تنظیمات مخالف ، مشروط یا داستانی ، تمایلات یا نیت-بازی های زبان ثانویه یا پیچیده (slg) از سیستم 2 که آهسته ، قشر ، آگاهانه ، اطلاعات حاوی ، انتقالی (داشتن شرایط عمومی از رضایت-اصطلاح سرل برای truthmakers و یا به این معنی که من به COS2 و COS1 برای S1 خصوصی و S2 عمومی تقسیم) ، نمایندگی (که من باز هم به R1 برای نمایندگی های S1 و R2 برای S2 تقسیم) ، تفکر درست یا نادرست گزاره ای ، با تمام توابع S2 داشتن هیچ زمان دقیق و توانایی بودن و نه حالات ذهنی. ترجیحات هستند شهودی ، تمایلات ، قوانین هستی شناختی خودکار ، رفتارها ، توانایی ها ، ماژول های شناختی ، صفات شخصیت ، الگوها ، موتورهای استنتاج ، تمایلات ، تمایل ، احساسات (توسط سرل به عنوان خواسته های آشفته توصیف) ، نگرش propositional (درست تنها در صورت استفاده برای اشاره به حوادث در جهان و نه به گزاره) ، ارزیابی ، ظرفیت ، فرضیه. برخی از احساسات به آرای در حال توسعه و تغییر نتایج از نظر W-S2 'اظهارات در فلسفه روانشناسی'

V2 p148) در حالی که دیگران معمولی S1-خودکار و سریع به نظر می رسد و ناپدید شده است. "من اعتقاد دارم"، "او را دوست دارد"، "آنها فکر می کنند" توصیف از اعمال عمومی ممکن است به طور معمول isplaced شده در فضازمان. اظهارات اول شخص مندر مورد خودم درست فقط (به استثنای دروغ)--یعنی S1، در حالی که اظهارات شخص ثالث در مورد دیگران درست یا غلط است--یعنی، S2 (نگاه کنید به بررسی من از جانستون 'ویتگنشتاین: بازاندیشی در درونی' و 'از budd' فلسفه ویتگنشتاین از روانشناسی').

"ترجیحات" به عنوان یک طبقه از کشورهای عمدی--مخالف برداشت ها، اعمال انعکاسی و خاطرات--برای اولین بار به وضوح توسط ویتگنشتاین (W) در سال 1930 شرح داده شد و "تمایلات" و یا "به اصطلاح". آنها معمولاً نامیده شده است "نگرش گزاره ای" از راسل اما آن را اغلب ذکر شده است که این عبارت نادرست و یا گمراه کننده است که بهیچ وجه، قصد، دانستن، به یاد آوردن و غیره، اغلب نه در مورد و نه نگرش، به عنوان مثال نشان داده شده است، توسط W و توسط سرل (به عنوان مثال، آگاهی cf و زیان p118). ترجیحات ذاتی هستند، مشاهده نمایندگی مستقل عمومی (به عنوان مخالف به ارائه و یا نمایندگی از سیستم 1 به سیستم 2--سرل-آگاهی و زیان p53). آنها اعمال بالقوه آواره در زمان و یا فضا، در حالی که تکاملی بیشتر ابتدایی خاطرات S1 و انعکاسی اقدامات همیشه در اینجا و اکنون. این یکی از راه های مشخص کردن سیستم 2--دوم پیشرفت عمده ای در روانشناسی مهره داران پس از سیستم 1--توانایی برای نشان دادن (دولت COS عمومی برای) رویدادها و به آنها فکر می کنم به عنوان در مکان و یا زمان دیگری اتفاق افتاده است (دانشکده سرل سوم از تخیل تفکر مکمل شناخت و اراده). افکار S1 (T1) من-e. i.، استفاده از "فکر کردن" برای اشاره به فرآیندهای خودکار مغز از سیستم یکی) بالقوه یا ناخودآگاه حالات ذهنی S1--سرل--مسائل فیل 1:45-66 (1991).

ادراکات، خاطرات و انعکاسی (خودکار) اقدامات را می توان توسط LG اولیه (s 'plg--به عنوان مثال، من سگ را ببینید) و وجود دارد، در مورد طبیعی، هیچ آزمون ممکن است به طوری که آنها می تواند درست باشد--یعنی، بدیهی است که من ترجیح می دهم و یا رفلکس های حیوانی به عنوان W و DMS توصیف. به عنوان مثال، می توانید از طریق (s 'slg) به عنوان یک LG ثانویه که من را ببینم، و همچنین باید عمل کرد، حتی برای من در مورد خود من (به عنوان مثال، چگونه من می دانم آنچه که من معتقدم، فکر می کنم، احساس تا زمانی که من عمل می کنند و یا برخی از رویداد اتفاق می افتد-بررسی من از کتاب های شناخته شده توجه داشته باشید که در هنگام صحبت و یا نوشته شده است و همچنین در راه های دیگر عمل می کند، و این ایده ها همه به دلیل ویتگنشتاین (اواسط 1930) هستند و رفتارگرایی نیستند (Hintikka & Hintikka ۱۹۸۱، سرل، هکر، Hutto و غیره). ویتگنشتاین می تواند به عنوان بنیانگذار روانشناسی تکاملی و کار او یک تحقیق منحصر به فرد از عملکرد سیستم بدیهی 1 ما روانشناسی و تعامل آن با سیستم 2 در نظر گرفته شود. پس از ویتگنشتاین زمینه برای روانشناسی توصیفی از نظم بالاتر فکر در کتاب های آبی و قهوه ای در اوایل دهه 30 گذاشته شد، آن را توسط جان سرل، که ساخته شده یک نسخه ساده تر از جدول من در اینجا در عقلانیت کتاب های کلاسیک خود را در عمل، تمديد شد (۲۰۰۱). این جدول در بررسی W از ساختار بدیهی روانشناسی تکاملی توسعه یافته از اولین نظرات خود را در ۱۹۱۱ گسترش می یابد و به زیبایی در آخرین کار خود را در "در یقین" (OC) (نوشته شده در 1950-51). OC سنگ شالوده ای از رفتار و یا معرفت شناسی است (مسلماً همان معنایی و کاربردی بودن)، زبان شناسی شناختی یا تفکر مرتبه بالاتر است و به نظر من (به عنوان مثال، توسط DMS) مهمترین کار مهم در فلسفه (روانشناسی توصیفی) و در نتیجه بررسی رفتار. ادراک، حافظه، اقدامات انعکاسی و احساسات بدوی تا حدی Subcortical حالات روانی غیر ارادی، که در آن ذهن به طور خودکار متناسب (ارائه) جهان Causally خود بازتابی--سرل)--غیر قابل انکار، درست تنها، اساس بدیهی از عقلانیت بیش از که هیچ کنترل امکان پذیر است.

ترجیحات، خواسته ها، و نیات توصیف از توانایی های ذهنی آگاهانه ای است که می تواند در SLG توضیح داده شود-که در آن ذهن تلاش می کند تا مناسب (نمایندگی) جهان باشد. رفتارگرایی و تمام ابهامات دیگر از پیش فرض روانشناسی توصیفی ما (فلسفه) بوجود می آیند زیرا ما می توانیم کار S1 را نمی ببینیم و توصیف تمام اقدامات به عنوان اقدامات عمدی آگاهانه از S2 (توهم پدیدارشناسی-TPI-سرل). W این را درک و آن را با وضوح بی نظیر با صدها نمونه از زبان (ذهن) در عمل در سراسر آثار خود را توصیف کرد. دلیل دسترسی به حافظه است و بنابراین ما با

استفاده آگاهانه آشکار اما اغلب دلایل نادرست برای توضیح رفتار (دو یا سیستم یا فرایند تحقیقات فعلی). اعتقادات و دیگر جهات می تواند به عنوان افکار است که سعی کنید برای مطابقت با حقایق جهان توصیف (ذهن به جهت جهان مناسب) ، در حالی که volitions قصد عمل (قبل از نیت-PI ، و یا قصد در عمل - IA-سرل) به علاوه عمل می کند که سعی کنید برای مطابقت با جهان به افکار-جهان به ذهن جهت مناسب-Cf. سرل، به عنوان مثال ، آگاهی و زیان ۱۹۰ ، (p145).

گاهی اوقات شکاف در استدلال برای رسیدن به اعتقاد و دیگر موارد وجود دارد. کلمات منش می تواند به عنوان اسم استفاده شود که به نظر می رسد برای توصیف حالات ذهنی (' فکر من این است... ') ، و یا به عنوان فعل یا صفت برای توصیف توانایی (عوامل به عنوان آنها عمل و یا ممکن است عمل--من فکر می کنم که... ') و اغلب به اشتباه به نام "نگرش propositional". ادراک تبدیل به خاطرات و برنامه های ذاتی ما (ماژول های شناختی ، قالب ها ، موتورهای استنتاج از S1) استفاده از این برای تولید (باور ، دانستن ، درک ، تفکر ، و غیره -واقعی و یا بالقوه اعمال عمومی مانند زبان (فکر ، ذهن) نیز نامیده می شود تمایلات ، ترجیحات ، قابلیت ها ، بازنمایی S2) و اراده، و هیچ زبان (مفهوم ، فکر) از "حالت های روانی خصوصی" برای تفکر یا مایل (به عنوان مثال ، هیچ زبان خصوصی ، فکر یا ذهن) وجود دارد. حیوانات بالاتر می تواند فکر می کنم و عمل خواهد کرد و تا حدی که آنها یک روانشناسی عمومی.

PERceptions: (X درست است): بشنو، دیدن، بو، درد، لمسی، درجه حرارت

EMORIES: به خاطر سپردن (X درست بود)

Pارجاعات، منinclinations، Dispositions: (X ممکن است درست شود):

کلاس 1: PROpositional (درست یا غلط) اعمال عمومی از مؤمن ، قضاوت ، تفکر ، به نمایندگی ، درک ، انتخاب ، تصمیم گیری ، ترجیح می دهند ، ترجمه شفاهی ، دانستن (از جمله مهارت ها و توانایی ها) ، حضور در (یادگیری) ، تجربه ، به معنی ، به خاطر سپردن ، منntending ، با توجه به ، تمایل ، سابقه. ساخت، مایل ، مایل ، امید)

کلاس 2: حالت ویدجت-(به عنوان اگر ، مشروط ، فرضی ، داستانی)--خواب ، تصور ، دروغ گفتن ، پیش بینی ، شک.

کلاس 3: احساسات: دوست ، نفرت ، ترس ، غم و اندوه ، شادی ، حسادت ، افسردگی. عملکرد آنها این است که زیر و بم ترجیحات برای افزایش تناسب اندام فراگیر (مورد انتظار حداکثر سودمند) با تسهیل پردازش اطلاعات از ادراکات و خاطرات برای اقدام سریع. برخی از جدایی بین احساسات S1 مانند خشم و ترس و S2 مانند عشق ، نفرت ، انزجار و خشم وجود دارد. ما می توانیم از آنها فکر می کنم به شدت احساس و یا عمل از خواسته.

خواسته ها: (من می خواهم X به درست باشد — من می خواهم به چانگ e جهان به تناسب افکار من): اشتیاق، امید، انتظار، در انتظار، نیاز، نیاز، موظف به انجام.

نیات: (من ایکس درست) قصد را.

اقدامات: (من ساخت X درست): اقدام ، صحبت کردن ، خواندن ، نوشتن ، محاسبه ، متقاعد کردن ، نشان دادن ، نشان کردن ، قانع کننده ، انجام تلاش ، تلاش ، خندان ، بازی ، خوردن ، نوشیدن ، گریه ، به اثبات (توصیف ، آموزش ، پیش بینی ، گزارش دهی ، امیدوار کننده ، ساخت و یا با استفاده از نقشه ها ، کتاب ها ، نقشه ها ، برنامه های کامپیوتری-این ها عمومی و داوطلبانه هستند و اطلاعات را به دیگران انتقال می دهند ، به طوری که آنها بر روی ناخودآگاه ، غیر ارادی و بی هوش S1 در تبیین رفتار ((توهم پدیدارشناسی (tpi) ، تخته سنگ خالی (BS) و یا مدل).

کلمات بیان اقدامات داشتن توابع مختلف در زندگی ما و نام اشیاء نیست ، و نه از نوع یک رویداد. تعاملات اجتماعی انسان توسط ماژول های شناختی اداره می شود-تقریباً معادل اسکریپت یا schemata روانشناسی اجتماعی (گروه های نورون های سازمان یافته به موتورهای استنتاج) ، که با ادراکات و خاطرات ، منجر به تشکیل ترجیحات که منجر به نیت و سپس به اقدامات. و یا روانشناسی عمدی می تواند انجام شود به تمام این فرآیندها و یا تنها تنظیمات که منجر به اقدامات و در مفهوم گسترده تر موضوع روانشناسی شناختی یا علوم اعصاب شناختی که از جمله فیزیولوژی اعصاب است، نوروشیمی و نوروزنتیک. روانشناسی تکاملی را می توان به عنوان مطالعه تمام توابع قبلی و یا از عملکرد ماژول که تولید رفتار در نظر گرفته ، و سپس در تکامل ، توسعه و اقدام فردی با ترجیحات ، نیت و اقدامات coextensive است. از آنجا که بديهيات (الگوریتم ها و یا ماژول های شناختی) روانشناسی ما در ژن های ما هستند ، ما می توانیم درک ما و افزایش قدرت ما با دادن توضیح روشنی از چگونگی کار آنها و می تواند آنها را گسترش (فرهنگ) از طریق زیست شناسی ، روانشناسی ، فلسفه (روانشناسی توصیفی) ، ریاضی ، منطق ، فیزیک ، و برنامه های کامپیوتری ، بنابراین آنها را سریع تر و کارآمد تر. Hajek (۲۰۰۳) می دهد تجزیه و تحلیل از شرایط به عنوان احتمالات مشروط است که توسط spohn (۱۹۹۹) ، rott algorithmatized و غیره.

(روانشناسی شناختی یا تکاملی) شامل جنبه های مختلفی از رفتار است که innately برنامه ریزی شده به ماژول های شناختی که ایجاد و نیاز به آگاهی ، اراده و خود ، و در بزرگسالان عادی انسان تقریباً همه به جز برداشت و برخی از خاطرات مبتنی بر هدف ، نیاز به اعمال عمومی (به عنوان مثال ، زبان) ، و متعهد ما را به روابط به منظور افزایش تناسب اندام ما (حداکثر سودمند مورد انتظار با این حال ، Bayesianism بسیار سوال برانگیز است با توجه به زیر تعیین شدید-یعنی ، می تواند ' توضیح ' هر چیزی و از این رو هیچ چیز. این اتفاق می افتد از طریق تسلط و نوع دوستی متقابل ، اغلب در نتیجه تمایل دلایل مستقل برای عمل (سرل)-که من به DIRA1 و DIRA2 برای S1 و S2 تقسیم می شود و شرایط رضایت در شرایط رضایت (سرل)-(به عنوان مثال ، مربوط به افکار به جهان از طریق اعمال عمومی (حرکات عضلانی) ، تولید ریاضی ، زبان ، هنر ، موسیقی ، جنسی ، ورزش و اصول اولیه این توسط بزرگترین روانشناس طبیعی لودویگ ویتگنشتاین از سال 1930 به ۱۹۵۱ ، اما با روشن foreshadowings بازگشت به ۱۹۱۱ ، و با اصلاحات توسط بسیاری نمیفهمد ، اما بالاتر از همه توسط جان سرل آغاز در سال 1960. "درخت عمومی از پدیده های روانی. من در تلاش برای این نیست که برای به نظر تمام است. Rpp Vol 1 p895 ، cf Z p464. بسیاری از قصدمندی (به عنوان مثال ، بازی های زبان) اذعان درجه. به عنوان W اشاره کرد، تمایلات گاهی آگاه و مشورتی. تمام قالب های ما (توابع ، مفاهیم ، بازی های زبان) دارای لبه های فازی در برخی از زمینها هستند ، زیرا آنها باید مفید باشند.

حداقل دو نوع تفکر وجود دارد (به عنوان مثال ، دو بازی زبان یا راه هایی برای استفاده از «تفکر»-غیر منطقی بدون آگاهی و منطقی با آگاهی نسبی (W) ، در حال حاضر به عنوان تفکر سریع و آهسته از S1 و S2 توصیف شده است. این برای توجه به این بازی ها به عنوان زبان و نه به عنوان پدیده های صرف (W RPP Vol2 p129) مفید است. پدیده های روانی (تجارب ذهنی و یا داخلی) هستند epiphenomenal العاده ، فاقد معیار ، از این رو فاقد اطلاعات حتی برای خود و در نتیجه می تواند هیچ نقشی در ارتباطات ، تفکر و یا ذهن بازی کند. فکر کردن مثل همه ی شرایط فاقد هیچ آزمونی است ، بلکه یک حالت ذهنی نیست (برخلاف ادراکات S1) ، و هیچ اطلاعاتی به وجود نمی آید تا زمانی که به یک عمل عمومی یا رویدادی مانند گفتار ، نوشتن یا سایر انقباضات عضلانی تبدیل شود. برداشت ها و خاطرات ما می تواند اطلاعات (به معنی-COS ، e. عمومی) تنها زمانی که آنها در اقدامات عمومی آشکار ، تنها پس از آن انجام تفکر ، احساس و غیره هر گونه معنی (عواقب) حتی برای خودمان.

حافظه و ادراک توسط ماژول ها به وسیله ای که تبدیل به روانی موثر زمانی که آنها بر عمل-S1 ، e. i تولید S2 یکپارچه شده است. زبان در حال توسعه به معنی تجلی توانایی ذاتی انسان های پیشرفته به جایگزین کردن کلمات (انقباضات زیبا از عضلات دهان و یا دستی) برای اعمال (انقباض ناخالص عضلات بازو و پا). تام (نظریه ذهن) خیلی بهتر به نام UA-درک از آژانس (مدت من) و UA1 و UA2 برای چنین توابع در S1 و S2--و همچنین می تواند به نام

روانشناسی تکاملی و یا معنایی--تولید ذاتی ژنتیکی برنامه ریزی شده از آگاهی، خود، و فکر که منجر به نیت و سپس به اقدامات توسط انقباض عضلات-e. i. ، درک منش مانند تفکر و دانستن است. به این ترتیب، "نگرش propositional" یک اصطلاح نادرست برای S2D طبیعی و شهودی است (به عنوان مثال، عملکرد صحیح از سیستم 2) و یا S2A خودکار (به عنوان مثال، تبدیل سیستم های اغلب تمرین 2 عملکرد بیان و عمل به عملکرد خودکار سریع). ما می بینیم که تلاش های علم شناختی به درک تفکر، احساسات و غیره با مطالعه فیزیولوژی اعصاب است رفتن به ما چیزی بیشتر در مورد چگونگی ذهن (فکر، زبان) کار می کند (به عنوان مخالف چگونه مغز کار می کند) از ما در حال حاضر می دانیم، چرا که "ذهن" (فکر، زبان) در حال حاضر در مشاهده کامل عمومی (W). هر گونه "پدیده" که پنهان من n فیزیولوژی، بیوشیمی، ژنتیک، مکانیک کوانتومی، و یا تئوری رشته، به عنوان پی ربط به زندگی اجتماعی ما به عنوان این واقعیت است که یک جدول از اتم است که "اطاعت" (می توان با توصیف) قوانین فیزیک و شیمی است به داشتن ناهار بر روی آن. به عنوان W به طوری معروف گفت: "هیچ چیز پنهان است". همه چیز مورد علاقه در مورد ذهن (فکر، زبان) باز است برای مشاهده اگر ما فقط بررسی به دقت عملکرد زبان. زبان (ذهن، گفتار عمومی متصل به اقدامات بالقوه) به منظور تسهیل در تعامل اجتماعی و در نتیجه جمع آوری منابع، بقا و تولید مثل تکامل یافته بود. دستور زبان آن (به عنوان مثال، روانشناسی تکاملی، intentionality) توابع به صورت خودکار و بسیار گیج کننده است زمانی که ما سعی می کنیم به تجزیه و تحلیل آن است. این است که اغلب توسط هکر، DMS و بسیاری دیگر توضیح داده شده است.

W اشاره کرد با نمونه های بی شماری به دقت اعلام کرد، کلمات و جملات با استفاده از چند بسته به زمینه. من اعتقاد دارم و من می خورند که عمیقا نقش های مختلف به عنوان باور من و من اعتقاد داشتند و یا من معتقدم و او معتقد است. زمان حال حاضر اولین فرد استفاده از فعل های شیب مانند "من اعتقاد دارم" به طور معمول توصیف توانایی من برای پیش بینی اعمال احتمالی من بر اساس دانش (به عنوان مثال، S2) اما همچنین می تواند (در زمینه های فلسفی) به عنوان توصیفی از وضعیت روانی من و نه بر اساس دانش یا اطلاعات (W و بررسی من از کتاب توسط Hutto و Myin). در مفهوم سابق S1، این حقیقت را توصیف نمی کند، بلکه خود را در عمل آن می گوید- یعنی، "من معتقدم که باران" خود را درست می کند. به این صورت، افعال مورد استفاده در زمان حال حاضر اول فرد می تواند causally خود بازتابی--آنها خود را نمونه، اما پس از آن آنها نمی آزمایشی (به عنوان مثال، T و یا F، نه S2). با این حال زمان گذشته یا آینده و یا استفاده سوم شخص--"من اعتقاد بر" و یا "او معتقد است" یا "او اعتقاد دارند که شامل می یا می تواند توسط اطلاعاتی که درست یا نادرست است، به عنوان آنها توصیف اعمال عمومی است که یا می تواند قابل اثبات است. به همین ترتیب، "من معتقدم که آن باران" هیچ اطلاعاتی جدا از اقدامات پس از آن، حتی برای من، اما "من معتقدم که آن باران خواهد شد" یا "او فکر می کنم آن باران" به طور بالقوه قابل اثبات اعمال عمومی آواره در فضا زمان که قصد انتقال اطلاعات (یا اطلاعات غلط).

غیر انعکاسی یا غیر منطقی (خودکار) کلمات بدون قصد قبلی سخن گفته (که من اسمش S2D، e. i. S2A خودکار توسط عمل) شده اند به نام کلمات به عنوان اعمال توسط W & سپس توسط Daniele میوال-Sharrock در مقاله خود را در روانشناسی فلسفی در (۲۰۰۰).

بسیاری از اصطلاح تمایلات/گرایش/ترجیحات/تمایلات/ظرفیت/تواناییهای غیر propositional (غیرانعکاسی) نگرش (به مراتب مفید تر به آنها توابع و یا توانایی های تماس بگیری) از سیستم 1 (tversky Kahneman). نیت قبل از آن توسط سرل بیان می شود به کشورهای روانی و از این رو S1، اما دوباره من فکر می کنم یکی باید P11 و P12 جداگانه از آنجا که در زبان طبیعی ما نیت قبلی ما از مذاکرات آگاهانه از S2. ادراک، خاطرات، نوع 2 (به عنوان مثال، برخی از احساسات) و بسیاری از نوع 1 از جمله بهتر رفلکس به نام از S1 و به صورت خودکار، غیر بازتابنده، بدون Propositional و غیر قابل درک عملکرد از لولا (بدیهیات، الگوریتم) از روانشناسی تکاملی ما (میوال-Sharrock پس از ویتگنشتاین).

برخی از شارحان پیشرو از ایده های W که من در نظر خواندن ضروری برای درک درستی از روانشناسی توصیفی از

تفکر نظم بالاتر هستند DMS ، hutto ، coliva ، استرن ، hor ، مویج ، finkelstein و خواندن ، که ، مانند بسیاری از محققان در حال حاضر ، بیشتر از کار خود را (اغلب در فرم preprint) رایگان آنلاین در academia.edu ، philpapers.org ، researchgate.net ، و دیگر سایتها ، و البته سخت کوش می توانید تقریبا همه چیز را رایگان آنلاین از طریق b-ok.org ، libgen.io ، p2p ، torrents و غیره پیدا کنید. & بیکر هکر در بسیاری از آثار مشترک خود و در صفحه شخصی هکر در برداشت . در اواخر بیکر در دریا با یک تعبیر روانی عجیب و غریب و نه یک تفسیر که به خوبی توسط هکر که "تفسیر مرحوم گوردون بیکر از ویتگنشتاین" رد شد ، باید برای هر دانش آموز از رفتار بخوانید.

می توان به دلیل تلاش برای توضیح تفکر سفارش بالاتر از S2 از نظر چارچوب علی S1 ، یک نمایش کارتونی بی نظیر از زندگی را پیدا کرد. که carruthers (ج) ، dennett ، چرچندز (3 از رهبران فعلی علمی ، computationalism یا مادی فلسفی--آخرت CDC--مخفف من برای مراکز (فلسفی) کنترل بیماری) و بسیاری دیگر را دنبال کنید. علمی شده است debunked اغلب با W در BBB در آغاز 30 زمانی که او اشاره کرد که - "فلاسفه به طور مداوم روش علم قبل از چشم خود را ببینید و سوسه به درخواست و پاسخ به سوالات در علم راه می کنند. این گرایش منبع واقعی متافیزیک است و منجر به فیلسوف به تاریکی کامل "و توسط سرل ، خواندن ، Hutto ، هکر و دیگران بی شماری از سال. تلاش برای توضیح ' (واقعا فقط برای توصیف به عنوان عرض ساخته شده روشن) S2 در شرایط علی منسجم و حتی برای S1 آن را بسیار پیچیده است و روشن نیست که بازی های بسیار متنوع زبان از "علیت" تا کنون می تواند ساخته شود به درخواست (به عنوان شده است اشاره کرد چند بار)--حتی کاربرد آنها در فیزیک و شیمی متغیر است و اغلب مبهم (آن را گرانش و یا لایه ریزش یا هورمون و یا باد و یا همه از آنها ساخته شده است که سقوط سیب ، و هنگامی که علل شروع و پایان) ؟ اما به عنوان W گفت: "در حال حاضر اگر آن است که ارتباطات علی که ما با آن نگران نیست، پس از آن فعالیت های ذهن دروغ قبل از ما باز".

با این حال ، من پیشنهاد می کنم آن را یک اشتباه بزرگ برای دیدن W به عنوان گرفتن هر دو طرف ، به عنوان معمولا sta ، به عنوان دیدگاه خود را بسیار ظریف تر ، اغلب از ترک dialogues و مجرمین خود را حل نشده است. یکی ممکن است پیدا کردن آن مفید برای شروع با بررسی من از S ، W ، و غیره ، و سپس مطالعه به عنوان بسیاری از خواندن ، Hor ، Hutto ، مویج ، Coliva ، هکر ، DMS ، Glock ، استرن ، و غیره به عنوان امکان پذیر قبل از حفر به ادبیات علیت و فلسفه علم ، و اگر کسی می یابد آن را uninteresting به انجام آن پس W ضربه علامت.

به رغم تلاش های W و دیگران ، آن را به من به نظر می رسد که اکثر فلاسفه درک کمی از ظرافت از بازی های زبان (به عنوان مثال ، استفاده های به شدت متفاوت از ' من می دانم آنچه منظور من و ' من می دانم چه زمان آن است) ، و یا از ماهیت از جمله ، و بسیاری از (به عنوان مثال ، CDC) هنوز پایه ایده های خود را در ، درون گرایی از گفتار درونی و computationalism ، که W گذاشته به استراحت 4/3 از یک قرن پیش.

قبل از اینکه من هر کتابی را خواندم ، به فهرست و کتابشناسی مراجعه می کنم تا ببینم چه کسی به آنها استناد کند. اغلب نویسندگان قابل توجه ترین دستاورد حذف کامل و یا تقریبا کامل از همه نویسندگان من استناد است. W است که به راحتی به طور گسترده مورد بحث فیلسوف مدرن با حدود یک کتاب جدید و ده ها تن از مقالات تا حد زیادی یا تمامیت به او اختصاص داده هر ماه. او مجله خود را "تحقیقات فلسفی" و من انتظار می رود کتابشناسی خود را بیش از که از بالا بعدی 4 یا 5 فلاسفه ترکیب. سرل شاید در میان moderns (و تنها با بسیاری از سخنرانی ها در یوتیوب، Vimeo ، سایت های دانشگاه و غیره-بیش از ۱۰۰ ، که بر خلاف تقریبا تمام سخنرانی های فلسفه دیگر ، لذت به گوش دادن به) و Hutto ، Coliva ، DMS ، هکر ، خواندن ، غیره ، بسیار برجسته با ده ها تن از کتاب ها و صدها نفر از مقالات، مذاکرات و بررسی. اما CDC و دیگر metaphysicians آنها و هزاران نفر که توجه به کار خود را به عنوان انتقادی مهم را نادیده گرفت.

در نتیجه، قدرتمند W/چارچوب S (و همچنین به عنوان بزرگ که از تحقیقات مدرن در تفکر) کاملاً غایب است و تمام ابهامات آن را پاک کرده است به دور فراوان. اگر شما خواندن بررسی من و آثار خود را، امیدوارم نظر خود را از بیشتر نوشتن در این عرصه ممکن است کاملاً متفاوت از خودمانی. اما به عنوان W اصرار، یکی به کار نمونه از طریق خود. همانطور که اغلب اشاره کرد، و او فوق العاده سقراطی dialogues قصد درمانی داشتند.

استدلال قطعی W در برابر درون گرایی و زبان خصوصی در بررسی های دیگر من اشاره کرد و بسیار خوبی شناخته شده است. در واقع، آنها به عنوان ساده به عنوان پای--ما باید یک آزمون برای افتراق بین a و B و آزمون تنها می تواند خارجی و عمومی است. او معروف این را با "سوسک در جعبه" نشان داد. اگر همه ما یک جعبه است که می تواند باز نمی شود و نه x-rayed و غیره و تماس آنچه در داخل 'سوسک'، سپس 'سوسک' نمی تواند هرگونه نقش در زبان، برای هر جعبه می تواند یک چیز متفاوت باشد و یا حتی خالی باشد. بنابراین، هیچ زبان خصوصی وجود دارد که فقط می توانم بدانم و هیچ درون گرایی "گفتار درونی" وجود ندارد. اگر X است علنا قابل اثبات آن نمی تواند یک کلمه را در زبان ما. این شاخه پایین نظریه عیسی Carruther از ذهن، و همچنین به عنوان همه دیگر 'مفهوم درونی' تئوری که او مراجع. من توضیح داده ام 'S' W برچیدن مفهوم درون گرایی و عملکرد زبان dispositional ('نگرش propositional') بالا و در بررسی من از Budd، جانستون و چندین کتاب سرل است. نگاه کنید به "تحقیقات فلسفویپینگشتاین" (۲۰۰۴) برای توضیح خوبی از زبان خصوصی d همه چیز را با خواندن و همکاران برای رسیدن به ریشه های این مسائل به عنوان چند.

CDC اجتناب استفاده از 'من' از آن فرض وجود یک "بالاتر خود". اما، بسیار عمل نوشتن، خواندن و تمام زبان و مفاهیم (بازی های زبان) presuppose خود، آگاهی و اراده، بنابراین چنین حساب های خود را بدون تناقض از زندگی هستند که هیچ ارزش (و صفر تاثیر در زندگی روزمره هر کسی). W/S و دیگران به مدت طولانی اشاره کرد که نقطه اول شخص از نظر فقط intelligibly شدنی نیست و یا تقلیل به یک فرد 3rd است، اما عدم انسجام هیچ مشکلی برای دیدگاه های کارتنی از زندگی است. به همین ترتیب، با شرح عملکرد مغز و یا رفتار به عنوان 'محاسباتی'، 'پردازش اطلاعات' و غیره--خوب debunked بار بی شماری توسط W/S، hutto، خواندن، هکر و بسیاری دیگر.

نوشتن که تلاش برای ترکیب علم با فلسفه، با معنای بسیاری از اصطلاحات کلیدی متفاوت تقریباً در تصادفی بدون آگاهی، اسکیزوپسید و نا امید کننده است، اما هزاران علم و کتاب فلسفه مثل این وجود دارد. است شرح وجود دارد (توضیح به عنوان W ساخته شده روشن) از رفتار ما و سپس آزمایش های روانشناسی شناختی. بسیاری از این برخورد با رفتار انسان در ترکیب تفکر آگاهانه از S2 با automatisms ناخودآگاه از S1 (روانشناسی جذب به فیزیولوژی). ما اغلب گفته اند که خود، اراده، و آگاهی هستند توهم، از آنجایی که آنها فکر می کنند که ما نشان دادن معنای واقعی از این شرایط، و استفاده از کارتون یکی از معتبر است. به این صورت، S2 غیر واقعی است و باید توسط توصیف های علمی سببی از S1 قرار. از این رو، دلیلی برای تغییر از فلسفه زبان به فلسفه ذهن. به عنوان مثال، بررسی من از اخیر Carruther 'کدورت ذهن' است. حتی سرل یک مجرم مکرر در اینجا به عنوان هکر ذکر شده است، Bennet و هکر، Coliva، DMS، و غیره.

اگر کسی می گوید که من نمی توانم انتخاب کنم چه باید برای ناهار او به سادگی اشتباه است، یا اگر با انتخاب او به معنی چیز دیگری مانند "انتخاب" را می توان به عنوان داشتن "علت" توصیف و یا اینکه آن را روشن نیست که چگونه برای کاهش 'انتخاب' به 'علت'، بنابراین ما باید آن را به عنوان گمراه کننده، پس از آن است که بدیهی true (یا incoherent)، اما نامربوط به چگونه ما استفاده از زبان و چگونه زندگی می کنیم، که باید به عنوان نقطه ای که از آن برای شروع و پایان دادن به بحث و گفتگو در نظر گرفته شود.

شاید یکی ممکن است آن را به عنوان مربوطه که آن را W بود، همراه با کانت و نیچه (عقول بزرگ)، اما نه از آنها انجام بسیار به حل مشکلات فلسفه، که بهترین از همه زمان توسط فلاسفه رای داده بودند--نه کواین،

می توان شباهت در تمام سوالات فلسفی را ببینید (در حس سخت من در اینجا در نظر ، نگه داشتن در نظر ذهن W است که همه چیز را با ظاهر یک سوال است). ما می خواهیم به درک چگونه مغز (یا جهان) آن را ندارد ، اما S2 به آن نیست. این همه (یا بیشتر) در ماشین های ناخودآگاه از S1 از طریق DNA است. ما نمی دانیم ، اما DNA ما می کند ، حسن نیت ارائه میدهد از مرگ تریلیون های بی شماری از موجودات زنده بیش از چند سال ۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰. ما می توانیم جهان را به راحتی توصیف کنیم ، اما اغلب نمی توانیم بر روی آنچه که توضیح می دهند ، موافق باشند. بنابراین ، ما با علم مبارزه می کنیم و همیشه به آرای مکانیسم های ذهن را توصیف می کنیم. حتی اگر ما باید به arrد "کامل" دانش از مغز ، ما هنوز هم فقط یک توصیف از چه الگوی عصبی s مربوط به دیدن قرمز ، اما روشن نیست آنچه در آن معنی (COS) به "توضیح" چرا آن قرمز (به عنوان مثال ، چرا qualia وجود دارد). همانطور که W گفت ، توضیحات به پایان جایی می آیند.

برای کسانی که در بلا درک ، بخش های فلسفی از "کدورت ذهن" Carruther (یک کار اخیر از مدرسه CDC) عمدتاً از ابهامات استاندارد است که ناشی از نادیده گرفتن کار s ، W و صدها نفر دیگر تشکیل شده است. می توان آن را علمی و یا تقلیل نام و انکار می کند "واقعیت" ما سفارش بالاتر فکر ، خواهد شد ، خود و آگاهی ، به جز این که با توجه به استفاده کاملاً متفاوت و کاملاً ناسازگار در علم است. ما به عنوان مثال ، هیچ دلیلی برای عمل ، تنها یک مغز است که باعث عمل و غیره. آنها ایجاد مشکلات خیالی با تلاش برای پاسخ به سوالات است که هیچ حس روشن. این باید به ما که این دیدگاه مطلقاً هیچ تأثیری بر زندگی روزمره کسانی که صرف بسیاری از زندگی بزرگسالی خود را ترویج آنها را به اعتصاب.

این وضعیت به سادگی توسط روپرت خواننده شده در مقاله خود را خلاصه ' مشکل سخت از آگاهی ' -- "مشکل هاردکور می شود بیشتر و بیشتر از راه دور ، ما بیشتر از جنبه های انسانی از ذهن ، مانند اطلاعات و ادراک و intentionality. مشکل این است که تنها واقعا مواجه خواهد شد اگر ما با آن روبرو هستیم به عنوان یک مشکل ' است که با انسان کل ، مندرج در چهار چوب (به طور جدایی ناپذیری طبیعی و اجتماعی) در یک زمان معین ، و غیره... سپس آن را می توانید تبدیل به یک perspicuous است که هیچ مشکلی وجود دارد. تنها زمانی که یکی شروع می شود ، گفتن ، به ' نظریه ' اطلاعات در سراسر حوزه های انسانی و غیر انسانی (ظاهراً با استفاده از غیر انسان-حیوانات {معمولاً به عنوان مکانیکی فکر) و یا ماشین به عنوان یک پارادایم ، و در نتیجه گرفتن همه چیز به جلو) ، آن شروع به نگاه به عنوان اگر یک مشکل وجود دارد... که همه ی "isms" (شناخت گرایی ، تقلیل گرایی (به مغز) ، رفتارگرایی و... فشار بیشتر و بیشتر از دسترس ما... مفهوم بسیار از مشکل این است که همان چیزی است که تضمین می کند که مشکل سخت غیر قابل حل باقی مانده است... هیچ دلیل خوبی تا به حال برای ما داده شده به فکر می کنم که باید وجود داشته باشد یک علم از چیزی که اگر آن را به عنوان واقعی در نظر گرفته شود. هیچ دلیل خوبی وجود دارد به فکر می کنم که باید وجود داشته باشد علم آگاهی ، و یا از ذهن و یا جامعه ، بیش از نیاز وجود دارد یک علم از اعداد ، و یا از جهان و یا از شهرستانها و یا از بازی های صور فلکی و یا از اشیاء که نام با حرف ' ب شروع... ما باید با این ایده از خودمان شروع کنیم ، همانطور که افراد در جهان عمل می کنند ، نه با ایده خودمان به عنوان مغز با ذهن "واقع در آنها" یا "متصل شده" به آنها... هیچ راهی وجود دارد که علم می تواند به ما در راه انداز "خارجی" / "هدف" از آنچه آگاهی واقعا است و هنگامی که آن را واقعا وجود دارد کمک کند. برای آن نمی تواند به ما کمک کند زمانی که یک درگیری از معیارهای وجود دارد ، هنگامی که ماشین های ما را به درگیری با خودمان می آیند ، به درگیری با ما. برای ماشین های ما تنها با گزارش های ما در وهله اول کالیبره شده است. می تواند وجود داشته باشد هیچ چیز مانند گرفتن نقطه نظر خارجی... این به این دلیل نیست... مشکل سخت غیر قابل حل است ، ... بلکه ، ما نیاز به اعتراف نیست که یک مشکل حتی تعریف شده است... تضمین... زنده نگه داشتن به طور نامحدود از مشکل. این ارائه می دهد رضایت روانی فوق العاده ای از هر دو فروتن (با این حال ممتاز) ' علمی ' بیانیه ای از محدودیت به درک و دانش از بخش b eing از نخبگان ممتاز ، که در بیان آن محدودیت ، می توانید فراتر از آنها را ببینید. با شکست مواجه شد تا ببینید که چه ویتگنشتاین در مقدمه به Tractatus روشن شده است. حد می تواند... فقط در زبان کشیده شده و

آنچه نهفته است در طرف دیگر از حد خواهد بود به سادگی مزخرف.

بسیاری از نظرات W به ذهن می آیند. او اشاره کرد 88 سال پیش که 'اسرار' ارضای اشتیاق برای متعالی، و چون ما فکر می کنیم که ما میتوانیم "محدودیت های درک بشر" را ببینیم، ما فکر می کنیم که ما نیز میتوانیم فراتر از آنها ببینیم، و ما باید بر این واقعیت که ما محدودیت های زبان (ذهن) در این واقعیت است که ما نمی توانیم حقایق که مربوط به یک جمله به جز تکرار جمله را توصیف (نگاه کنید به p10 و غیره در فرهنگ و ارزش خود را، نوشته ۱۹۳۱ من همچنین پیدا کردن آن مفید به تکرار اغلب اظهار نظر خود را که "خرافات چیزی جز اعتقاد به travian.ir: علی"--نوشته شده است یک قرن پیش در ۵/۱۳۶۱.TLP.

همچنین، در مورد منشا مشکلات فلسفی در مورد فرایندهای ذهنی (و تمام مشکلات فلسفی) نیز، از نظر مشهور خود (PI p308) است. "چگونه مشکل فلسفی در مورد فرایندهای ذهنی و ایالات و در مورد رفتارگرایی بوجود می آیند؟ گام اول این است که به طور کامل فرار متوجه است. ما از فرایندها و ایالات صحبت میکنیم و طبیعت خود را مردد خواهیم گذاشت. بعضی وقتها شاید ما بیشتر در مورد آنها بدانیم--ما فکر می کنیم. اما این تنها چیزی است که ما را به یک روش خاص برای نگاه کردن به موضوع متعهد می کند. برای ما یک مفهوم قطعی از آنچه در آن به معنی یادگیری به دانستن یک فرآیند بهتر است. (جنبش تعیین کننده در ترفند دورنمای ساخته شده است، و آن را بسیار که ما فکر کاملاً بی گناه بود).--و در حال حاضر قیاس است که ما را به درک افکار ما می افتد به قطعات. بنابراین ما باید به انکار روند هنوز *uncomprehended* در رسانه هنوز ناشناخته است. و در حال حاضر به نظر می رسد که اگر ما فرایندهای ذهنی را تکذیب کرده بود. و طبیعتاً ما نمی خواهیم آنها را انکار کنیم.»

یکی دیگر از نظر ظاهری بی اهمیت توسط (PI p271) W از ما خواست تا تصور کنیم کسی که کلمه "درد" را فراموش کرده است، اما به درستی آن را استفاده کرد-یعنی، او آن را به عنوان ما استفاده می شود! همچنین مربوط است نظر (TLP ۶/۵۲) W که زمانی که تمام سوالات علمی پاسخ داده شده است، هیچ چیز به سوال باقی مانده است، و این خود پاسخ است. و مرکزی به درک علمی (به عنوان مثال، با توجه به علمی، نه علم) شکست CDC و همکاران مشاهدات خود را که آن را یک اشتباه بسیار معمول است فکر می کنم که چیزی باید ما انجام آنچه که ما انجام دهید، که منجر به سردرگمی بین علت و دلیل است. "و اشتباه است که ما در اینجا و در یک هزار مورد مشابه هستند تمایل به ایجاد برچسب شده توسط کلمه" را به "را به عنوان ما آن را در جمله استفاده می شود" این هیچ عمل از بینش است که باعث می شود ما با استفاده از قانون به عنوان ما"، چرا که یک ایده وجود دارد که "چیزی باید ما را "انجام آنچه ما انجام دهد. و این دوباره بر روی سردرگمی بین علت و دلیل می پیوندد. ما نیاز به هیچ دلیلی برای پیروی از قانون به عنوان ما. زنجیره ای از دلایل پایان است. " BBB p143

او همچنین اظهار داشت که زنجیره ای از علل پایان است و هیچ دلیلی وجود ندارد در مورد عمومی برای آن معنی دار برای تعیین علت وجود دارد. W را دیدم در دهه خود مبارزه طولانی ضرورت روشن کردن دستور زبان خود را با کار کردن 'نمونه های *perspicuous* و بهبودی برای بسیاری از پاسخ گفت. از این رو نظرات معروف خود را در مورد فلسفه به عنوان درمان و "کار بر خود".

یکی دیگر از چیزهای قابل توجه در مورد بسیاری از کتاب های فلسفه (و فلسفه مبدل در سراسر علوم رفتاری، فیزیک و ریاضی) این است که اغلب وجود ندارد اشاره ای است که نقاط دیگر مشاهده وجود دارد--که بسیاری از فلاسفه برجسته ترین توجه به دیدگاه علمی به عنوان غیر منسجم. نیز وجود دارد $\&$ واقعیت (به ندرت ذکر شده) که، ارائه البته ما بی خود را نادیده بگیرد، کاهش در سطح فیزیولوژی *neurophysiology* نیست، اما به راحتی می تواند تمدید شود (و اغلب شده است) به سطح شیمی، فیزیک، مکانیک کوانتومی، 'ریاضیات' و یا فقط 'ایده'. دقیقاً چه باید فیزیولوژی اعصاب ممتاز را؟ یونانیان باستان تولید این ایده که هیچ چیز وجود دارد اما ایده ها و *Leibniz* معروف جهان به عنوان یک ماشین غول پیکر توصیف کرد. اخیراً استفان ولفرام یک افسانه در تاریخ شبه علم برای توصیف خود را از جهان به عنوان یک اتوماتای کامپیوتر در نوع جدیدی از علم شد. ماده گرایی، سازوکار، آرمان گرایی، تقلیل

گرایی، رفتارگرایی و دولیبرالیسم در بسیاری از guises آنها به سختی اخبار و، به یک Wittgensteinian، اسب کاملاً مرده از W دیکته کتاب آبی و قهوه ای در 30، و یا حداقل از انتشار پس از آن و تفسیر گسترده در خزن خود. اما متقاعد کردن کسی یک کار نا امید کننده است. W متوجه شدم که باید بر روی خود کار کند--خود درمانی از طریق طولانی سخت کار از طریق "نمونه های perspicuous" زبان (ذهن) در عمل است.

(Unknowing) بیان چگونه قواعد بدیهی روانشناسی، و چگونه از آن آسان است برای تغییر استفاده از کلمه بدون دانستن آن، توسط فیزیکدان سر جیمز سلوار جین مدتها پیش داده شد: "جهان شروع به نگاه بیشتر شبیه به یک فکر بزرگ از جمله یک ماشین بزرگ است." اما 'فکر'، 'ماشین'، 'زمان'، 'فضا'، 'علت'، 'رویداد'، 'اتفاق'، 'رخ می دهد'، 'ادامه'، و غیره انجام همان معانی (استفاده) در علم و یا فلسفه به عنوان در زندگی روزمره، و یا به جای آنها با استفاده از قدیمی مخلوط در تصادفی با بسیاری از امکانات جدید بنابراین ظاهر حس بدون احساس وجود دارد. بسیاری از بحث علمی رفتار، زندگی و جهان کمدی بالا است (به عنوان کمدی کم از اکثر سیاست های مخالف، دین و رسانه های جمعی): .i.e. "کمدی برخورد با جامعه مودب، مشخص شده توسط پیچیده، گفت و گو شوخ و پیچیده plot"-(دیکشنری. com). اما فلسفه اتلاف وقت نیست-به درستی انجام می شود، این بهترین راه برای گذراندن وقت است. چگونه دیگر می تواند ما را برطرف هرج و مرج در علوم رفتاری و یا توصیف زندگی ذهنی و نظم بالاتر فکر سیستم 2--ترین پیچیده، شکفت انگیز و مرموز چیزی وجود دارد؟

با توجه به این چارچوب باید آن را آسان به درک OC، به دنبال مثال های W توصیف چگونه روانشناسی ذاتی ما با استفاده از تست واقعیت سیستم 2 برای ساخت در یقین از سیستم 1، به طوری که ما به عنوان افراد و به عنوان جوامع به دست آوردن یک دیدگاه جهانی از تجربیات انکار ناپذیر است که در سنگ بستر از ما بدیهی ژنتیکی برنامه ریزی شده بازتابی از ادراک و عمل به عمارت شکفت انگیز نظریه تکامل و نظریه نسبت مدتها پیش از چیزی است که می تواند به چالش کشیده به یقین است که تنها می تواند اصلاح شود، و در انتهای دیگر طیف، هیچ امکان پیدا کردن وجود دارد که هیچ چیز مانند پاریس یا Brontosaurus وجود دارد. دیدگاه شک و تردید غیر منسجم است. ما می توانیم هر چیزی می گویند، اما ما نمی توانیم هر چیزی به معنای.

بنابراین، با DMS، من در نظر گرفتن OC به عنوان شرح سنگ پایه ای از درک انسان و اساسی ترین سند در روانشناسی ما است. اگر چه نوشته شده است که در او 60، ذهنی و جسمی توسط سرطان ویران، آن را به عنوان درخشان به عنوان کار دیگر او و تبدیل درک ما از فلسفه (روانشناسی توصیفی از تفکر نظم بالاتر)، آوردن آن را در گذشته به نور، پس از ۳۰۰ سال در غار. متافیزیک شده است دور از فلسفه و از فیزیک جاروب.

"چه نوع پیشرفت این است — رمز و راز جذاب حذف شده است--با این حال هیچ عمق در تسلی شده است؛ هیچ چیز توضیح داده شده است و یا کشف و یا reconceived. چگونه اهلی و بی تکلف ممکن است فکر کنند. اما شاید، به عنوان ویتگنشتاین نشان می دهد، فضائل از وضوح، demystification و حقیقت باید به اندازه کافی رضایت بخش "Hor-مویج 'Metaphilosophy ویتگنشتاین'."

اجازه بدهید نشان می دهد که با چشم انداز من را تشویق کرده اند در اینجا، W است در مرکز فلسفه معاصر و روانشناسی و مبهم نیست، دشوار و یا بی ربط، اما درخشان، عمیق و شفاف و روشن است که به او دست است به دست یکی از بزرگترین ماجراهای فکری ممکن.

کار های اخیر بسیار عالی است که نمایش بسیاری از ابهامات فلسفی در کتاب putatively در مورد علم و ریاضیات Yanofsky است 'محدودیت های بیرونی دلیل: چه علم، ریاضیات و منطق نمی تواند به ما بگوید' (۲۰۱۳) (نگاه کنید به بررسی من).

W اشاره کرد که هنگامی که ما رسیدن به پایان تفسیر علمی، مشکل می شود یک فلسفی-i.e.، یکی از چگونه زبان

intelligibly مورد استفاده قرار گیرد. Yanofsky، مانند تقریباً تمام دانشمندان و بسیاری از فلاسفه، نمی‌کند که دو نوع متمایز از "سوالات" و یا "اظهارات" (به عنوان مثال، بازی‌های زبان و یا ال جی) در اینجا وجود دارد. کسانی هستند که مسائل مربوط به واقعیت در مورد چگونگی جهان است که وجود دارد، آنها به طور عمومی قابل مشاهده گزاره‌ای (درست یا غلط) دولت داشتن معانی روشن (شرایط رضایت--COS در اصطلاحات سرل)--یعنی، اظهارات علمی، و سپس کسانی هستند که مسائل در مورد چگونگی زبان می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد برای توصیف این کشورها وجود دارد، و این را می‌توان با هر فرد عاقل، هوشمند، با سواد کم و یا بدون توسل به حقایق علم پاسخ داده شده است. یکی دیگر از واقعیت ضعیف اما بحرانی این است که، اگر چه فکر کردن، به نمایندگی، از دست می‌دهند، از جمله، درک، intuiting و غیره (به عنوان مثال، روانشناسی dispositional) از یک بیانیه درست یا غلط است تابع شناخت سفارش بالاتر از ما آهسته، آگاهانه سیستم 2 (S2)، تصمیم‌گیری که آیا "ذرات" هستند گرفتار، ستاره را نشان می‌دهد قضیه ثابت شده است (به عنوان مثال، بخشی که شامل دیدن که نمادها به درستی در هر خط از اثبات استفاده می‌شود)، همیشه توسط سیستم سریع، اتوماتیک، ناخودآگاه 1 (S1) از طریق دیدن ساخته شده، شنوایی، لمس کردن و غیره که در آن هیچ پردازش اطلاعات، هیچ نمایندگی (به عنوان مثال، هیچ COS) و هیچ تصمیم‌گیری در این معنا که در آن این اتفاق می‌افتد در S2 (که دریافت ورودی خود را از S1) وجود دارد. این دو سیستم رویکرد در حال حاضر راه استاندارد برای مشاهده استدلال و یا عقلانیت و اکتشافی بسیار مهم در توصیف رفتار است، که علم، ریاضی و فلسفه موارد خاص. یک ادبیات بزرگ و به سرعت در حال رشد در استدلال است که به مطالعه رفتار یا علم ضروری است وجود دارد. یک کتاب اخیر که به جزئیات چگونگی ما در واقع دلیل (به عنوان مثال، استفاده از زبان برای انجام اقدامات-نگاه کنید به DMS، W، هکر، S و غیره) است 'استدلال انسان و علوم شناختی' توسط Stenning و ون (۲۰۰۸) Lambalgen، که، به رغم محدودیت‌های آن (به عنوان مثال، درک محدود از W/S و ساختار گسترده‌ای از روانشناسی عمدی)، (از ۲۰۱۹) بهترین منبع تنها من می‌دانم.

W نوشت: یک معامله بزرگ در فلسفه ریاضیات از آن به وضوح نشان داده بسیاری از انواع ابهامات تولید شده توسط 'علمی' بازی‌های زبان، و وجود داشته‌اند تفسیر بی‌شماری، بسیاری از کاملاً فقیر. من در برخی از بهترین کارهای اخیر نظر آن را به عنوان توسط Yanofsky به ارمغان آورد.

فرانسویسکو برتو ساخته شده است برخی از نظرات نافذ به تازگی. او اشاره می‌کند که W انسجام metamathematics-یعنی، استفاده توسط Godel از یک نظریه metatheorem اثبات قضیه خود، به احتمال زیاد حسابداری خود را برای تفسیر "بدنام" از قضیه Godel به عنوان یک پارادوکس، و اگر استدلال خود را بپذیریم، من فکر می‌کنم ما مجبور به انکار وضوح از metatheorem، metalanguages، و متا هر چیز دیگری. چگونه می‌توان آن را که مفاهیم مانند (کلمات، بازی‌های زبان) به عنوان metamathematics و incompleteness، پذیرفته شده توسط میلیون‌ها نفر (و حتی توسط کمتر از Penrose، هاوکینگ، Dyson و همکاران به فاش کردن حقایق اساسی در مورد ذهن ما و یا جهان ادعا کرد) فقط سوء تفاهم ساده در مورد چگونگی کار زبان؟ آیا اثبات در این پودینگ است که، مانند بسیاری از "مفاهیم فلسفی" (به عنوان مثال، ذهن و به عنوان توهم-Dennett، Carruthers، چرچندز و غیره)، آنها هیچ تأثیر عملی آنچه؟

برتو آن را به سادگی: "در این چارچوب، این امکان وجود دارد که همان جمله... معلوم می‌شود، اما بدون decidable، در یک سیستم رسمی... و به نحو واقعی (تحت فرضیه قوام فوق‌الذکر) در سیستم‌های مختلف (متا سیستم). اگر، به عنوان ویتگنشتاین حفظ شود، اثبات معنای بسیار از جمله ثابت را ایجاد می‌کند، پس از آن برای همان جمله امکان پذیر نیست (یعنی برای یک جمله با همان معنی) که در یک سیستم رسمی قابل تشخیص باشد، اما در یک سیستم دیگر (متا سیستم) تصمیم گرفت... ویتگنشتاین تا به حال به رد هر دو این ایده که یک سیستم رسمی می‌تواند syntactically ناقص، و نتیجه افلاطونی که هیچ سیستم رسمی اثبات تنها حقایق محاسباتی می‌تواند تمام حقایق محاسباتی ثابت کند. اگر اثبات معنای جملات محاسباتی را ایجاد کند، سیستم‌های ناقص وجود ندارد، فقط به عنوان معانی ناقص وجود ندارد. و علاوه بر این، "arithmetics متناقض، یعنی arithmetics غیر کلاسیک بر اساس منطق پاراتویک، امروزه واقعی هستند. چه مهم تر است، ویژگی‌های نظری چنین نظریه مطابقت دقیقاً با

برخی از Wittgensteinian های فوق ... تناقض آنها اجازه می دهد تا آنها را نیز از قضیه Godel فرار کنند ، و از نتیجه undecidability کلیسا: آنها ، که شده است ، به خوبی کامل و decidable. به همین دلیل ، درخواست های دقیق آن را انجام می دهند ، با توجه به اینکه مشکلات ریاضی وجود ندارد که بتواند در سیستم به طور معنی داری فرموله شود ، اما قوانین سیستم نمی توانند تصمیم بگیرند. از این رو ، decidability های پاراتوسسانی آریایی که به نظر ویتگنشتاین throughout حرفه فلسفی خود را حفظ کرده است. "

W همچنین نشان داد خطای مهلک در مورد ریاضیات و یا زیان و یا رفتار ما به طور کلی به عنوان یک سیستم منطقی منسجم ' ، ' به جای به عنوان یک رنگارنگ از قطعات مونتاژ شده توسط فرآیندهای تصادفی از انتخاب طبیعی است. "Godel ما را نشان می دهد وضوح در مفهوم ' ریاضیات ' ، که توسط این واقعیت است که ریاضیات گرفته شده است به یک سیستم نشان داد" و ما می توانیم گفت (کنترا تقریبا همه) است که همه Godel و گرگوری Chaitin نشان می دهد. W نظر بسیاری از بار که "حقیقت" در ریاضی به معنای بديهيات و یا قضایای حاصل از بديهيات ، و "false" بدان معنی است که یک اشتباه در استفاده از تعاریف ساخته شده است ، و این کاملا متفاوت from مسائل تجربی که در آن یک آزمون اعمال می شود. W اغلب اشاره کرد که به عنوان ریاضیات به معنای معمول قابل قبول است ، باید آن را در اثبات دیگر مورد استفاده قرار گیرد و باید برنامه های دنیای واقعی را داشته باشد ، اما نه مورد با تمامیت Godel. از آنجا که نمی توان آن را در یک سیستم سازگار ثابت کرد (در اینجا حساب Peano اما یک عرصه بسیار گسترده تر برای Chaitin) ، آن را نمی توان در اثبات استفاده می شود و بر خلاف تمام ' بقیه ' از PA آن را نمی توان در دنیای واقعی استفاده می شود. یا. به عنوان یادداشت ویکتور rodych " ... ویتگنشتاین دارای یک حساب رسمی است که فقط یک حساب ریاضی (یعنی یک زبان ریاضی-بازی) است ، اگر آن را دارای یک برنامه فوق سیستمیک در یک سیستم از گزاره های مشروط (به عنوان مثال ، در شمارش عادی و اندازه گیری و یا در فیزیک) ... راه دیگر برای گفتن این است که یکی نیاز به یک حکم به درخواست استفاده عادی ما از کلمات مانند ' اثبات ' ، ' گزاره ' ، ' درست ' ، ' ناقص ' ، ' شماره ' ، و ' ریاضیات ' به نتیجه در در هم پیچیدن از بازی های ایجاد شده با ' اعداد ' و ' به علاوه ' و ' منهای ' علائم و غیره ، و با ' کامل ' این حکم وجود ندارد. Rodych مبالغ آن را به بالا ستودنی. "در حساب ویتگنشتاین ، هیچ چیز مانند حساب کاربری ریاضی ناقص وجود ندارد ، زیرا" در ریاضیات ، همه چیز الگوریتم است [و نحو] و هیچ چیز معنی نیست [معناشناسی] ..."

W است بسیار شبیه به قطری کانتور و نظریه مجموعه. "در نظر گرفتن روش مورب shews شما که مفهوم شماره واقعی ' تا به قیاس بسیار کمتر با مفهوم ' شماره کاردینال ' از ما ، توسط تمثیل خاص گمراه ، تمایل به باور" و بسیاری از نظرات دیگر (دیدن Rodych و فلویید).

یکی از حذفیات عمده از همه کتاب ها ، کار شگفت انگیز از فیزیکدان دانشمند و تصمیم نظریه پرداز دیوید wolpert ، که ثابت کرد برخی از عدم امکان خیره کننده و یا کامل قضایای (۱۹۹۲ تا ۲۰۰۸ --arxiv.org) در حدود به استنتاج (محاسبات) که به طور کلی آنها مستقل از دستگاه انجام محاسبات ، و حتی مستقل از قوانین فیزیک ، به طوری که آنها در سراسر کامپیوتر اعمال ، فیزیک ، و رفتار انسان، که او خلاصه thusly: "یکی نمی تواند یک کامپیوتر فیزیکی است که می تواند از درستی پردازش اطلاعات سریع تر از جهان مطمئن شوید. نتایج همچنین به این معنی است که وجود ندارد نمی تواند وجود داشته باشد ، دستگاه مشاهده عمومی ، هدف ، و این که نمی تواند وجود داشته باشد مصنوع ، دستگاه کنترل عمومی هدف. این نتایج بر روی سیستم هایی که بی نهایت ، و/یا غیر کلاسیک ، و/یا پیروی از پویایی آشفته تکیه نمی کنند. آنها همچنین نگه دارید حتی اگر یکی با استفاده از یک کامپیوتر بی نهایت سریع ، بی نهایت مترام ، با قدرت محاسباتی بیشتر از یک ماشین تورینگ است. او همچنین به چاپ آنچه به نظر می رسد اولین کار جدی در تیم و یا هوش جمعی (سکه) که او می گوید این موضوع را در یک جای پای علمی صدا این نهاد است. اگر چه او نسخه های مختلف از این بیش از دو دهه در برخی از معتبر ترین همکار مجله فیزیک بررسی منتشر شده (به عنوان مثال ، (2008) ۲۳۷:257-81 physica D) و همچنین در مجلات ناسا ، و دریافت اخبار در مجلات علوم عمده ، چند به نظر می رسد متوجه شده اند و من در ده ها تن از کتاب های اخیر در فیزیک ، ریاضی ، نظریه تصمیم و محاسبات را بدون پیدا کردن یک مرجع نگاه کرد.

این مایه تاسف است که Yanofsky و دیگران هیچ آگاهی از Wolpert، از آنجا که کار خود را گسترش نهبای محاسبات، تفکر، استنباط، بی پایی، و undecidability، که او دستیابی (مانند بسیاری از اثبات در نظریه ماشین تورینگ) با گسترش پارادوکس دروغگو و کانتور قطری به شامل همه جهان ممکن است و تمام موجودات و یا مکانیزم و در نتیجه ممکن است به عنوان آخرین کلمه نه تنها در محاسبات دیده می شود، اما در کیهان شناسی و یا حتی خدایان. او این کلیت شدید را با پارتیشن بندی جهان حلقه ای با استفاده از worldlines (به عنوان مثال، از نظر آنچه که انجام می دهد و نه اینکه چگونه آن را انجام می دهد)، به طوری که اثبات ریاضی او مستقل از هر گونه قوانین فیزیکی خاص و یا ساختارهای محاسباتی در ایجاد محدودیت های فیزیکی استنباط برای گذشته، حال و آینده و تمام محاسبات، مشاهده و کنترل ممکن است. او اشاره می کند که حتی در یک جهان کلاسیک لاپلاس اشتباه بود در مورد قادر بودن به طور کامل پیش بینی آینده (و یا حتی کاملاً به تصویر کشیدن گذشته و یا حال) و که نتایج عدم امکان خود را می توان به عنوان یک "غیر کوانتومی اصل عدم قطعیت مکانیکی" (به عنوان مثال، وجود دارد نمی تواند مشاهده مصون یا کنترل دستگاه). هر دستگاه فیزیکی جهانی باید بی نهایت، آن را تنها می تواند تا در یک لحظه در زمان، و هیچ واقعیت می تواند بیش از یک ("قضیه توحید") داشته باشد. از آنجا که فضا و زمان در تعریف ظاهر نمی شود، دستگاه حتی می تواند کل جهان در تمام دوران باشد. می توان آن را به عنوان آنالوگ فیزیکی از بی کامل با دو دستگاه استنتاج به جای یک دستگاه خود ارجاعی مشاهده. همانطور که او می گوید، "یا هامیلتونی از جهان ما proscribes نوع خاصی از محاسبات، و یا پیچیدگی پیش بینی منحصر به فرد است (بر خلاف پیچیدگی اطلاعات الگوریتمی) در آن است که یک و تنها یک نسخه از آن است که می تواند در سراسر جهان ما قابل اجرا وجود دارد."

یکی دیگر از راه های گفتن این است که می تواند دو دستگاه استنتاج فیزیکی (کامپیوتر) هر دو قادر به سوال های خودسرانه در مورد خروجی از دیگر خواسته، یا این که جهان نمی تواند شامل یک کامپیوتر که می تواند هر کار محاسباتی دلخواه در برخواهد داشت، یا که برای هر جفت از موتورهای استنتاج فیزیکی، همیشه وجود دارد دودویی سوالات ارزش در مورد دولت از جهان است که حتی نمی تواند به حداقل یکی از آنها مطرح شده است. یکی نمی تواند یک کامپیوتر است که می تواند یک وضعیت خودسرانه آینده از یک سیستم فیزیکی پیش بینی قبل از آن رخ دهد ساخت، حتی اگر وضعیت از مجموعه ای محدود از وظایف است که می تواند به آن مطرح شده است--که است، آن را نمی تواند پردازش اطلاعات (هر چند این عبارت ازار به عنوان S و خواندن و دیگران توجه داشته باشید) سریع تر از جهان است. کامپیوتر و سیستم فیزیکی خودسرانه آن است که محاسبات لازم نیست به صورت فیزیکی همراه و آن را ننگ می دارد بدون در نظر گرفتن قوانین فیزیک، هرج و مرج، مکانیک کوانتومی، علیت یا مخروط نور و حتی برای یک سرعت بی نهایت از نور. دستگاه استنتاج ندارد، اما می تواند غیر محلی به صورت محلی و فرآیندهای پویا در سراسر جهان رخ دهد. او به خوبی آگاه است که این قرار می دهد گمانه زنی از ولفرام، Landauer، Fredkin، لوید و غیره، در مورد Ω جهان به عنوان کامپیوتر و یا محدودیت های "پردازش اطلاعات"، در یک نور جدید (هر چند شاخص از نوشته های خود را هیچ اشاره ای به او و یکی دیگر از حذف قابل توجه است که هیچ یک از موارد فوق توسط yanofsky یا

Wolpert می گوید نشان می دهد که جهان نمی تواند حاوی یک دستگاه استنتاج است که می تواند اطلاعات را به همان سرعتی که می تواند پردازش، و از آنجایی که او نشان می دهد شما می توانید یک حافظه کامل و نه کنترل کامل ندارد. گذشته خود را، حال و یا آینده دولت هرگز نمی تواند کاملاً یا به طور کامل به تصویر کشیده، مشخص، شناخته شده و یا کپی. او همچنین ثابت کرد که هیچ ترکیبی از رایانه های دارای کدهای خطا تصحیح می تواند بر این محدودیت ها غلبه کند. Wolpert همچنین یادداشت اهمیت حیاتی ناظر ("دروغگو") و این ما متصل به conundrums آشنا فیزیک، ریاضی و زبان است که نگرانی Yanofsky. باز هم cf. فلوید در عرض: "او به بیان به عبارت دیگر یک شکل کلی از قطری. استدلال این است که به طور کلی قابل اجرا است، نه تنها به بسط دهد، اما به هر لیست ادعا و یا حاکمیت حکومت بیان از آنها؛ این کار بر روی هر دستگاه notational خاص و یا ترتیبات فضایی ارجح از علائم تکیه نمی کند. به این معنا، تجدید نظر در استدلال ویتگنشتاین به هیچ تصویر و آن است که اساساً نمودار یا نمایندگی نیست، هر چند که ممکن است به صورت هندسی و تا آنجا که استدلال منطقی است، منطقی آن ممکن است به

طور رسمی نشان داده شده است). مانند استدلال تورینگ، آن را آزاد از یک کراوات مستقیم به هر formalism خاص است. [نشاب به Wolpert آشکار است.] برخلاف استدلال تورینگ، آن را به صراحت مفهوم زبان بازی را فراخوانی می کند و به (و پیش فرض) مفهوم روزمره مفاهیم قوانین و افرادی که آنها را دنبال می کند، اعمال می شود. هر خط در ارائه مورب بالا به عنوان یک دستور و یا دستور، مشابه به منظور داده شده به یک انسان تصور می شود... واضح است که چگونه کار Wolpert یک تصویر کامل از ایده های W از مسائل جداگانه علم یا ریاضیات و فلسفه (بازی های زبان) است.

Yanofsky همچنین همپوشانی عمده ای را که اکنون وجود دارد را روشن نمی کند (و به سرعت در حال گسترش است) بین نظریه پردازان بازی، فیزیکدانان، اقتصاددانان، ریاضیدانان، فلاسفه، نظریه پردازان تصمیم گیری و دیگران، همه آنها برای چندین دهه از نزدیک مربوط به اثبات undecidability، عدم امکان، بی نظیر بودن، و عدم تکمیل. یکی از عجیب و غریب است اثبات اخیر توسط آرماندو Assis که در فرمول نسبی دولت از مکانیک کوانتومی می توانید یک بازی صفرمجموع بین جهان و ناظر با استفاده از تعادل نش، که از آن پیروی از قانون به دنیا آمد و سقوط از تابع موج راه اندازی. Godel اول برای نشان دادن نتیجه عدم امکان، و (تا زمانی که مقالات قابل توجهی از دیوید Wolpert--اینجا را ببینید here و مقاله بررسی من) آن را به مراتب بیشتر رسیدن (یا فقط trivial/incoherent)، اما وجود داشته اند بهمین از دیگران است. یکی از اولین نظریه تصمیم گیری به عنوان قضیه عدم امکان کلی معروف (GIT) کشف شده توسط کنت فلش در ۱۹۵۱ (که او جایزه نوبل در اقتصاد در سال 1972-و پنج نفر از دانش آموزان خود را در حال حاضر برندگان جایزه نوبل بنابراین این علم حاشیه نیست). این حالت تقریباً که هیچ سیستم رأی گیری منطقی سازگار و عادلانه (به عنوان مثال، هیچ روش از ترجیحات افراد aggregating را به تنظیمات گروه) می تواند نتایج معقول را. این گروه یا تحت سلطه یک فرد است، و به همین ترتیب GIT اغلب به عنوان "قضیه دیکتاتور" نامیده می شود، یا ترجیحات لازم وجود دارد. مقاله اصلی فلش "یک مشکل در مفهوم رفاه اجتماعی" بود و می تواند مانند این اظهار داشت: "من؛ غیر ممکن است به تدوین و فرموله اجتماعی پیش ference سفارش است که تمام شرایط زیر را برآورده: nondictatorship؛ حاکمیت فردی؛ مخالفتی آزادی از جایگزین های نامربوط؛ منحصر به فرد از رتبه گروه". کسانی که آشنا با نظریه تصمیم مدرن این را قبول و بسیاری از قضایای مربوط به زور به عنوان نقطه شروع خود را. کسانی که ممکن است آن را پیدا کند (و تمام این ms theory) باور نکردنی و در آن صورت، آنها نیاز به پیدا کردن یک مسیر حرفه ای است که هیچ ربطی به γ از رشته های فوق. مشاهده "قضیه عدم امکان فلش" (2014) و یا "تصمیم گیری و نقص" (2013) در میان سپاه از نشریات.

Yanofsky اشاره می کند نتیجه عدم امکان معروف Brandenburger و Keisler (۲۰۰۶) برای بازی های دو نفره (اما البته نه محدود به "بازی" و مانند تمام این نتایج قابل امکان آن را به طور گسترده به تصمیم گیری از هر نوع اعمال می شود) که نشان میدهد که هر مدل اعتقاد از نوع خاصی منجر به تناقضات. یکی از تفسیر نتیجه این است که اگر ابزار تصمیم تحلیلیگر (اساساً فقط منطق) در دسترس هستند به pla آسیایی در یک بازی، سپس اظهارات و یا اعتقادات که بازیکن می تواند نوشتن و یا فکر می کنم در مورد وجود دارد، اما در واقع نمی تواند نگه (به عنوان مثال، هیچ COS روشن). "ان معتقد است که باب فرض بر این است که Ann معتقد است که فرض باب اشتباه است" به نظر می رسد نظیرترین و 'بازگشت' (یکی دیگر از LG) شده است در استدلال، زبان شناسی، فلسفه و غیره، برای یک قرن به دست آمده حداقل، اما آنها نشان داد که غیر ممکن است برای ان و باب به فرض این اعتقادات. و یک بدن به سرعت در حال رشد چنین نتایج عدم امکان برای 1 یا چند نفره شرایط تصمیم گیری (به عنوان مثال، آن را به فلش، Wolpert، Koppel، Rosser و غیره) وجود دارد. برای یک مقاله فنی خوب از میان بهمین در پارادوکس K & Abramsky و Zvesper مقاله از arXiv.org، که ما را به پارادوکس دروغگو و کانتور پی نهایت (به عنوان یادداشت های عنوان آن در مورد "فرم های تعاملی از قطری و مرجع خود") و در نتیجه به فلویید Rodych، برتو، W و Godel. بسیاری از این مقالات نقل قول مقاله 's Yanofsky "رویکرد جهانی به خود ارجاعی پارادوکس و نقاط ثابت است. پژوهشنامه منطق نمادین، 9 (3): 362-386، ۲۰۰۳. Abramsky (دانشمند که در میان چیزهای دیگر است که پیشگام در محاسبات کوانتومی) یک دوست است، و به همین دلیل yanofsky به یک مقاله به festchrift اخیر به او، منطق، بازی ها و مبانی کوانتومی کمک می کند (۲۰۱۳). شاید برای بهترین

های اخیر (۲۰۱۳) تفسیر در BK و مربوط پارادوکس را ببینید 165p پاورپوینت سخنرانی رایگان در شبکه توسط وس Holliday و اریک Pacuit ' ده پازل و پارادوکس در مورد دانش و اعتقاد '. برای بررسی خوب چند نویسنده را ببینید ' تصمیم گیری جمعی (۲۰۱۰).

از آنجا که قضایای معروف Godel هستند corollaries از قضیه 's Chaitin ' الگوریتم ' تصادفی ' (' بی نقص ') در سراسر ریاضی (که فقط یکی دیگر از سیستم های نمادین ما) ، به نظر می رسد غیر قابل اجتناب است که تفکر (رفتار) ، زبان ، ذهن) پر از غیرممکن است ، تصادفی یا ناقص اظهارات و شرایط. از آنجا که ما می توانیم هر یک از این دامنه ها را به عنوان سیستم های نمادین تکامل یافته توسط شانس را به کار روانشناسی ما ، شاید آن را باید به عنوان تعجب آور است که آنها "کامل" در نظر گرفته شود. برای ریاضی ، Chaitin می گوید: 'خود' تصادفی ' (دوباره یک گروه از ال جی) نشان می دهد که قضایای بی حد و حصر هستند که درست هستند اما unprovable وجود دارد-- به عنوان مثال ، واقعی بدون هیچ دلیل. پس از آن باید قادر باشد که می گویند که اظهارات بی حد و حصر است که کامل وجود دارد "دستوری" حس که شرایط واقعی قابل دسترسی در آن دامنه را توصیف نمی کند. من پیشنهاد می کنم این پازل از بین برود اگر یک دیدگاه W را در نظر بگیرید. او یادداشت های بسیاری در مورد این مسئله از قضایای Godel را نوشت ، و تمام کار خود را مربوط به انعطاف پذیری ، "بی نهایت" و حساسیت به بافت شدید از زبان ، ریاضی و منطق. مقالات اخیر از رودیج ، فلویید و برتو بهترین معرفی من به اظهارات W در مبانی ریاضیات و به همین ترتیب به فلسفه می دانم.

همانطور که اشاره شد، دیوید Wolpert مشتق شده است برخی از قضایای شگفت انگیز در تئوری ماشین تورینگ و محدودیت های محاسبات است که بسیار در اینجا. آنها تقریباً به طور جهانی نادیده گرفته شده است ، اما نه با شناخته شده econometricians Rosser و Koppl ، که ، در مقاله معروف ۲۰۰۲ خود را "همه که من باید بگویم در حال حاضر عبور ذهن خود را" ، به سه قضایای در حدود به عقلانیت ، پیش بینی و کنترل در اقتصاد است. برای اولین بار با استفاده از قضیه Wolpert در محدودیت به computability برای نشان دادن برخی از محدودیت های منطقی به پیش بینی آینده. Wolpert یادداشت ها که می توان آن را به عنوان آنالوگ فیزیکی قضیه بی کامل Godel مشاهده و K و R می گویند که نوع خود را می توان به عنوان آنالوگ علوم اجتماعی خود را مشاهده، هر چند Wolpert به خوبی آگاه از پیامدهای اجتماعی. قضیه دوم K و R برای پیش بینی بیزی (احتمالاتی) در فضای بی نهایت ، غیر همگرایی را نشان می دهد. سوم نشان می دهد عدم امکان از یک کامپیوتر کاملاً پیش بینی اقتصاد با عوامل دانستن برنامه پیش بینی آن. دانا متوجه خواهد شد که این قضایای را می توان به عنوان نسخه های پارادوکس دروغگو و این واقعیت است که ما در impossibilities گرفتار زمانی که ما سعی می کنیم برای محاسبه یک سیستم است که شامل خودمان شده است توسط Rosser ، Koppl ، Wolpert ، و دیگران در این زمینه ها اشاره کرد و دوباره ما دور بازگشت به پازل فیزیک هنگامی که ناظر درگیر است. K & R نتیجه گیری "بنابراین ، نظم اقتصادی تا حدی محصول از چیزی غیر از عقلانیت محاسبات". عقلانیت محدود در حال حاضر یک میدان بزرگ در خود ، موضوع هزاران مقاله و صدها کتاب است.

استدلال یک کلمه دیگر برای تفکر است، که وضع مانند دانستن است، درک، قضاوت و غیره. همانطور که ویتگنشتاین برای اولین بار توضیح داده شد ، این افعال dispositional ، گزاره ها (جملات را که می توانند درست یا غلط باشند) را شرح میدهند و بنابراین آنچه سرل شرایط رضایت (COS) را خواستار است. به این معنی که کشورهای عمومی از امور است که ما به عنوان نشان دادن حقیقت یا falsity خود را تشخیص وجود دارد. "فراتر از دلیل" به معنای حکم که شرایط حقیقت روشن نیست و به همین دلیل خواهد بود که آن را نشانی از زمینه روشن ندارد. این یک ماده در واقع اگر ما را روشن COS (به عنوان مثال ، به معنی) اما ما فقط می تواند رصد را ندارد--این است که فراتر از دلیل نیست ، اما فراتر از توانایی ما برای رسیدن به ، اما آن فلسفی (زبانی) موضوع اگر ما نمی دانند COS. "آیا ذهن و کامپیوتر جهان؟" برای تلفن های موبایل مانند آن نیاز به تحقیقات علمی و یا ریاضی، اما تنها لازم است برای روشن شدن زمینه که در آن این زبان استفاده خواهد شد ، از آنجایی که این شرایط عادی و غیر مشکل است و آن را تنها چهار چوب خود را که گیج کننده است.

مثل همیشه ، اولین چیزی که در ذهن نگه دارید حکم W است که هیچ اکتشافات جدید در فلسفه و نه توضیحات داده می شود ساخته شده وجود دارد ، اما تنها توصیف روشن از رفتار (زبان). هنگامی که یکی می فهمد که تمام مشکلات در مورد چگونگی کار زبان ، ما در صلح و فلسفه در مفهوم خود به دست آورده است هدف خود را. به عنوان W/S اشاره کرده اند، تنها یک واقعیت وجود دارد، بنابراین نسخه های متعدد از ذهن یا زندگی و یا جهان است که می تواند معنی دار وجود دارد، و ما تنها می تواند در یک زبان عمومی ما ارتباط برقرار. نمی تواند یک زبان خصوصی و هر گونه افکار داخلی خصوصی نمی تواند ابلاغ شود و نمی تواند هیچ نقشی در زندگی اجتماعی ما داشته باشد. همچنین باید بسیار ساده برای حل مشکلات فلسفی در این معنا. "در حال حاضر اگر آن است که ارتباط سببی که ما با آن نگران نیست ، پس از آن فعالیت های ذهن دروغ قبل از ما باز است." ویتگنشتاین "کتاب آبی" (۱۹۳۳) p6

در حال حاضر تنها یک مجموعه از ژن ها و از این رو یک زبان (ذهن) ، یک رفتار (طبیعت انسان و یا روانشناسی تکاملی) ، که W و S به عنوان سنگ بستر یا پس زمینه مراجعه و منعکس کننده بر این ما تولید فلسفه که S تماس ساختار منطقی از عقلانیت و من اسمش روانشناسی توصیفی از اندیشه سفارش بالاتر (گرم) و یا ، گرفتن نشانه از W ، مطالعه زبان توصیف داغ. تنها علاقه به خواندن نظرات هر کسی در مورد جنبه های فلسفی رفتار انسان (HOT) این است که ببینیم آیا ترجمه آن به چارچوب W/S می دهد برخی از توضیحات روشن است که روشن استفاده از زبان. اگر نه ، و سپس نشان دادن چگونه آنها را با زبان dispels سردرگمی افسونگر شده است. من تکرار آنچه Horمویج در آخرین صفحه از "ویتگنشتاین Metaphilosophy" خود را فوق العاده اشاره کرد (نگاه کنید به بررسی من): "چه نوع پیشرفت این است — رمز و راز جذاب حذف شده است--با این حال هیچ عمق در تسلی شده است؛ هیچ چیز توضیح داده شده است و یا کشف و یا reconceived. چگونه اهلی و پی تکلف ممکن است فکر کنند. اما شاید، به عنوان ویتگنشتاین نشان می دهد، فضائل از وضوح، demystification و حقیقت باید به اندازه کافی رضایت بخش یافت.

با این وجود ، W/S انجام بسیار توضیح (و یا به عنوان W پیشنهاد ما باید برای گفتن "توصیف") و ایالات S که ساختار منطقی از عقلانیت به منزله نظریه های مختلف ، و هیچ آسیبی در آن وجود دارد، ارائه یک متوجه آنها از یک سری از نمونه های که اجازه دهید ما یک ایده کلی از چگونه زبان (ذهن) کار تشکیل شده است، و که به عنوان "تئوری های" خود را از طریق نمونه های آنها تبدیل به مانند توضیحات perspicuous W. "گل سرخ با هر نام دیگری..." هنگامی که یک سوال وجود دارد باید به بازگشت به نمونه ها و یا در نظر آنها پی که جدید. به عنوان W اشاره کرد ، زبان (زندگی) است کاملا پیچیده و بافت حساس (W بودن پدر بی ادعان از مفاد) ، و پس از آن است مطلقا بر خلاف فیزیک که در آن می توان اغلب یک فرمول و توزیع با نیاز به نمونه های بیشتر مشتق شده است. علم (استفاده از زبان علمی و چارچوب سببی) منجر به ما گمراه در توصیف گرم است.

یک بار دیگر: "فلاسفه به طور مداوم روش علم قبل از چشم خود را ببینید و irresistibly وسوسه به درخواست و پاسخ به سوالات در علم راه می کند. این گرایش ، منبع واقعی متافیزیک است و فیلسوف را به تاریکی کامل هدایت می کند." (BBB p18).

بر خلاف بسیاری دیگر ، S تا حد زیادی اجتناب شده است و اغلب تخریب علمی ، اما یک باقی مانده که evinces خود را هنگامی که او اصرار دارد در استفاده از شرایط را dispositional که توصیف رفتار عمومی (تفکر ، دانستن باور و غیره) برای توصیف S1 ' فرآیندها ' در مغز ، که به عنوان مثال ، ما می توانیم آگاهی را با مطالعه مغز درک ، و که او آماده است تا علت را ، خواهد شد یا ذهن. W ساخته شده آن را به وفور روشن است که چنین کلماتی هستند لولا و یا بازی های زبان پایه و دادن آنها و یا حتی تغییر آنها یک مفهوم منسجم نیست. همانطور که در بررسی های دیگر من اشاره شد ، من فکر می کنم باقی مانده از نتایج علمی از تراژدی عمده S (و تقریباً تمام فیلسوف دیگر) زندگی فلسفی--شکست خود را به بعد W به طور جدی به اندازه کافی (W درگذشت چند سال قبل از S به انگلستان رفت و به مطالعه) و ساخت اشتباه مشترک مهلک تفکر او دقیق تر از W.

"در اینجا ما در برابر پدیده ای قابل توجه و مشخصه در تحقیقات فلسفی آمده ایم: دشواری--
-من ممکن است بگویم---این است که پیدا کردن راه حل نیست، بلکه به رسمیت شناختن به عنوان چیزی که به نظر
می رسد که اگر آن را تنها یک مقدماتی به آن بود. ما در حال حاضر گفت: همه چیز. ---هر چیزی که از این زیر نیست
، هیچ این خود راه حل است! ... این متصل است، به اعتقاد من، با اشتباه ما در انتظار توضیح، در حالی که راه
حل مشکل این است شرح، اگر ما به آن جای مناسب در ملاحظات ما است. اگر ما بر آن ساکن، و سعی نکنید به
فراتر از آن را دریافت کنید. Zettel p312-314

"روش ما این است که صرفاً توصیفی، شرح ما را از توضیحات تذکرات نیست." BBB p125

آن را به شرح زیر هر دو از W 's دوره 3rd کار و روانشناسی معاصر، که 'اراده'، 'خود' و 'آگاهی' بدیهی است
که عناصر واقعی تنها از سیستم خزنه (S1) subcortical متشکل از ادراکات، خاطرات و رفلکس، و هیچ
امکان (وضوح) از نشان دادن (از ارائه حس به) باطل آنها وجود دارد. به عنوان W ساخته شده تا زیبا روشن، آنها
پایه و اساس قضاوت هستند و بنابراین می تواند در نظر گرفته شود. بدیهیات واقعی فقط از روانشناسی ما هستند.

فلاسفه به ندرت در مورد دقیقاً آنچه در آن است که آنها انتظار دارند که به کمک دانش آموزان دیگر از رفتار (به
عنوان مثال، دانشمندان) انجام نیست، بنابراین، با اشاره به عرض بالا در مورد حسادت علم، من از هکر P. S
(کارشناس پیشرو در W برای سال های بسیاری) که می دهد شروع خوبی بر روی آن و counterblast به علمی.

"Epistemologists سنتی می خواهند بدانند که آیا دانش باور واقعی است و یک وضعیت بیشتر...، یا اینکه آیا
دانش حتی این مفهوم را میسراندند... آنچه باید روشن شود اگر این پرسش ها پاسخ داده شود وب مفاهیم معرفی ما
است، راه هایی که در آن مفاهیم مختلف با هم قطع می شوند، اشکال مختلف ها و ناسازگاری ها، نقطه و هدف
آنها، پیش شرطها و اشکال مختلف وابستگی به متن. به این ورزش محترم در تجزیه و تحلیل همبند، دانش علمی،
روانشناسی، علوم اعصاب و علوم شناختی خود مدل دهید می تواند چیزی به هیچ وجه کمک کند. ((عبور از طبیعت
به نوبه خود: کواين در بن بست-d (۲۰۰۵) sac-p15)

سازه های deontic یا "چسب های اجتماعی" اقدامات خودکار سریع S1 است که باعث می شود، تا از طریق توسعه
های شخصی S2 به طور گسترده ای از روابط بین فرهنگی جهانی به صورت خودکار گسترش یابد که به خوبی توسط
سرل شرح داده شده است. من انتظار دارم که این خلاصه به خوبی ساختار اساسی رفتار اجتماعی است.

چند نظر تکرار خرس. بنابراین، به رسمیت شناختن است که S1 تنها منحنی سببی (جهان به ذهن) و contentless
(فاقد نمایندگی و یا اطلاعات) در حالی که S2 دارای محتوا (به عنوان مثال نمایندگی است) و اغوا سببی (ذهن به
جهان) (به عنوان مثال، نگاه کنید به بررسی من از Hutto و 'Myin' فعالیت های رادیکال)، من می خواهم
پاراگراف ها را از S p39 جامد و در حال شروع "در مجموع" و پایان دادن به ۴۰ pg با "شرایط رضایت" به شرح زیر
است.

در مجموع، ادراک، حافظه و بازتابی از نیت و اقدامات قبل ('اراده') توسط عملکرد خودکار از S1 ما درست تنها
بدیهی است که توسط S2 ('آزاد خواهد شد') ایجاد می شود. ما سعی می کنیم برای مطابقت با ما چگونه می خواهیم
همه چیز را با ما چگونه فکر میکنیم که هستند. ما باید ببینیم که باور، میل و تخیل--زمان خواسته های منتقل و
ویدجت از قصد--و دیگر از S2 گزاره ای از تفکر آهسته ما بعد تکامل یافته خود را دوم، کاملاً وابسته به (شرایط
خود را از رضایت (COS) منشاء در) Causally خود بازتابی (CSR) سریع به صورت خودکار ابتدایی درست تنها
انعکاسی S1. در زیان و فیزیولوژی عصبی موارد متوسط و یا مخلوط مانند قصد (نیت قبل) و یا به خاطر سپردن وجود
دارد، که در آن اتصال علی از COS با S1 است زمان منتقل، به عنوان آنها نشان دهنده گذشته و یا آینده بر خلاف

S1 است که همیشه در حال حاضر. S1 و S2 خوراک به یکدیگر و اغلب هماهنگ با آموخته روابط فرهنگی deontic ، به طوری که تجربه طبیعی ما این است که ما آگاهانه همه چیز که ما را کنترل کنید. این عرصه گسترده ای از توهمات شناختی که تسلط بر زندگی سرل ما به عنوان "توهم پدیدارشناسی (TPI) توصیف.

"برخی از مهم ترین ویژگی های منطقی از معنایی فراتر از رسیدن به پدیدارشناسی به دلیل آنها هیچ واقعیت پدیدار شناسی فوری... از آنجا که ایجاد معناجویی از meaninglessness است آگاهانه تجربه نیست... آن وجود ندارد... این است... توهم پدیدارشناسی." سرل PNC p115-117

کلمات منش (تنظیمات--نگاه کنید به جدول بالا) حداقل دو استفاده اساسی. یکی اشاره به جملات واقعی تنها توصیف ادراکات مستقیم ما، رفلکس (از جمله گفتار اساسی) و حافظه، یعنی، روانشناسی ذاتی و بدیهی S1 ما که بازتابی از خود (CSR) Causally--(به نام انعکاسی یا لازم در BBB W)، و استفاده از S2 به عنوان واژه های منش (تفکر، درک، دانستن و غیره) که می تواند عمل کند، و که می تواند تبدیل به true یا false ("من می دانم راه خانه من")--یعنی، آنها شرایط رضایت (COS) و CSR نیست (به نام انتقالی در BBB).

"چگونه مشکل فلسفی در مورد فرایندهای ذهنی و ایالات و در مورد رفتارگرایی بوجود می آید؟ -اولین قدم این است که به طور کامل در حال فرار از اطلاع است. ما در مورد فرآیندها و ایالات صحبت میکنیم و طبیعت خود را مردد ترک. مدتی شاید ما باید بیشتر در مورد آنها می دانیم--ما فکر می کنیم. اما این تنها چیزی است که ما را به یک روش خاص برای نگاه کردن به موضوع متعهد می کند. برای ما یک مفهوم قطعی از آنچه در آن به معنی یادگیری به دانستن یک فرآیند بهتر است. (جنبش تعیین کننده در ترفند دورنمای ساخته شده است، و آن را یکی از ما فکر کاملاً بی گناه بود). -و در حال حاضر قیاس است که ما را به درک افکار ما می افتد به قطعات. بنابراین، ما باید به انکار روند هنوز uncomprehended در رسانه هنوز ناشناخته است. و در حال حاضر به نظری می رسد به عنوان اینکه ما فرایندهای ذهنی را تکذیب کرده بود. و طبیعتاً ما نمی خواهیم آنها را انکار کنیم. W PI p308

"... رابطه عمده اصلی بین ذهن و جهان با شرایط رضایت انجام می شود. و یک گزاره هر چیزی است که می تواند در رابطه عمده به جهان ایستاده است، و از آنجایی که کسانی که روابط عمده همیشه تعیین شرایط رضایت، و یک گزاره به عنوان هر چیزی کافی برای تعیین شرایط رضایت تعریف شده، آن را به نظر می رسد که تمام معنایی است یک ماده از گزاره. سرل PNCp193

"دولت عمده نشان دهنده شرایط خود را از رضایت... به اشتباه مردم فرض می کنند که هر نماینده ذهنی باید آگاهانه فکر... اما مفهوم یک نمایندگی که من با استفاده از آن را تابعی و نه مفهوم هستی شناختی است. هر چیزی که دارای شرایط رضایت، که می تواند موفق یا شکست در راه است که از ویژگی های معنایی است، با تعریف یک نمایندگی از شرایط خود را از رضایت... ما می توانیم ساختار پدیده های اجتماعی را با تحلیل شرایط رضایت خود تحلیل کنیم." سرل جامد 28-32

مانند S، coliva، carruthers و دیگران گاهی اوقات دولت (به عنوان مثال، 67-66 p) که S1 (یعنی خطرات، تصورات، اعمال رفلکس) دارای یک گزاره ای (به عنوان مثال، درست غلط) ساختار. همانطور که در بالا ذکر شد، و بسیاری از بار در بررسی من، به نظر می رسد کریستال روشن است که W درست است، و آن را به درک رفتار اساسی است، که تنها S2 گزاره ای و S1 است بدیهی است و درست است. با این حال، از آنچه که S و نویسندگان مختلف در اینجا تماس بگیرد پس زمینه (S1) افزایش می دهد به S2 و به نوبه خود تا حدی توسط S2 کنترل شده است، وجود دارد به یک حس که در آن S1 قادر به تبدیل شدن به پروکال است و آنها و سرل توجه داشته باشید که ناخودآگاه یا آگاهانه اما فعالیت های خودکار S1 باید قادر به تبدیل شدن به آنها یا آگاهانه یا آنها هر دو COS و جهت مناسب (DOF) از آنجا که ژنتیک، معنایی بدیهی از S1 تولید می کند که از S2، اما اگر S1 در همان حس به معنای آن است که شک و تردید قابل درک است، هرج و مرج که فلسفه قبل از W بود بازگشت، و در واقع اگر

درست باشد، زندگی امکان پذیر نخواهد بود. به عنوان مثال، این بدان معنی است که حقیقت و falsity و حقایق جهان را می توان بدون آگاهی تصمیم گرفت. به عنوان W اغلب اظهار داشت و درخشان در آخرین کتاب خود را نشان داد 'در یقین'، زندگی باید بر یقین--واکنش سریع ناخودآگاه خودکار است. ارگانیزم که همیشه شک و مکث به منعکس خواهد مرد--بدون تکامل، هیچ مردم، هیچ فلسفه.

باز هم، من برخی از مفاهیم مهم را تکرار کنید. یکی دیگر از ایده های روشن شده توسط S به دلایل مستقل تمایل برای عمل (DIRA) است. من خلاصه ای از دلیل عملی را در مورد p127 از پسماندهای جامد به شرح زیر ترجمه می کنم: "ما به خواسته های ما عملکرد (نیاز به تغییر شیمی مغز)، که به طور معمول شامل میل به دلایل مستقل برای عمل (DIRA--i.e.)، خواسته های آواره در فضا و زمان، که تولید به رفتار که معمولاً در نتیجه دیر یا زود در حرکات عضلانی که در خدمت تناسب اندام ما (افزایش بقا برای ژن در خودمان و کسانی که از نزدیک مرتبط). و من توضیح خود را در مورد p129 چگونه ما انجام DIRA2 به عنوان "قطعنامه از پارادوکس این است که DIRA1 ناخودآگاه خدمت بلند مدت آمادگی جسمانی را تولید DIRA2 آگاهانه است که اغلب لغو کوتاه مدت خواسته های فوری شخصی restate." عوامل انجام شده در واقع آگاهانه دلایل DIRA2 را ایجاد می کنند، اما این افزونه های بسیار محدود از DIRA1 ناخودآگاه (علت نهایی) هستند. اوباما و پاپ مایل به کمک به فقرا به دلیل آن است که "حق"، اما علت نهایی تغییر در شیمی مغز خود را که افزایش تناسب اندام از اجداد خود را از راه دور. تکامل توسط تناسب اندام فراگیر ناخودآگاه سریع اقدامات سببی از S1 که اغلب منجر به تفکر آگاهانه از S2، که به تولید دلایل عمل است که اغلب منجر به فعال شدن بدن و/یا گفتار عضلات توسط S1 باعث اقدامات برنامه ریزی شده است. مکانیسم عمومی است از طریق هر دو neurotransmission و با تغییر در neuromodulators در مناطق هدف از مغز. توهم کلی شناختی (به نام S 'توهم پدیدارشناسی'، توسط Pinker 'تخته سنگ خالی' و توسط Tooby و Cosmides 'استاندارد علوم اجتماعی مدل') این است که S2 عمل آگاهانه به دلایل که ما به طور کامل آگاه و در کنترل، اما هر کسی آشنا با زیست شناسی مدرن و روانشناسی می توانید ببینید که این دیدگاه معتبر نیست.

یک جمله بیان یک فکر (به معنای)، هنگامی که آن را روشن COS، به عنوان مثال، شرایط حقیقت عمومی است. از این رو نظر از W: "وقتی که من به زبان فکر می کنم، 'معانی' رفتن را از طریق ذهن من علاوه بر عبارات کلامی وجود ندارد: زبان خود را وسیله نقلیه اندیشه است." و اگر من با یا بدون کلمات فکر می کنم، فکر هر چیزی که من (صداقت) می گویند آن است که به عنوان هیچ معیار دیگر ممکن است (COS) وجود دارد. بنابراین، دوست داشتنی s 'W جملات قصار (p132 budd--فلسفه روانشناسی)" آن را در زبان است که آرزو و تحقق ملاقات" و "مانند همه چیز متافیزیکی، هماهنگی بین فکر و واقعیت این است که در دستور زبان از این آموزش یافت می شود." و یکی ممکن است در اینجا توجه داشته باشید که 'دستور زبان' در عرض معمولی می تواند به عنوان روانشناسی تکاملی (EP) ترجمه شود و به رغم هشدارهای مکرر خود را در برابر نظریه پردازی و generalizing، این است که در مورد به عنوان گسترده مشخصات از نظم بالاتر روانشناسی توصیفی (فلسفه) به عنوان یکی می توانید پیدا کنید-فراتر از حتی سرل 'تئوری' (که اغلب انتقاد W

"هر نشانه ای است که قادر به تفسیر است، اما به معنی نباید t قادر به تفسیر است. این آخرین تفسیر است W"
BBB p34

"فلسفه سرل و فلسفه چینی" (۲۰۰۸) (Spccp) یک کتاب فوق العاده و منحصر به فرد است، اما کاملاً نادیده گرفته است که من ۲۰۱۵ بررسی در آن زمان تنها یکی! باید واضح باشد که مسائل فلسفی همیشه در مورد اشتباهات در زبان مورد استفاده برای توصیف روانشناسی جهانی ما است و هیچ حس مفید وجود دارد که در آن می تواند یک چینی، فرانسوی، مسیحی، فمینیستی و غیره وجود دارد. مشاهده از آنها. چنین دیدگاه می تواند از فلسفه در مفهوم گسترده ای وجود دارد، اما این چیزی است که فلسفه ذهن (و یا به S، W و یا من چه هر فلسفه جالب و اساسی) است. این می تواند یک کل کتاب را به بحث در مورد این و S نشانی از یک کار عالی، بنابراین من فقط در اینجا نظر خواهد داد

که دوباره گاردینگ p35 در spcp ، گزاره S2 و ایالات روانی نیست، که S1 به عنوان W کاملاً روشن بیش از 4/3 از یک قرن پیش ساخته شده، و هر دو کواپن و دیویدسون به همان اندازه در مورد مسائل اساسی درگیر اشتباه گرفته (هر دو سرل و هکر انجام داده اند ناوشکن عالی از کواپن). همانطور که اغلب، بحث S توسط شکست خود را به انجام درک خود را از 's W "پس زمینه" به نتیجه گیری منطقی آن خدشه دار و بنابراین او نشان می دهد (به عنوان او اغلب) که او ممکن است به رها کردن مفهوم آزاد خواهد شد--مفهوم پیدا کنم (با عرض) incoherent. COS (رویداد truthmaking ، آزمون و یا اثبات) است که می تواند حقیقت را در مقابل falsity از ما داشتن یک انتخاب برای بلند کردن بازو ما نشان می دهد؟

به همین ترتیب (p62) هیچ کسی می تواند استدلال برای پس زمینه (به عنوان مثال ، EP بدیهی ما) را به عنوان ما قادر به صحبت کردن در همه پیش فرض آن (به عنوان W اغلب اشاره کرد). این نیز درست است که "کاهش" همراه با "یکتاگرایی" ، و "واقعیت" ، و غیره. آیا بازی های پیچیده زبان هستند و به معنی همراه در کوله پشتی کوچک را حمل نمی کنند! یکی باید یک استفاده در جزئیات تشریح برای روشن شدن و سپس ببینید که چگونه استفاده دیگری (زمینه) متفاوت است.

فلاسفه (و فلاسفه می شود) ایجاد مشکلات خیالی با تلاش برای پاسخ به سوالات است که هیچ حس روشن. این وضعیت به سادگی توسط Finkelstein در 'Holism و ذهن حیوانات تجزیه و تحلیل و آلبه طوری ستودنی با خواندن در 'مشکل سخت از آگاهی' به نقل از بالا خلاصه شده است.

"فرهنگ و ارزش" ویتگنشتاین (که در ۱۹۸۰ منتشر شده است ، اما چندین دهه قبل نوشته شده است) ، هر چند که شاید کتاب جالب حداقل او باشد ، بسیار است که مربوط به این بحث و البته به بخش بزرگی از زندگی فکری مدرن است.

' ' هیچ فرقه مذهبی است که در آن سوء استفاده از اصطلاحات متافیزیکی شده است مسئول گناه بسیار به عنوان آن را در ریاضیات بوده است.

"مردم دوباره و دوباره می گویند که فلسفه واقعاً پیشرفت نمی کند، که ما هنوز هم با مشکلات فلسفی همان اشغال شدند یونانیان. اما افرادی که می گویند این را نمی فهمم چرا باید چنین باشد. به این دلیل که زبان ما همان باقی مانده است و نگه می دارد seducing ما را به پرسیدن سوالات همان. تا زمانی که به عنوان یک فعل وجود داشته باشد ، به نظر می رسد که اگر به همان شیوه ای که در حال خوردن و نوشیدن است ، عمل کند ، تا زمانی که ما هنوز هم صفت ها را داریم ، تا زمانی که ما همچنان به صحبت از یک رودخانه از زمان ، گستره ای از فضا ، و غیره ، و غیره ، مردم را حفظ خواهد کرد بیش از مشکلات گیج کننده همان و پیدا کردن خود خیره در چیزی که هیچ توضیحی به نظر می رسد قادر به پاکسازی تا. و چه چیزی بیشتر، این ارضا اشتیاق برای متعالی، زیرا، تا آنجا که مردم فکر می کنم آنها نمی توانند ببینید 'محدودیت های درک انسان، آنها البته که آنها می توانند فراتر از این را ببینید اعتقاد دارند.

به همین ترتیب اجازه دهید ما سعی کنید به تقطیر جوهر از دو آثار اخیر سرل است.

"می تواند دلایل عملی که الزام آور در یک عامل منطقی فقط در فضیلت ماهیت این واقعیت گزارش شده در بیانیه دلیل وجود دارد، و به طور مستقل از خواسته های عامل، ارزش، نگرش و ارزیابی؟ ... پارادوکس واقعی بحث سنتی این است که آن تلاش می کند تا در برخورد داشت گیوتین ، تمایز ارزش حقیقت سخت ، در واژگان ، استفاده از که در حال حاضر پیش فرض falsity از تمایز است. سرل PNC p165-171

"... تمام عملکردهای وضعیت و از این رو همه واقعیت های نهادی ، به غیر از زبان ، توسط اعمال گفتاری که فرم منطقی اعلامیه ها را دارند ، ایجاد می شوند... اشکال عملکرد وضعیت در سوال تقریباً همواره از قدرت های

deontic... برای تشخیص چیزی به عنوان یک حق ، وظیفه ، تعهد ، نیاز و غیره این است که به رسمیت شناختن یک دلیل برای اقدام... این ساختارهای deontic را به دلایل احتمالی تمایل مستقل برای عمل... نکته کلی این است که بسیار روشن است: ایجاد زمینه عمومی دلایل تمایل مبتنی بر پذیرش یک سیستم از دلایل مستقل میل برای اقدام. سرل PNC p34-49

یعنی ، عملکرد سیستم زبانی ما 2 پیش فرض است که از سیستم قبل از زبان ما 1. همچنین ، ما به پذیرفتن یا رد dira 1 امکان پذیر نیست1، بلکه به عنوان بخشی از s1 آنها ذاتی و رد هر یک از s1 غیر منسجم است.

"برخی از مهم ترین ویژگی های منطقی از معنایی فراتر از رسیدن به پدیدارشناسی به دلیل آنها هیچ واقعیت پدیدار شناسی فوری... از آنجا که ایجاد معناجویی از meaninglessness است آگاهانه تجربه نیست... آن وجود ندارد... این است... توهم پدیدارشناسی." سرل PNC p115-117

به این ترتیب ، عملکرد ذهنی ما است که معمولاً تا با سیستم 2 به عنوان بی اعتنا به سیستم 1 مشغول است.

"... رابطه عمدی اصلی بین ذهن و جهان با شرایط رضایت انجام می شود. و یک گزاره هر چیزی است که می تواند در رابطه عمدی به جهان ایستاده است، و از آنجایی که کسانی که روابط عمدی همیشه تعیین شرایط رضایت، و یک گزاره به عنوان هر چیزی کافی برای تعیین شرایط رضایت تعریف شده، آن را به نظر می رسد که تمام معنایی است یک ماده از گزاره. سرل PNCp193

"بنابراین ، توابع وضعیت چسب که جامعه را نگه دارید با هم. آنها توسط inten قصد جمعی ایجاد شده و عملکرد آنها با حمل قدرت deontic... با استثنای مهم زبان خود ، همه از واقعیت نهادی و لذا در یک معنا همه تمدن بشری توسط گفتار اعمال می شود که به صورت منطقی از اظهارات ایجاد شده است... همه واقعیت های نهادی انسانی ایجاد شده است و در وجود (بازنمایی هایی که فرم منطقی یکسانی دارند) ، از جمله مواردی که در قالب صریح اعلامیه ها عمل نمی کنند ، ساخته و نگهداری می شود. سرل جامد p11-13

"باورها ، مانند اظهارات ، رو به پایین و یا ذهن (یا کلمه) - - جهت جهان مناسب است. و خواسته ها و نیات ، مانند سفارشات و وعده ها ، به سمت بالا و یا جهان به ذهن (یا کلمه) جهت مناسب است. باورها و تصورات ، مانند اظهارات ، قرار است تا نشان دهد که چگونه همه چیز را در جهان هستند ، و در این معنا ، آنها قرار است به تناسب جهان ؛ آنها را به ذهن به جهان جهت مناسب است. دولت های conative مانند خواسته ها ، نیت های قبلی و نیات در عمل ، مانند سفارشات و وعده ها ، در جهان به ذهن جهت مناسب است. آنها قرار نیست برای نشان دادن چگونه همه چیز هستند ، اما چگونه ما می خواهیم آنها را به یا چگونه ما قصد داریم آنها را... علاوه بر این دو دانشکده ، است یک سوم وجود دارد، تخیل، که در آن محتوای گزاره ای قرار است به تناسب واقعیت در راه است که محتوای گزاره ای شناخت و اراده قرار است به جا... تعهد جهانی مربوط به آن رها شده است و ما بدون هیچ گونه تعهدی که با هر دو جهت مناسب نشان دهنده است ، محتوای گزاره ای داریم. سرل جامد p15

"دولت عمدی نشان دهنده شرایط خود را از رضایت... به اشتباه مردم فرض می کنند که هر نماینده ذهنی باید آگاهانه فکر... اما مفهوم یک نمایندگی که من با استفاده از آن را تابعی و نه مفهوم هستی شناختی است. هر چیزی که دارای شرایط رضایت ، که می تواند موفق یا شکست در راه است که از ویژگی های معنایی است ، با تعریف یک نمایندگی از شرایط خود را از رضایت... ما می توانیم ساختار پدیده های اجتماعی را با تحلیل شرایط رضایت خود تحلیل کنیم. " سرل جامد p28-32

"اما هیچ آنالوگ پیش زبانی برای اعلامیه وجود دارد. کشورهای عمدی پیش زبانی نمی توانند واقعیت های موجود

در جهان را با نمایندگی از این حقایق در حال حاضر ایجاد کنند. این شاهکار قابل توجه نیاز به یک زیان "جامد p69

"... هنگامی که شما به زیان، آن را اجتناب ناپذیر است که شما باید از هستی شناسی، زیرا هیچ راهی شما می توانید اعمال گفتار صریح و بی اساس با توجه به کنوانسیون های یک زیان انجام بدون ایجاد تعهدات وجود دارد. این درست نیست که فقط برای اظهارات اما برای همه اعمال گفتار "جامد p82

مفهوم بحرانی معرفی شده توسط S سال های بسیاری پیش است شرایط رضایت (COS) در افکار ما (گزاره های S2) که W به نام تمایلات یا گرایش به عمل--هنوز با اصطلاح نامناسب "نگرش های propositional ' توسط بسیاری به نام. COS توسط S در بسیاری از مکان های مانند در PNC 169 توضیح داده شده است: "بنابراین چیزی گفت و به معنی آن را شامل دو شرایط رضایت. اول، شرط رضایت از سخن گفتن که سخن آن تولید خواهد شد، و دوم، که گفته خود، باید شرایط رضایت را داشته باشد. " همانطور که ایالات متحده آن را در PNC، " گزاره هر چیزی است که می تواند یک وضعیت رضایت تعیین... و شرط رضایت... این است که چنین و چنین مورد است. یا، یک نیاز به اضافه کردن، که ممکن است یا ممکن است تصور می شود مورد، به عنوان او را روشن در پسماندهای جامد. با توجه به نیت، "به منظور راضی، قصد خود را باید در تولید عمل causally عملکرد". (MSWP34).

"معنای بلندگو... تحمیل شرایط رضایت در شرایط رضایت است. ظرفیت برای انجام این کار یک عنصر حیاتی از ظرفیت های شناختی انسان است. این نیاز به توانایی در دو سطح در یک بار فکر می کنم، در راه است که برای استفاده از زیان ضروری است. در یک سطح، بلندگو عمدا یک گفته فیزیکی را تولید می کند، اما در سطح دیگری گفته چیزی را نشان می دهد. و همان دوگانگی خود نماد را آلوده کرده است. در یک سطح، آن را یک شی فیزیکی مانند هر دیگر است. در سطح دیگر، آن را به معنی: آن را نشان دهنده یک نوع از امور خارجه "جامد p74

یکی از راه های این است که ناخودآگاه سیستم خودکار 1 فعال قشر بالاتر آگاهانه شخصیت سیستم 2، آوردن در مورد انقباضات عضلانی گو که به دیگران اطلاع که آن جهان را در راه های خاصی می بیند، که آن را متعهد به اقدامات بالقوه. یک پیشرفت بزرگ بیش از فعل و انفعالات prelinguistic یا نیاززبانی که در آن حرکات عضلانی ناخالص قادر به انتقال اطلاعات بسیار محدود در مورد نیت بودند.

اکثر مردم به نفع تا حد زیادی از خواندن 's W ' در یقین" یا "RPP1 و 2" یا دو کتاب DMS در OC (نگاه کنید به بررسی من) را به عنوان آنها را روشن تفاوت بین جملات واقعی تنها توصیف S1 و درست یا نادرست گزاره توصیف S2. این من را به عنوان یک رویکرد بسیار عالی برای به دست گرفتن ادراکات S1 به عنوان گزاره ای (حداقل در برخی از نقاط در کار خود را) از آنجایی که آنها فقط می تواند تبدیل به T یا F (aspectual) به عنوان s تماس آنها را در پسماندهای جامد) پس از یک شروع به فکر کردن در مورد آنها در S2.

سرل اغلب توصیف نیاز مبرم به توجه داشته باشید سطوح مختلف از شرح یک رویداد را برای قصد در عمل (IA) "ما سطوح مختلف توصیف که در آن یک سطح است که توسط رفتار در سطح پایین تر تشکیل شده است... علاوه بر ساختاری از طریق رابطه، ما نیز با استفاده از رابطه سببی است. (p37).

"اثبات بسیار مهم است که ما نیاز به تمایز بین مقاصد قبل و نیت در عمل است که شرایط رضایت در دو مورد کاملا متفاوت است. COS PI (p35) نیاز به یک عمل کامل در حالی که کسانی که از IA تنها یک جزئی. او را روشن می کند (به عنوان مثال، p34) که نیت قبلی (PI) حالات ذهنی (به عنوان مثال، ناخودآگاه S1) در حالی که آنها در نیت در عمل (IA) که عمل آگاه هستند (به عنوان مثال، S2)، اما هر دو causally خود بازتابی (CSR). استدلال مهم است که هر دو CSR است که (بر خلاف اعتقادات و خواسته) ضروری است که آنها در آوردن در مورد COS خود را رقم. این توصیف از شناخت و اراده در جدول خلاصه شده است 1/2 (p38 مواد جامد)، که سرل برای سال

های بسیاری استفاده می شود و پایه ای برای بسیار طولانی در حال حاضر من در اینجا و در بسیاری از مقالات من. به نظر من، آن را بسیار کمک می کند تا به این موضوع را به تحقیقات روانی مدرن با استفاده از من S1، اصطلاحات S2 و 's' واقعی تنها در مقابل گزاره ای (dispositional) شرح. به این ترتیب، منابع مسئولیت اجتماعی S1 فقط درک واقعی، حافظه و قصد، در حالی که S2 اشاره به تمایلات مانند اعتقاد و تمایل.

این در مد بسیار ساده و بی شفقت به شرح زیر است، هر دو از کار دوره 3rd W و از مشاهدات روانشناسی معاصر، که "اراده"، "خود" و "آگاهی" بدیهی است که عناصر واقعی فقط از سیستم 1 درست مثل دیدن، شنیدن، و غیره، و هیچ امکان (وضوح) نشان (از دادن حس به) باطل آنها وجود دارد. به عنوان W ساخته شده تا زیبا زمان های متعدد روشن، آنها پایه و اساس قضاوت هستند و بنابراین می تواند در نظر گرفته شود. بدیهیات واقعی فقط از روانشناسی ما هستند.

این مهم است که درک مفهوم تابع ' است که در اینجا مرتبط است. "یک تابع یک علت است که در خدمت یک هدف است... در این توابع به معنای معنایی نسبی و به همین دلیل وابسته به ذهن... عملکردهای وضعیت... نیاز... اعمال جمعی و به رسمیت شناختن وضعیت" (p59 پسماندهای جامد).

من پیشنهاد می کنم، ترجمه "از زبان های غیر ذاتی، و یا فکری مستقل از انسان" (p66) به عنوان "زبان شناسی، dispositional آگاهانه از S2 توسط ناخودآگاه بدیهی است توابع بازتابی از S1 تولید می شود" ایجاد شده است. است که، باید در ذهن داشته باشیم که رفتار توسط زیست شناسی برنامه ریزی شده است.

یک بار دیگر، سرل ایالات (به عنوان مثال، p66-67) که (i.e. S1)، خاطرات، برداشت، عمل لزه‌های رفلکس آینه ای (ای) دارای یک گزاره ای (i.e.، درست غلط) ساختار. همانطور که در بالا ذکر شد، و بسیاری از بار در بررسی های دیگر، به نظر می رسد کریستال روشن است که W درست است، و آن را اساسی به درک رفتار است، که تنها S2 گزاره ای و S1 است بدیهی است و درست است. آنها هر دو COS و جهت مناسب (DOF) از آنجا که ژنتیکی، معنایی از قصدمندی از S1 تولید می کند که از S2 اما اگر S1 در همان حس به معنای آن است که شک و تردید قابل درک است، هرج و مرج که فلسفه قبل از W بود بازگشت، و در واقع اگر درست باشد، زندگی امکان پذیر نخواهد بود. به عنوان W نشان داد بار پی شماری و زیست شناسی نشان می دهد که به وضوح، زندگی باید بر یقین--واکنش های سریع ناخودآگاه خودکار است. ارگانسیم که همیشه شک و مکث به منعکس خواهد مرد، هیچ تکامل، هیچ مردم، هیچ فلسفه.

زبان و نوشتن خاص هستند زیرا طول موج کوتاه از ارتعاشات عضلات آوازی را قادر می سازد انتقال اطلاعات پهنای باند بسیار بالاتر از انقباضات عضلات دیگر و این منبه طور متوسط چند سفارش از قدر بالاتر برای اطلاعات بصری.

S1 و S2 بخش های حیاتی از EP انسان هستند و نتایج، به ترتیب میلیاردها و صدها میلیون سال از انتخاب طبیعی توسط تناسب اندام فراگیر. آنها بقا و تولید مثل در EEA را تسهیل کردند (محیط سازگاری تکاملی). همه چیز در مورد ما از لحاظ جسمی و ذهنی پایین در ژنتیک. همه بحث مبهم در پسماندهای جامد (به عنوان مثال، p114) درباره "کنوانسیون های فوق زبانی" و "معناشناسی semantical اضافی" در واقع با اشاره به EP و به خصوص به automatisms ناخودآگاه از S1 که پایه و اساس همه رفتار است. به عنوان W گفت: چند بار، آشنا ترین است که به دلیل نامرئی.

در اینجا خلاصه من است (به دنبال S در مواد جامد) چگونه به دلیل عملی عمل: ما به خواسته های ما عملکرد (نیاز به تغییر شیمی مغز)، که به طور معمول شامل میل به دلایل مستقل برای عمل (DIRA--یعنی، خواسته های آواره در فضا و زمان، اغلب برای نوع دوستی متقابل--RA)، که تولید به رفتار که معمولاً در نتیجه دیر یا زود در حرکات

عضلانی که در خدمت تناسب اندام ما شامل-اگر (افزایش بقا برای ژن در خودمان و کسانی که از نزدیک مرتبط).

من فکر می‌کنم اگر مناسب تعریف شده، DIRA جهانی در حیوانات بالاتر و نه در همه منحصر به فرد به انسان (فکر می‌کنم مادر مرغ دفاع از خون ریزی خود را از روباه) اگر ما شامل رفلکس‌های پیش‌زیانی خودکار S1 (به عنوان مثال، DIRA1)، اما مطمئناً DIRA بالاتر از DIRA2 (S2) که نیاز به زبان منحصر به فرد انسان هستند. پارادوکس چگونه ما به طور داوطلبانه می‌تواند انجام DIRA2 (i.e., اعمال S2 و پسوند فرهنگی خود را که تمایل مستقل) این است که DIRA1 ناخودآگاه، خدمت بلند مدت تناسب اندام، تولید DIRA2 آگاهانه که اغلب لغو کوتاه مدت خواسته‌های فوری شخصی. عوامل انجام شده در واقع آگاهانه دلایل DIRA2 را ایجاد می‌کنند، اما این افزونه‌های بسیار محدود از ناخودآگاه و یا صرفاً DIRA1 خودکار (علت نهایی).

پس از W، کاملاً روشن است که انتخاب بخشی از اقدامات انعکاسی واقعی فقط S1 ما است و نمی‌تواند بدون تناقض مورد سوال قرار گیرد، زیرا S1 پایه‌ای برای سوال است. شما نمی‌توانید شک شما در حال خواندن این صفحه به عنوان آگاهی خود را از آن است که پایه‌ای برای شک.

به ناچار، تظاهرات معروف W از پی‌فایده از درون‌گرایی و عدم امکان از یک زبان واقعا خصوصی پاپ به طور مکرر ("... درون‌گرایی هرگز نمی‌تواند منجر به یک تعریف... p8). اصول اولیه این استدلال بسیار ساده است-بدون آزمون، هیچ زبان و آزمون فقط می‌تواند عمومی باشد. اگر من رشد به تنهایی در یک جزیره بیابانی با هیچ کتاب و یک روز تصمیم به تماس با چیزهای دور بر روی نارگیل درختان و سپس روز بعد من یک و می‌گویند 'نارگیل' به نظر می‌رسد من در یک زبان را آغاز کرده‌اند. اما فرض کنید که من می‌گویم (از آنجا که هیچ شخص و یا فرهنگ لغت برای تصحیح من وجود دارد) است 'کوکا' و یا حتی 'اپل' و روز بعد چیز دیگری؟ حافظه به شدت جایز الخطا و ما مشکل بزرگ نکه داشتن چیزهای مستقیم حتی با اصلاح ثابت از دیگران و با ورودی پی در پی از رسانه‌ها است. این ممکن است به نظر می‌رسد مانند یک نقطه پی‌اهمیت است، اما آن را به کل مسئله درونی و بیرونی- i.e.، مرکزی است، ما فقط بیانی‌های غیر قابل پیش‌بینی از تجربه ما در مقابل اظهارات واقعی یا نادرست آزمایشی در مورد همه چیز در جهان، از جمله رفتار خود ما. اگرچه W این را با نمونه‌های بسیاری از شروع بیش از 4/3 از یک قرن پیش توضیح داد، آن را به ندرت درک شده است و غیر ممکن است برای رفتن بسیار دور با هر گونه بحث از رفتار مگر اینکه یکی کند. به عنوان budd، hutto، S، W، هرک، DMS، جانستون و دیگران توضیح داده‌اند، هر کسی که فکر می‌کند W تا به یک میل با اسکینر، کواین، dennett، functionalism، و یا هر رفتاری دیگر ترشحات که انکار زندگی درونی ما، نیاز به بازگشت به ابتدای.

'S' فلسفه "ویتگنشتاین در روانشناسی" (1991) یکی از آثار بهتر برای به دست آوردن بینش است، بنابراین من آن را در جزئیات مورد بحث (نگاه کنید به بررسی من برای بیشتر).

در p21 او آغاز می‌شود بحث در مورد گرایش (i.e., توانایی‌های S2 مانند تفکر، دانستن، مؤمن) که به نظر می‌رسد مانند آنها اشاره به حالات ذهنی (i.e., به اتوماتیسم‌ها S1)، یکی دیگر از سردرگمی بزرگ که W برای اولین بار به مجموعه‌ای مستقیم بود. بنابراین، در p28 'خواندن' باید به عنوان یکی دیگر از توانایی‌های dispositional است که یک وضعیت روانی نیست درک شود و هیچ مدت قطعی مانند تفکر، درک، باور و غیره.

چند اعلان (Budd p29-32، استرن، جانستون و مویال-Sharrock استثنا هستند) که W presciently (چند دهه قبل از هرج و مرج و پیچیدگی علم به وجود آمد) پیشنهاد کرد که برخی از پدیده‌های روانی ممکن است در فرآیندهای آشفته در مغز سرچشمه-- که به عنوان مثال، هیچ چیز متناظر با ردیابی حافظه وجود ندارد. او همچنین چند بار پیشنهاد کرد که زنجیره سببی تا پایان، و این می‌تواند به معنای هر دو آن است که فقط امکان پذیر نیست (صرف نظر از دولت علم) به آن را ردیابی هر بیشتر و یا که مفهوم 'علت' متوقف می‌شود قابل اجرا فراتر از یک نقطه خاص (p34). پس از آن، بسیاری از پیشنهادات مشابه بدون هیچ‌گونه ایده که W آنها را با دهه پیش بینی

(در واقع بیش از یک قرن در حال حاضر در چند نمونه ساخته شده است). در p32 "ضد واقعی شرطها" مراجعه کنید دوباره به مانند "ممکن است فکر می کنم باران" که ایالات احتمالی امور (و یا اقدامات بالقوه--شرایط سرل از رضایت) که ممکن است در هرج و مرج بوجود می آیند. این ممکن است مفید باشد به کراوات این را به سرل 3 شکاف از intentionality, که او می باید انتقادی لازم.

Budd یادداشت های مشهور W در p33--"اشتباه این است که می گویند که هر چیزی که به معنی چیزی است که شامل وجود دارد." اگرچه W درست است که هیچ دولت روانی که به منزله معنی، یادداشت S (همانطور که در بالا ذکر شد) وجود دارد که یک راه کلی برای توصیف عمل معنی--"بلندگو معنی... تحمیل شرایط رضایت در شرایط رضایت است که یک عمل و نه یک دولت روانی است. به عنوان Budd یادداشت ها در p35 این را می توان به عنوان بیانیه ای دیگر از استدلال خود را در برابر زبان های خصوصی (تفاسیر شخصی در مقابل افراد به طور عمومی آزمایشی دیده). به همین ترتیب، با قاعده زیر و تفسیر در 41-36-p آنها فقط می توانند به صورت عمومی اعمال شوند-بدون قوانین خصوصی یا تفسیر خصوصی. و باید توجه داشته باشید که بسیاری از (معروف ترین Kripke) از دست قایق در اینجا، توسط ارجاع مکرر W به عمل جامعه را به فکر آن را فقط عمل خودسرانه عمومی است که زمینه های زبان و کنوانسیون های اجتماعی را گمراه. W باعث می شود چند بار روشن است که چنین کنوانسیون تنها ممکن است با توجه به یک روانشناسی ذاتی به اشتراک گذاشته که او اغلب خواستار پس زمینه. Budd به درستی رد این سوء تعبیر چندین بار (به عنوان مثال، p58).

در فصل بعدی Budd او با احساس که در شرایط من (و در روانشناسی مدرن) است S1 و در شرایط 's W واقعی تنها undoubtable و غیر قابل پیش زمینه. نظر او (p47)... که اعتقادات ما در مورد استراحت ما در حال حاضر پس از یک پایه کاملا امن-اسطوره از داده شده است یکی از اشیاء اصلی حمله ویتگنشتاین است... به راحتی می تواند اشتباه گرفته شود. اولاً، او اشتباه جهانی را از تماس با این باورها می سازد، اما بهتر است این کلمه را برای این منظور S2 true یا false رزرو کنید. همانطور که W ساخته شده بسیار روشن است، احساس، خاطرات و اقدامات انعکاسی از S1 هستند بدیهی است و نه موضوع را به باور به معنای معمول، اما بهتر است به نام درک (U1 من). بر خلاف اعتقادات S2 ما (از جمله کسانی که در مورد تجربیات S1 دیگر افراد)، هیچ مکانیزی برای شک وجود ندارد. Budd توضیح می دهد که این به خوبی، به عنوان در p52 جایی که او اشاره دارد که هیچ توجیه ممکن است برای گفتن وجود دارد که یکی از درد است. است که، توجیه به معنی تست و است که ممکن است با S2 به تفکر آگاهانه آهسته، نه S1 انعکاسی سریع پردازش ناخودآگاه. بحث او در مورد 56-52-p بسیار عالی است اما به نظر من، مانند هر کسی که در مورد قوانین، زبان خصوصی و درونی مورد بحث قرار می گیرد، همه چیزهایی که او باید انجام دهد این است که بگویم در S1 هیچ آزمون امکان پذیر نیست و این معنای معروف W است "روند درونی" در نیاز به معیارهای بیرونی است. یعنی، درون گرایی vacuous است.

در پاورقی budd 21 دچار سردرگمی تنها تجربه های سببی از S1 و گرایش استدلال از S2.

نقطه از چند صفحه بعدی در نام برای اشیاء داخلی ' (درد، باورها، افکار و غیره) دوباره است که آنها استفاده از آنها (به معنی) و آن را تعیین شده از این است که به عمل، و یا در شرایط سرل، مشخصات شرایط رضایت، که گفته می شود درست است.

باز هم، بحث Budd از "احساس و علیت" اشتباه است در بیان این که ما ' خود نسبت دادن ' یا ' باور ' در احساس ما و یا ' نگاهی به موضع ' (Dennett) که ما درد و یا دیدن یک اسب، اما در عوض ما هیچ انتخابی نداریم S1 درست است و یک اشتباه یک رخداد نادر و عجیب و غریب و یک نوع کاملاً متفاوت از یک اشتباه در S2 است. و S1 است علی به عنوان مخالف S2، که مربوط به دلایل، و به همین دلیل است که دیدن اسب و یا احساس درد و یا پریدن از راه یک ماشین سرعت به قضاوت و یا اشتباهات نیست. اما او می شود من دوباره راست--"بنابراین عصمت از ascriptions غیر استنباطی درد است سازگار با پایان نامه ای که ascription واقعی از درد باید توسط یک رویداد

فیزیکی در بدن موضوع ایجاد می شود ، که مشابه با درد او تجربه (p67). " من بیانیه زیر را قبول نمی کنم که W این را بر اساس یک یا دو نظر در کل پیکره خود را قبول نمی کند ، از آنجا که در کار بعدی خود را (به ویژه OC) او صرف صدها نفر از صفحات توصیف ماهیت علی خودکار از S1 و چگونه آن را به (علل) که خوردها و سپس خوردها به S1 به علت حرکات عضلانی (از جمله گفتار). حیوانات زنده ماندن تنها به این دلیل که زندگی خود را کاملا توسط پدیده های اطراف آنها که بسیار قابل پیش بینی کارگردانی (سگ ممکن است پرش اما آنها هرگز پرواز).

فصل بعد از دیدن جنبه ها ، توضیح های گسترده W در مورد نحوه تعامل S1 و S2 و زبان ما که در آن چیزی است که ما ممکن است توسط ' دیدن ' معنی مبهم است. به طور کلی ، روشن است که "دیدن به عنوان" یا aspectual دیدن بخشی از اقدامات کند در حال انجام است S2 مغز در حالی که فقط دیدن درست تنها S1 automatisms است ، اما آنها به خوبی یکپارچه شده است که اغلب ممکن است برای توصیف یک وضعیت در راه های مختلف توضیح می دهد که ' s W نظر در p97. او اشاره می کند که W منحصرأ علاقه مند به آنچه که من در جاهای دیگر به نام ' Seeing2 ' یا ' aspectual ' e ، Concepts2-I یا S2 پردازش سفارش بالاتر از تصاویر.

در اینجا ، به عنوان در سراسر این کتاب و در واقع در هر بحث از W یا رفتار ، آن را از ارزش زیادی برای اشاره به ' ویتگنشتاین جانستون ' s: بازاندهی درونی ' (۱۹۹۳) و به خصوص به بحث های خود را از ماهیت نا مشخص از زبان.

در Budd فصل 5 ما دوباره با یک مشغله عمده ای از کار بعدی W معامله--روابط بین S1 و S2. همانطور که من در بررسی های دیگر من اشاره کرد ، چند به طور کامل درک بعد W و فاقد S2 ، S1 چارچوب آن تعجب آور نیست. بنابراین ، بحث budd از دیدن (خودکار S1) در مقابل تجسم (آگاهانه S2 که منوط به اراده) به شدت مانع است. بنابراین ، می توان فهمید که چرا یک شی را تصور کنید در حالی که دیدن آن را به عنوان سلطه از S2 توسط S1 (p110). و در p115 این مسئله آشنا است که هیچ آزمون برای تجربیات درونی من وجود دارد ، بنابراین هر آنچه که من می گویم به ذهن می آید وقتی که من تصور چهره جک به عنوان تصویر از جک. به طور مشابه ، با خواندن و محاسبه که می تواند به S2 ، S1 یا ترکیبی اشاره کند و وسوسه ثابت برای اعمال شرایط S2 به فرآیندهای S1 وجود دارد که در آن کمبود هر آزمون آنها را غیر قابل اجرا می کند. مشاهده Bennet و هکر ' s ' فلسفه عصبی ' ، DMS ، و غیره برای بحث. در p120 et seq Budd اشاره دو مثال معروف W مورد استفاده برای مبارزه با این وسوسه-بازی تنیس بدون توپ (' 1 تنیس ') ، و قبیله ای که تا به حال فقط S2 محاسبه بنابراین ' محاسبه در # او سر (1 محاسبه ') امکان پذیر نیست. "بازی کردن" و "محاسبه" توصیف واقعی و یا پتانسیل اعمال-e. i. ، آنها کلمات منش هستند ، اما با استفاده از بازتابی قابل قبول ، همانطور که من گفته اند که قبل از اینکه واقعا باید آنها را مستقیما با نوشتن "playing1" و "playing2" و غیره نگه دارید. اما ما آموزش داده نشده است برای انجام این کار و بنابراین ما می خواهیم به یا اخراج ' calculating1 ' به عنوان یک فانتزی، یا ما فکر می کنیم ما می توانیم طبیعت خود را مردد تا بعد از ترک. از این رو نظر مشهور (p120) W-"جنبش قاطع در ترفند دورنمای ساخته شده است ، و آن را بسیار بی گناه بود."

فصل 6 توضیح می دهد که یکی دیگر از موضوع مکرر ' s W--که هنگامی که ما صحبت می کنند ، گفتار خود را به فکر ما است و برخی دیگر از روند ذهنی قبلی وجود ندارد و این را به عنوان نسخه دیگری از استدلال زبان خصوصی وجود دارد--هیچ چیز مانند "معیارهای درونی" که ما را قادر به گفتن آنچه که ما قبل از عمل ما فکر (صحبت می کنند

نقطه نظر (p125) ' s W در مورد دیگر راه های قابل تصور برای استفاده از فعل ' قصد ' این است که آنها نمی خواهد همان ' e -i. intend' ، نام یک رویداد بالقوه (PE) و در واقع آن است که مشخص نیست چه آن را به معنی. "من قصد غذا خوردن" تا به COS از خوردن اما اگر آن را به معنای (COS است) خوردن سپس آن را نمی خواهد قصد اما عمل توصیف و اگر آن را به معنای گفت: کلمات (COS گفتار) و سپس آن را هیچ COS بیشتر و چگونه می

تواند آن را در هر دو مورد تابع ؟

به سوال در مورد p127 به عنوان زمانی که یک جمله بیان یک فکر (دارای یک معنی) ، ما می توانیم بگوییم هنگامی که آن را به COS و این بدان معناست که شرایط حقیقت عمومی است. از این رو نقل قول از W m: "وقتی که من به زبان فکر می کنم ،" معانی ' رفتن را از طریق ذهن من علاوه بر عبارات کلای وجود ندارد: زبان خود را وسیله نقلیه اندیشه است. " و اگر من با یا بدون کلمات فکر می کنم ، فکر هر چیزی که من (صادقانه) می گویند آن است که به عنوان هیچ معیار دیگر ممکن است (COS) وجود دارد. بنابراین، از نظر دوست داشتنی ' s W جملات (p132) "آن را در زبان است که مایل و تحقق دیدار با" و "مانند همه چیز متافیزیکی ، هماهنگی بین فکر و واقعیت این است که در دستور زبان یافت می شود."

و ممکن است در اینجا توجه داشته باشید که ' دستور زبان ' در عرض معمولاً می تواند به عنوان ' EP ' و به رغم هشدارهای مکرر خود را در برابر نظریه پردازی و generalizing ترجمه شود ، این است که در مورد به عنوان گسترده ای از خصوصیات فلسفه و نظم بالاتر روانشناسی توصیفی به عنوان یکی می توانید پیدا کنید. باز هم ، این نقد مکرر موثق سرل از W به عنوان ضد نظری--این همه در ماهیت کلیت بستگی دارد.

این کمک می کند تا حد زیادی در این بخش از Budd در هماهنگی فکر با واقعیت (به عنوان مثال ، چگونه می خواهم مانند انتظار ، تفکر ، تصور کار--چه به این معنی است که آنها را مطلق) به آنها را از نظر COS S که PE (حوادث احتمالی) که آنها را درست. اگر من می گویم من انتظار دارم جک به آمده و سپس COS (PE) که باعث می شود آن را درست است که جک می رسد و ایالات من و یا رفتار فیزیکی (قدم زدن در اتاق ، تصور جک) بی ربط هستند. هماهنگی فکر و واقعیت این است که جک می رسد بدون در نظر گرفتن رفتار قبل یا بعد از من و یا هر حالت ذهنی من ممکن است داشته باشد و Budd اشتباه گرفته و یا حداقل گیج کننده زمانی که او می گوید (p132 پایین) که باید وجود داشته باشد توضیحات داخلی از وضعیت روانی است که با واقعیت موافق است و این است که محتوای یک فکر ، همانطور که این شرایط باید به automatisms از S1 محدود و هرگز برای توابع آگاهانه از S2 استفاده می شود. محتوا (به معنی) از فکر که جک خواهد آمد بیرونی (عمومی) رویداد است که او می آید و نه هر رویداد داخلی روانی و یا دولت ، که استدلال زبان خصوصی را نشان می دهد غیر ممکن است برای اتصال به حوادث بیرونی است. در حال حاضر تایید بسیار روشن برای رویداد بیرونی اما هیچ کدام در همه برای ' وقایع درونی ' . و به عنوان W و S به زیبایی نشان داد چند بار ، عمل سخنرانی uttering حکم ' من انتظار می رود جک به آمده ' فقط فکر (حکم) که جک خواهد آمد و COS همان است که جک می آید. و به این ترتیب پاسخ به دو سوال در p133 و واردات از نظر W در p ۱۳۵ در حال حاضر باید شفاف باشد--"در فضیلت آنچه در آن است درست است که انتظار من این است که محتوا ؟" و "آنچه در حال حاضر از فضای توخالی و جامد مربوطه تبدیل شده است ؟" و همچنین " ... الحاق سایه بین جمله و واقعیت از دست می دهد تمام نقطه. در حال حاضر ، جمله خود می تواند به عنوان یک سایه خدمت کند. و به این ترتیب ، آن را نیز باید کاملاً روشن آنچه budd است اشاره به آنچه که آن را "ممکن است برای وجود دارد به هماهنگی مورد نیاز (و یا عدم هماهنگی) با واقعیت".

به همین ترتیب ، با سوال در بخش بعدی--چه چیزی باعث درست است که تصویر من از جک تصویری از او است ؟ تصور یکی دیگر از منش و COS این است که تصویر من در سر من است جک و به همین دلیل من خواهد گفت: "بله" اگر تصویر خود را نشان داده و ' نه ' اگر یکی از شخص دیگری نشان داده شده است. آزمون در اینجا این است که عکس با تصویر مبهم من تا به حال مطابقت ندارد ، اما من آن را در نظر گرفته شده (تا به حال COS) به یک تصویر از او. از این رو نقل قول معروف از W: "اگر خدا به ذهن ما نگاه او را نمی توانست برای دیدن وجود دارد که ما صحبت از (p127 PI) "و نظرات او که کل مشکل از نمایندگی در "که او" و " ... چه می دهد تصویر تفسیر آن مسیر که در آن نهفته است. از این رو جمع وات (p140) که "آنچه که همیشه در پایان می آید این است که بدون هیچ گونه معنی بیشتر ، او خواستار آنچه اتفاق افتاده آرزو که باید اتفاق می افتد ... " سوال این که آیا من می دانم آنچه که من آرزو قبل از آرزوی من برآورده شده است نمی تواند بوجود می آید در همه. و این واقعیت است که برخی از

رویداد متوقف می شود که من قصد ندارد به این معنا نیست که آن را برآورده. شاید من باید راضی نشده است اگر آرزوی من راضی شده بود "... فرض کنید از آن خواسته شد ' آیا می دانم چه مدت من برای قبل از من آن را دریافت کنم؟ اگر من یاد گرفته اند به صحبت، سپس من نمی دانم. کلمات منش مراجعه به PE که من به عنوان انجام COS و حالات ذهنی من قبول، احساسات، تغییر و غیره مورد علاقه هیچ تحمل در راه عملکرد تابع.

به عنوان Budd به درستی یادداشت، من امیدوار هستم، مایل، انتظار، تفکر، قصد، تمایل و غیره. بسته به دولت من خودم را در--در COS که من بیان. تفکر و قصد، از نظر S2 است که تنها می تواند توسط انقباضات عضلانی انعکاسی S1، به ویژه کسانی که از سخنرانی بیان شده است.

W هرگز به عنوان زمان زیادی به احساسات اختصاص داده شده به عنوان او را به دلیل به عنوان ماده کمتر به فصل 7 وجود دارد. او اشاره می کند که به طور معمول جسم و علت همان هستند--i. e. آنها causally خود ارجاعی (و یا causally خود بازتابی به عنوان سرل در حال حاضر ترجیح)--مفهوم بیشتر توسعه یافته توسط S. اگر یکی به نظر می رسد در جدول من، آن است که احساسات روشن بسیار بیشتر مشترک با سریع، درست تنها automatisms از S1 با تفکر آهسته، درست یا نادرست از S2، اما البته خوردها S1 S2 و به نوبه خود s1 automatisms اغلب توسط s2 و s2 "افکار" می تواند تبدیل به (S2A) automatized.

خلاصه budd پایان اتصالات به کتاب (p165) است. "انکار مدل" جسم و تعیین "برای کلمات روانی روزمره-انکار که تصویر از فرایند درونی فراهم می کند یک نمایش صحیح از دستور زبان از جمله، تنها دلیل خصومت برای ویتگنشتاین به استفاده از درون گرایی در فلسفه روانشناسی نیست. اما این پایه و اساس نهایی آن است.

حالا اجازه دهید ما را به یکی دیگر از دوز سرل.

"اما شما می توانید یک سیستم فیزیکی مانند یک ماشین تحریر یا یک مغز را با شناسایی یک الگوی که آن را با شبیه سازی محاسباتی آن سهام، توضیح نمی دهد، زیرا وجود الگوی توضیح نمی دهد که چگونه سیستم در واقع به عنوان یک سیستم فیزیکی کار می کند... در مجموع، این واقعیت است که انتساب نحو شناسایی هیچ قدرت علی بیشتر است کشنده به این ادعا که برنامه های ارائه توضیحات سببی از شناخت... فقط یک مکانیسم فیزیکی وجود دارد، مغز، با مختلف خود را واقعی فیزیکی و فیزیکی/سطح علی روانی توصیف. "فلسفه سرل در قرن جدید (PNC) p101-103

"به طور خلاصه، حس "پردازش اطلاعات" است که در علوم شناختی استفاده می شود در سطح بسیار بالایی از انتزاع به تصرف خود در واقعیت بیولوژیکی بتن از intentionality ذاتی... ما به این تفاوت توسط این واقعیت است که همان جمله ' من یک ماشین که به سمت من، می تواند مورد استفاده قرار گیرد برای ضبط هر دو قصدمندی بصری و خروجی از مدل محاسباتی از چشم انداز کور... در مفهوم "اطلاعات" مورد استفاده در علوم شناختی، آن است که به سادگی نادرست است که می گویند که مغز یک دستگاه پردازش اطلاعات است. "سرل p104-105 PNC

"دولت عمدی نشان دهنده شرایط خود را از رضایت... به اشتباه مردم فرض می کنند که هر نماینده ذهنی باید آگاهانه فکر... اما مفهوم یک نمایندگی که من با استفاده از آن را تابعی و نه مفهوم هستی شناختی است. هر چیزی که دارای شرایط رضایت، که می تواند موفق یا شکست در راه است که از ویژگی های معنایی است، با تعریف یک نمایندگی از شرایط خود را از رضایت... ما می توانیم ساختار پدیده های اجتماعی را با تحلیل شرایط رضایت خود تحلیل کنیم. "سرل جامد p28-32

و یک شات دیگر از ویتگنشتاین.

"فلسفه به سادگی همه چیز را قبل از ما قرار می دهد و نه توضیح می دهد و نه هر چیزی... یکی ممکن است نام را فلسفه ' به آنچه ممکن است قبل از همه اکتشافات جدید و اختراعات. " PI ۱۲۶

"دقیق تر ما به بررسی زبان واقعی ، واضح تر می شود درگیری بین آن و نیاز ما است. (برای خلوص کریستالی منطق ، البته ، نه نتیجه تحقیقات: این یک نیاز بود.) " PI ۱۰۷

"در اینجا ما می آیند تا در برابر یک پدیده قابل توجه و مشخصه در تحقیقات فلسفی: مشکل---من ممکن است بگویم---است که از پیدا کردن راه حل نیست ، بلکه که از شناخت به عنوان چیزی که به نظر می رسد که اگر آن را تنها به عنوان یک اولیه به آن بود. ما در حال حاضر گفت: همه چیز. ---هر چیزی که از این زیر نیست ، هیچ این خود راه حل است! این متصل است ، به اعتقاد من ، با اشتباه ما در انتظار توضیح ، در حالی که راه حل مشکل این است شرح ، اگر ما به آن جای مناسب در ملاحظات ما است. اگر ما بر آن ساکن ، و سعی نکنید به فراتر از آن را دریافت کنید. Zettel p312-314

موضوع اصلی در همه بحث از رفتار انسان است که نیاز به جدا کردن automatisms برنامه ریزی ژنتیکی از اثرات فرهنگ است. همه مطالعه رفتار نظم بالاتر تلاش برای آزار و اذیت از هم جدا نه تنها سریع S1 و آهسته تفکر S2 است (به عنوان مثال ، برداشت و automatisms دیگر در مقابل) ، اما الحاقات منطقی از S2 به فرهنگ است.

کار سرل را به عنوان یک کل فراهم می کند شرح خیره کننده از نظم بالاتر S2 رفتار اجتماعی با توجه به تکامل اخیر ژن برای روانشناسی dispositional ، در حالی که بعد از آن نشان می دهد که چگونه آن را بر اساس واقعی فقط بدیهیات ناخودآگاه از S1 که تکامل به تفکر آگاهانه و غیر عادلانه از S2.

یک چیز به خاطر داشته باشید این است که فلسفه هیچ تاثیر عملی آنچه جز به روشن کردن ابهامات در مورد چگونگی زبان است که در موارد خاص استفاده می شود. مانند تئوری های فیزیکی مختلف ، اما بر خلاف دیگر دیدگاه های کارتونی از زندگی (مذهبی ، سیاسی ، روانی ، جامعه شناسی ، انسان شناسی) ، آن را بیش از حد مغزی و باطنی به بیش از یک حاشیه کوچک درک شده است و آن چنان غیر واقعی است که حتی پروان آن کاملاً آن را در زندگی روزمره خود را نادیده بگیرد. به همین ترتیب ، با دیگر علمی ' نظریه های زندگی ' مانند مدل علوم اجتماعی استاندارد به طور گسترده ای توسط جامعه شناسی به اشتراک گذاشته ، مردم شناسی ، روانشناسی پاپ ، تاریخ و ادبیات. با این حال ، ادیان بزرگ و کوچک ، جنبش های سیاسی ، و گاهی اوقات اقتصاد اغلب تولید و با در آغوش در حال حاضر کارتونی های موجود که چشم پوشی از فیزیک و زیست شناسی (طبیعت انسان) ، متغیرهای نیروهای زمینی یا کیهانی که تقویت خرافات ما (پیش فرض EP) ، و کمک به وضع زیاله به زمین (هدف واقعی از تقریباً هر عمل اجتماعی و موسسه ، که وجود دارد به منظور تسهیل تکرار ژن نکته این است که متوجه شوید که این ها در یک زنجیره با کارتونی های فلسفی هستند و دارای همان منبع (روانشناسی تکامل یافته ما) هستند. همه ما می تواند گفت: برای تولید/جذب دیدگاه های مختلف کارتونی از زندگی که جوان و تنها چند تا کنون رشد از آنها.

همچنین توجه داشته باشید که ، به عنوان W گفت مدتها پیش ، پیشوند "متا" غیر ضروری است و گیج کننده در اکثر (شاید همه) زمینه ، بنابراین برای ' فراشناخت ' هر جای ' شناخت ' یا ' فکر ' ، از فکر کردن در مورد آنچه که ما یا دیگران اعتقاد دارند و یا می دانم که فکر می مانند هر دیگر و ندارد به عنوان "mindreading" (درک از آژانس یا UA در اصطلاحات من) یا دیده نمی شود. در شرایط COS ، S آزمون از آنچه که تصور می شود و آنها یکسان برای ' آن باران ' ، من معتقدم که آن باران ' ، ' من معتقدم که من اعتقاد دارم که آن باران ' و ' او معتقد است که باران ' (به همین ترتیب برای ' می داند ' ، آرزوها ، قضات ، درک ، و غیره) ، یعنی که آن باران. این واقعیت مهم است که در ذهن داشته باشیم در مورد ' فراشناخت ' و ' mindreading ' از (نگرش propositional).

در حال حاضر برای چند عصاره از بررسی من از Carruthers ' (ج) ' کدورت ذهن (۲۰۱۳) است که مملو از ابهامات

کلاسیک لباس تا به عنوان علم. این موضوع از یک سبقت در مغز و علوم رفتاری (BBS) است که نمی شود از دست رفته بود.

یکی از پاسخ در BBS بود Dennett (که سهام بسیاری از توهم C's)، که به نظر می رسد برای پیدا کردن این ایده ها کاملا خوب است، به جز که ج باید استفاده از "من" از بین بردن از آن فرض وجود خود بالاتر (هدف بودن کاهش سخت از S2 به S1). البته، عمل نوشتن، خواندن و تمام زبان و مفاهیم هر چیزی که خود را پیش فرض، آگاهی و خواهد شد (به عنوان S اغلب یادداشت)، بنابراین چنین حساسی خواهد بود فقط یک کارتون از زندگی بدون هیچ گونه ارزش آنچه، که می تواند از بسیاری از فلسفی و بسیاری از "علمی" disquisitions رفتار می گویند. چارچوب W/S به مدت طولانی اشاره کرد که-نقطه نظر اول شخص این است که قابل حذف نیست و یا تقلیل به یک فرد 3rd، اما این هیچ مشکلی برای دیدگاه کارتونی از زندگی است. به همین ترتیب، با شرح عملکرد مغز و یا رفتار به عنوان 'محاسباتی'، 'پردازش اطلاعات' و غیره--همه به خوبی debunked بار بی شماری توسط W/S، خواندن، و هکر و بسیاری دیگر. بدترین از همه مهم اما کاملا نامشخص است "نماینده"، که من فکر می کنم استفاده از S به عنوان یک شرط رضایت (COS) است که تا بحال بهترین. است که، 'نماینده' از 'من فکر می کنم آن باران COS' که آن باران است.

Saddest از همه این است که ج (مانند Dennett و سرل) فکر می کند او یک متخصص در عرض، داشتن او را در اوایل حرفه ای خود را مورد مطالعه و تصمیم گرفت که استدلال زبان خصوصی است که به عنوان "رفتارگرایی" را رد کرد! معروف رفتارگرایی را رد کرد و بسیاری از کار خود را به توصیف چرا از آن نمی تواند به عنوان شرح رفتار خدمت می کنند اختصاص داده شده است. "آیا شما واقعا behaviourist در لباس مبدل؟ آیا شما در پایین نیست واقعا گفت که همه چیز به جز رفتار انسان یک داستان است؟ اگر من از یک داستان صحبت می کنم، سپس آن را از یک داستان دستوری است. (PI p307) و همچنین می توان به رفتارگرایی واقعی در C در فرم computationalist مدرن خود اشاره کرد. W/S اصرار بر indispensability از نقطه‌ها و مشخص از نظر در حالی که ج عذر خواهی به د در مقاله BBS برای استفاده از "من" یا "خود".

Hutto خلیج فارس بین W و Dennett (د) که به C characterize نیز خدمت می کنند نشان داده است، از آنجایی که من را D و C (همراه با چرچلند و بسیاری دیگر) در همان صفحه می شود. S یکی از بسیاری از کسانی که در نوشته های مختلف ساخته شده است و این همه می توانند در مخالفت با C خوانده شود. و اجازه دهید ما به یاد می آورند که میله های W به نمونه هایی از زبان در عمل، و یک بار می شود نقطه ای که او عمدتاً بسیار آسان است به دنبال، در حالی که C توسط 'تئوریزه' گرفتار (به عنوان مثال، زنجیره‌های جملات متعدد با هیچ COS روشن) و به ندرت اذیت با بازی های خاص زبان، ترجیح می دهند آزمایش و مشاهدات که بسیار دشوار است در هر راه قطعی تفسیر (نگاه کنید به پاسخ BBS)، و که در هر صورت هیچ ارتباطی به شرح سطح بالاتری از رفتار (به عنوان مثال، دقیقا چگونه آنها را به جدول Intentionality مناسب). یک کتاب او را به عنوان قطعی ستایش (حافظه و مغز محاسباتی) ارائه مغز به عنوان یک پردازنده اطلاعات محاسباتی--نمایش دقیق و مکرر به طور کامل و بارها نابود شده توسط S و دیگران، از جمله W در سال 1930. در دهه گذشته، من هزاران صفحه را خوانده ام و در مورد W و کاملا روشن است که C دارای یک سرخ نیست. در این او می پیوندد یک خط طولانی از فلاسفه برجسته که خواندن W بود بی ثمر-راسل، کواین، Putnam، Dennett، Kripke، Dummett، چامسکی و غیره (هر چند Putnam شروع به دیدن نور بعد). آنها فقط می توانند پیام را درک که اکثر فلاسفه است جوک ها و صحنه های غیر ممکن است--نمایش کارتونی از زندگی است.

کتاب مانند 'کدورت ذهن' که تلاش برای بل دو علم یا دو سطح از توضیحات واقعا دو کتاب و نه یکی. توضیحات (نه توضیح، به عنوان W روشن) از زبان و رفتار غیر کلامی و سپس آزمایش های روانشناسی شناختی وجود دارد. "وجود روش تجربی باعث می شود ما فکر می کنیم ما به معنای حل مشکلات است که ما مشکل؛ هر چند مشکل و روش تصویب یکدیگر توسط. " (W PI p232), Cet، آل توسط علم شیفته و فقط فرض کنیم که آن را یک پیشرفت

بزرگ به سه شنبه سطح بالاروانشناسی توصیفی به علوم اعصاب و روانشناسی تجربی است، اما W/S و بسیاری دیگر نشان داده اند این یک اشتباه است. دور از ساخت شرح رفتار علمی و روشن، آن را می سازد بی منسجم. و آن را باید به لطف خدا که لاک است، کانت، نیچه، Hume، ویتگنشتاین، سرل و همکاران قادر به دادن چنین حساب به یاد ماندنی رفتار بدون هیچ گونه علم تجربی آنچه. البته، مانند سیاستمداران، فلاسفه به ندرت قبول اشتباهات و یا خفه کردن، بنابراین این خواهد رفت و در به دلایل W کاملا تشخیص داده می شود. خط پایین به آنچه مفید است و آنچه را حس می کند در زندگی روزمره ما است. من پیشنهاد می کنم دیدگاه های فلسفی از Carruthers (CDC، Dennett، چرچلند)، به عنوان مخالف به کسانی که از W/S، مفید نیست و نتیجه گیری نهای خود را که خواهد شد، خود و آگاهی هستند توهم را هیچ حس در همه--e. i.، آنها بی معنی هستند، داشتن هیچ COS روشن است. این که آیا نظرات CDC در علوم شناختی هر گونه ارزش اکتشافی باقی مانده است تعیین می شود.

این کتاب (مانند یک بدن بزرگ از نوشتن دیگر) تلاش می کند به تخفیف های گرم از حیوانات دیگر و برای کاهش رفتار به عملکرد مغز (به جذب روانشناسی به فیزیولوژی). فلسفه یک فاجعه است، اما، ارائه یکی از اولین بار خواننده شده انتقادات بسیاری را در BBS، تفسیر در روانشناسی و فیزیولوژی اخیر ممکن است مورد علاقه. مانند Dennett، چرچلند و بسیاری دیگر اغلب، ج آیا جواهرات واقعی خود را تا زمانی که پایان، زمانی که ما گفته می شود که خود، اراده، آگاهی هستند توهم (ظاهرا در حواس عادی از این کلمات) نشان نمی دهد. Dennett تا به حال توسط S unmasked شود، Hutto و همکاران برای توضیح دور از این "خرافات" (به عنوان مثال، انجام حرکت معمول فلسفی در همه توضیح نمی و در واقع حتی توصیف) اما شکفت آور C آن را اذعان می کند در آغاز، هر چند البته او فکر می کند او نشان دادن ما این کلمات به این معنی نیست که ما فکر میکنیم و استفاده از کارتون خود را

همچنین باید بنت و انتقاد هکر از علوم شناختی در ' مبانی فلسفی علوم اعصاب ' (۲۰۰۳) و بحث خود را با S و Dennett در ' علوم اعصاب و فلسفه ' (۲۰۰۹-و این مقاله نهای توسط دانیل رابینسون را از دست ندهید) را ببینید. همچنین در سه کتاب اخیر هکر در "طبیعت انسان" به خوبی بررسی شده است.

مدت طولانی است که کتاب در فیزیک شیمیایی و شیمی فیزیکی وجود دارد اما هیچ نشانه ای وجود دارد که دو ادغام خواهد شد (و نه آن را یک ایده منسجم) و نه که شیمی بیوشیمی و نه آن را به نوبه خود جذب فیزیولوژی و یا ژنتیک، و نه که زیست شناسی ناپدید خواهد شد و نه که آن را از بین بردن روانشناسی، جامعه شناسی، و غیره. این به دلیل "جوانان" از این رشته ها نیست، بلکه به این واقعیت است که آنها سطوح مختلف از توضیحات با مفاهیم کاملا متفاوت، داده ها و مکانیسم های توضیحی است. اما فیزیک حسادت است powerful و ما فقط نمی تواند مقاومت در برابر ' دقت ' فیزیک، ریاضی، اطلاعات، و محاسبات در مقابل ابهام سطوح بالاتر. آن ' باید ' امکان پذیر است. تقلیل رشد به رغم incomprehensibility مکانیک کوانتومی، عدم قطعیت، موج/ذرات، زنده/مرده گریه ها، درهم تنیدگی کوانتومی، و بی رویه و اتفاقی از ریاضی (Godel/Chaitin--نگاه کنید به بررسی کامل من از Yanofsky 's "محدودیت های بیرونی دلیل" و گزیده ای در اینجا) و کشش غیر قابل مقاومت خود را به ما می گوید آن را به علت به طور باز هم، یک نفس به شدت مورد نیاز هوای تازه از W: "برای خلوص کریستالی منطق، البته، نه نتیجه تحقیقات: این یک نیاز بود." PI p107. سخت است مقاومت در برابر پرتاب کردن بیشتر کتاب در رفتار و بازخوانی و S. فقط پرش از هر چیزی در تلاش برای توضیح ' رفتار نظم بالاتر به عنوان مثال، این نقل قول از PI http://topologicalmedialab.net/xinwei/classes/readings/Wittgenstein/pi_94-138_239-.html.309

برای من روشن است پس از خواندن صفحات ۱۰۰۰ از فلسفه در دهه گذشته است که تلاش برای انجام سطح بالاتر روانشناسی توصیفی از این نوع، که در آن زبان عادی به استفاده های خاص هر دو عمدا و سهوا، اساسا غیر ممکن است (به عنوان مثال، وضعیت طبیعی در فلسفه و دیگر رشته های رفتاری). با استفاده از کلمات اصطلاحات خاص (به عنوان مثال، intensionality، رئالیسم و غیره) کار نمی کند یا نه به عنوان پلیس فلسفه برای به اجرا درآوردن تعریف باریک و استدلال در مورد آنچه که آنها معنی interminable وجود دارد. هکر خوب است، اما

نوشتن او بسیار گرانبها و متراکم آن اغلب دردناک است. سرل بسیار خوب است اما نیاز به برخی از تلاش برای در آغوش اصطلاحات خود را می سازد و برخی از اشتباهات فاحش، در حالی که W دست پایین ترین و روشنگری ترین، هنگامی که شما درک آنچه که او انجام شده است، و هیچ کسی تا به حال قادر به او تقلید. TLP او بیانیه نهایی از نظر تقلیل مکانیکی زندگی را باقی می ماند، اما او بعد از اشتباه خود را دیدیم و تشخیص داده و درمان "بیماری کارتونی"، اما تعداد کمی از نقطه و به سادگی چشم پوشی از او و زیست شناسی و همچنین، و به همین ترتیب ده ها هزار نفر از کتاب ها و میلیون ها مقاله و بسیاری از سازمان های مذهبی و سیاسی (و تا همین اواخر بسیاری از اقتصاد وجود دارد) و تقریباً همه مردم با دیدگاه های کارتونی از زندگی اما جهان یک کارتونی نیست، بنابراین یک تراژدی بزرگ است که به عنوان دیدگاه های کارتونی از زندگی بازی (به عنوان مثال، سوسیالیسم، دموکراسی، چند فرهنگی) برخورد با واقعیت و کوری جهانی و خودخواهی را در مورد سقوط تمدن است.

به نظر می رسد کاملاً آشکار به من (به عنوان آن را به W بود) که دیدگاه مکانیکی از ذهن وجود دارد به همین دلیل به عنوان همه رفتار اساسی--این عملیات به طور پیش فرض از EP ما که به دنبال توضیحات از نظر آنچه که ما عمداً می توانیم از طریق به آرای، به جای در S1 خودکار، که ما بیشتر بی اعتنا باقی می ماند.

با این حال، درست است که بسیاری از رفتار مکانیکی است و توهم پدیدارشناسی است از دسترس بسیار بیشتری نسبت به سرل توصیف می کند. این بیشتر قابل توجه به من در هنگام رانندگی یک ماشین در اتوبان و به طور ناگهانی خوراک به S2 آگاهی از درک به من فقط برای چند دقیقه با آگاهی آگاهانه از رانندگی در همه راننده شده است. در انعکاس، این اتوماتیسم را می توان برای تقریباً تمام رفتار ما، با حداقل نظارت و آگاهی از S2 مشاهده کرد. من نوشتن این صفحه و به "فکر می کنم" (به عنوان مثال، اجازه دهید برخی از زمان عبور) در مورد آنچه می گویند، اما پس از آن فقط جریان را به دست من است که نوع آن و با بزرگ آن را به من تعجب به جز زمانی که من از تغییر یک جمله خاص فکر می کنم. و شما خواندن آن دادن دستورات به بدن خود را به نشستن هنوز و در این بخش از صفحه نگاه کنید، اما کلمات فقط به شما جریان و نوعی از درک و حافظه اتفاق می افتد، اما مگر اینکه شما در یک جمله تمرکز تنها یک حس مبهم از انجام هر کاری وجود دارد. بازیکن فوتبال اجرا می شود پایین میدان و لگد توپ و هزاران نفر از تکانه های عصبی و انقباضات عضلانی به طور مستقیم با حرکات چشم هماهنگ، و بازخورد از اندامهای حس عمقی و تعادل رخ داده است، اما تنها احساس مبهم از کنترل و-آگاهی سطح بالا از نتایج وجود دارد. S2 رئیس پلیس که در دفتر خود نشسته است در حالی که S1 هزاران نفر از افسران انجام کار واقعی با توجه به قوانین است که او بیشتر حتی نمی داند. خواندن، نوشتن و یا فوتبال هستند اختیاری اعمال A2 دیده می شود از بالا، اما متشکل از هزاران نفر از اعمال خودکار A1 دیده می شود از پایین. بسیاری از علوم رفتاری معاصر است که با این automatisms نگران است.

این ایده خوبی است برای خواندن حداقل فصل 6 از PNC سرل است، "توهم پدیدارشناسی" (TPI). روشن است به عنوان کریستال که TPI است به علت obliviousness به automatisms از S1 و به گرفتن تفکر آگاهانه آهسته از S2 نه تنها اولیه بلکه به عنوان همه وجود دارد. این کلاسیک کوری تخته سنگ خالی است. همچنین روشن است که W نشان داد این برخی از ۶۰ سال پیش از آن و به دلیل آن را در تقدم واقعی تنها ناخودآگاه شبکه های خودکار بدیهی از سیستم ذاتی ما 1 است که منبع درونی داد. بسیار تقریباً، با توجه به ویژگی های مستقل ناظر جهان به عنوان S1 یا درونی، و ویژگی های وابسته به آبرور به عنوان S2 یا بیرونی باید ثابت کند که بسیار آشکار است. همانطور که سرل یادداشت ها، شناسان که از هستی شناسی دقیقاً به عقب، اما البته به طوری که تقریباً همه به دلیل پیش فرض از EP خود.

یکی دیگر از کار بسیار عالی بر روی W که سزاوار مطالعه نزدیک است 'ویتگنشتاین جانستون: بازاندیشی درونی' (۱۹۹۳). او اشاره می کند که برخی از شی که اگر گزارش های ما و خاطرات واقعا غیر قابل تصور آنها هیچ ارزش دارند، اما "این اعتراض نتواند کل نقطه استدلال W، برای آن فرض می شود که آنچه در واقع اتفاق افتاده است، و آنچه که فرد می گوید اتفاق افتاده است، دو چیز متمایز است. همانطور که ما را دیده اند، با این حال، دستور زبان از

اظهارات روانی به این معنی است که دومی به منزله معیار برای سابق است. اگر ما را ببینید کسی که با بیان متمرکز بر چهره اش و می خواهید به دانستن 'چه می گذرد، در داخل او'، سپس او sincerely به ما گفتن که او در تلاش است تا به کار کردن پاسخ به جمع پیچیده به ما می گوید دقیقا همان چیزی است که ما میخواهید بدانید. این سوال که آیا، علیرغم صمیمیت او، بیانیه او ممکن است توضیح نادرست از آنچه که او (یا) انجام می دهد وجود ندارد. منبع از سردرگمی در اینجا این است که شکست به رسمیت شناختن که مفاهیم روانی دستور زبان های مختلف از آن از مفاهیم مورد استفاده برای توصیف وقایع بیرونی. چه چیزی باعث درونی به نظری می رسد تا مرموز تلاش غلط برای درک یک مفهوم از نظر دیگری است. در واقع مفهوم خود را از درونی، چه منظور ما وقتی که ما از آنچه که قرار بود در داخل او، به فرآیندهای درونی مرموز مرتبط است، اما به حساب که ارائه می دهد فردی از تجربه خود را در ارتباط است... به عنوان فرآیندها و یا رویدادها، آنچه در داخل فرد می رود از هیچ علاقه، و یا به جای منافع صرفا پزشکی یا علمی است" (p13-14).

"حمله W به مفهوم فرآیندهای داخلی به این معنا نیست که تنها مسائل بیرونی، در مقابل: با آوردن ماهیت واقعی گفتگوها، او این واقعیت را که ما فقط به رفتار علاقه مند نیستیم، تاکید می کند. ما فقط نمی خواهیم بدانند که بدن فرد در چنین و چنین موقعیتی بود و ویژگی های خود را در چنین و چنین راه چیده شده. بلکه ما علاقه مند به حساب خود را از آنچه در پشت این رفتار دراز... (p16-17)

او در تخمگذار استدلال W در عدم امکان از قوانین خصوصی و یا یک زبان خصوصی، او اشاره می کند که "مشکل واقعی با این حال به سادگی که او نتواند به وضع قوانین، اما که در اصل او نمی تواند انجام دهد... نکته این است که بدون روش های عمومی قابل بازرسی، او نمی تواند تشخیص بین پس از حکومت و صرفا فکر او به دنبال حکومت است."

در p55 جانستون باعث می شود که نقطه با توجه به چشم انداز (که چندین بار توسط W و S در این و سایر زمینه ها ساخته شده است) که بحث از بیرونی به طور کامل وابسته به وضوح بسیار خود را در ماهیت unchallengeable از-تجربه اول شخص خود را از درونی است. سیستم 2 شک و تردید در مورد ذهن، اراده، حواس، جهان، می تواند جای پای بدون واقعی تنها یقین از سیستم 1 و یقین است که شما در حال خواندن این کلمات در حال حاضر پایه ای برای قضاوت، نه چیزی است که می تواند خود را در نظر گرفته شود. این اشتباه یکی از اساسی ترین و رایج ترین در تمام فلسفه است.

در p81 او را می سازد نقطه ای که عدم امکان، در مورد عادی، از چک کردن اظهارات خود را در مورد خود را (اغلب اما گیج کننده به نام "نگرش propositional") مانند آنچه شما فکر و یا احساس، دور از نقص روانشناسی ما، دقیقا همان چیزی است که این اظهارات را می دهد. "من خسته هستم" به ما می گوید که چگونه شما به جای دادن به ما یک بیت دیگر از داده ها در مورد بیرونی مانند حرکات آهسته خود و یا سایه زیر چشم خود را به ما می دهد.

جانستون سپس نشانی از یک کار بسیار عالی از توضیح W debunking از این ایده است که به معنی و یا درک (و تمام نیت) تجارب که همراه با گفتار است. به عنوان W اشاره کرد، فقط در نظر گرفتن مورد که در آن شما فکری کنید شما را در درک، و پس از آن پیدا کردن شما نبود، برای دیدن پی ریبطی از هر تجربه درونی به معنی، درک، تفکر، باور، دانستن و غیره. تجربه ای که می شمارد، آگاهی از بازی های زبان عمومی است که ما در آن شرکت می کنیم. ملاحظات مشابه حل مشکل از سرعت رعد و برق از فکر! "مهم این است که به رسمیت شناختن که تفکر یک فرایند و یا جانشینی از تجارب، اما جنبه ای از زندگی موجودات آگاه نیست. چه مربوط به سرعت رعد و برق از اندیشه توانایی فرد برای توضیح در هر نقطه ای که او در حال انجام و یا گفت است. (p86). و به عنوان W می گوید: "یا، اگر یکی خواستار آغاز و پایان جمله آغاز و پایان اندیشه، سپس آن را روشن نیست که آیا باید از تجربه تفکر است که آن را در طول این زمان یکنواخت است و یا اینکه آیا این یک فرایند مانند صحبت کردن خود جمله" (RPP2p237).

باز هم: "حساب افراد از آنچه او فکر کرده است همان دستور زبان به عنوان حساب خود را از آنچه او در نظر گرفته شده و از آنچه او به معنای. آنچه ما علاقه مند در حساب از گذشته او تمایل به دادن و این فرض که او قادر خواهد بود برای دادن یک حساب بخشی از آنچه که در دیدن او را به عنوان آگاهانه درگیر است" (p ۹۱). به این صورت ، تمام این فعل های منش بخشی از روانشناسی و داوطلبانه S2 ما هستند.

در "پپچیدگی درونی" ، او اشاره می کند که مضحک است که بهترین راه برای برقراری ارتباط درونی است برای اشاره به بیرونی اما من می گویند آن است که هر دو طبیعی و غیر قابل اجتناب است. از آنجا که هیچ زبان خصوصی و بدون telepathy وجود دارد ، ما فقط می توانیم عضلات و تا حد زیادی کارآمد ترین و عمیق ترین ارتباط است توسط انقباض عضلات دهان (بیان). به عنوان W نظر در زمینه های مختلف ، آن را در بازی (و یا در حال حاضر در تلویزیون و فیلم) است که ما می بینیم زبان (فکر) در ناب ترین شکل آن است.

از جمله تمایل ادامه تا زمانی که ما را تغییر دهید و یا آنها را فراموش نکنید و در نتیجه عدم وجود یک دوره دقیق و همچنین سطح شدت و محتوای یک تصمیم است و بنابراین یک وضعیت روانی دقیق نیست ، بنابراین در تمام این موارد آنها کاملا متفاوت از ادراکات S1 ، خاطرات و واکنش های انعکاسی مانند احساسات S1 است.

تفاوت بین S1 و S2 (به عنوان من آن را قرار داده-این یک اصطلاحات موجود در J یا W نیست) نیز در عدم تقارن افعال منش دیده می شود ، با استفاده از اولین فرد از ' من اعتقاد دارم که و غیره ، بودن (در مورد طبیعی از گفته صادقانه) درست تنها جملات در مقابل استفاده سوم شخص ' او معتقد است و غیره ، درست و یا مبتنی بر شواهد نادرست است. نمی توان گفت "من معتقدم که باران است و این نیست" اما دیگر زمانهای مانند "من اعتقاد داشتم که باران بود و آن نبود" یا شخص سوم "او معتقد است که باران است و آن را" خوب نیست. به عنوان J می گوید: "مسئله کلی در قلب مشکل در اینجا این است که آیا فرد می تواند او را رعایت کند... کلید روشن کردن این تناقض است که توجه داشته باشید که توصیف افراد از حالت خود را از ذهن نیز به طور غیر مستقیم شرح یک دولت از امور... به عبارت دیگر ، کسی که می گوید او معتقد است P است در نتیجه متعهد به خود را به دفاع از P... به همین دلیل است که فرد نمی تواند باور خود را رعایت کند این است که با اتخاذ یک موضع خنثی و یا مورد نظر نسبت به آن ، او آن را تضعیف می کند. کسی که گفت: "من معتقدم که آن باران است ، اما این است که" در نتیجه تضعیف ادعای خود او. به عنوان یادداشت های W ، می تواند وجود داشته باشد هیچ شخص اول معادل استفاده از شخص سوم از فعل به همین دلیل است که به معنای فعل به دروغ باور به اشتباه یک شخص اول حاضر نشان دهند... دو گزاره مستقل نیست ، برای ' ادعا است که این در حال رفتن در داخل من ادعا می کند: این است که در خارج از من ' (p154-56) "(RPP1 p490). اگرچه نه در نظر توسط W یا J ، این واقعیت است که کودکان هرگز چنین اشتباهاتی را به عنوان "من می خواهم آب نبات اما من اعتقاد ندارم که من آن را می خواهم" و غیره ، نشان می دهد که چنین ساخت و ساز به دستور زبان ما ساخته شده (به ژن های ما) و نه افزودنی های فرهنگی.

او سپس به نظر می رسد در این از نقطه نظر دیگر با استناد به W "چه خواهد بود نقطه نتیجه گیری رسم من از کلمات خود من به رفتار من ، زمانی که در هر صورت من می دانم آنچه که من اعتقاد دارم ؟ و مظهر آنچه که من باور دارم چیست ؟ آیا این دقیقا در این آشکار نیست- که من رفتار من از کلمات من استنباط نیست ؟ این واقعیت است."

(RPP1 p744). راه دیگر برای گفتن این است که S1 است بدیهی است که تنها پایه واقعی برای شناخت ، و به عنوان بستر غیر قابل پیش برای تعیین حقیقت و falsity ، نمی توان intelligibly قضاوت کرد.

او فصل را با نظرات مهم در مورد تنوع در LG (در روانشناسی ما) به پایان می رسد و من پیشنهاد میکنم آن را به دقت بخوانید.

جانستون ادامه بحث در "داخلی/تصویر بیرونی" که بسیاری از آنها در نقل قول خود را از W خلاصه شده است. "درونی از ما پنهان است به این معنی که از ما در یک معنا است که از او پنهان نیست پنهان است. و آن را از صاحب به این معنا که او بیان می دهد به آن پنهان نیست، و ما، تحت شرایط خاص، باور او بیان و وجود دارد، خطا هیچ جایی ندارد. و این عدم تقارن در بازی در جمله بیان شده است که درونی از افراد دیگر پنهان است. (LWPP2 p36). ادامه می یابد: "مشکل این است که درونی پنهان نیست، اما این بازی زیان شامل آن بسیار متفاوت از کسانی است که ما به طور معمول در مورد دانش صحبت می کنیم." و سپس او را به یکی از تم های عمده W در طول زندگی خود وارد — تفاوت بین انسان و ماشین. "اما با یک انسان فرض این است که آن را غیر ممکن است برای به دست آوردن بینش به مکانیسم. بنابراین، عدم تعریف فرض بر این است... من اعتقاد دارم غیر قابل پیش بینی باید یک ویژگی ضروری درونی باشد. به عنوان همچنین تنوع بی پایان از عبارات است. " (RPP2 p645 و LWPP2 p65). باز هم، W پروب تفاوت بین حیوانات و کامپیوتر.

ل اشاره می کند که عدم قطعیت در LG ما نقص نیست، اما به انسانیت ما حیاتی است. دوباره W: "[آنچه مهم است] که شواهد باعث می شود احساس (و به همین ترتیب درونی) صرفاً محتمل است، اما که ما این کار را به عنوان شواهدی برای چیزی مهم، که ما یک قضاوت در مورد این نوع درگیر از شواهد پایه، و به طوری که چنین شواهد دارای اهمیت ویژه ای در زندگی ما ساخته شده است و برجسته توسط یک مفهوم است." (ز p554).

ل می بیند سه جنبه از این عدم قطعیت به عنوان عدم وجود معیارهای ثابت و یا سایه های خوب از معنی، عدم تعیین سفت و سخت از عواقب ناشی از دولت های داخلی و عدم وجود روابط ثابت بین مفاهیم و تجربه ما. W: "نمی توان گفت چه عواقب ضروری قابل مشاهده از حالت داخلی هستند. هنگامی که، برای مثال، او واقعا خوشحال است، چه پس از آن به او انتظار می رود، و چه چیزی نیست؟ البته چنین عواقب مشخصه وجود دارد، اما آنها را نمی توان در راه همان واکنش که مشخص دولت از یک شیء فیزیکی توصیف. (LWPP2 p90). ج "در اینجا دولت درونی او چیزی نیست که ما نمی توانیم بدانیم چون ما می توانیم حجاب بیرونی نفوذ. در عوض هیچ چیز معین به دانستن وجود دارد." (p195).

در فصل آخر، او اشاره می کند که LG ما به احتمال زیاد تغییر نمی کنند بدون در نظر گرفتن پیشرفت علمی. "اگر چه قابل تصور است که مطالعه فعالیت مغز ممکن است به نوبه خود یک پیش بینی قابل اعتماد تر از رفتار انسان، نوع درک درستی از عمل انسان آن را داد نمی خواهد همان است که در بازی زبان در نیات درگیر. هر چه ارزش کشف دانشمند's، آن را نمی توان گفت که نشان داد چه نیات واقعا هستند. (p213).

این indeterminateness منجر به این مفهوم است که ارتباط حالات مغز با به نظر می رسد، بعید است. "مشکل این است که مفهوم یک فکر یک مفهوم بسیار مصنوعی است. چگونه بسیاری از افکار وجود دارد در Tractatus? و هنگامی که ایده اولیه برای آن زده W، این بود که یک فکر و یا بثورات از آنها؟ مفهوم نیات ایجاد مشکلات مشابه... این اظهارات پس از آن همه می تواند به عنوان amplifications و یا توضیحات از فکر اصلی دیده میشود، اما چگونه ما را به فرض این مربوط به حالت مغز؟ آیا ما به تصور که آن را بیش از حد خواهد شد پاسخ به هر سوال ممکن است در مورد فکر می کنم؟.. ما مجبور به اجازه می دهد که دو افکار قابل توجهی متفاوت با همان حالت مغز در ارتباط... کلمات ممکن است در یک حس قابل تعویض و در یکی دیگر از حس نمی شود. این باعث ایجاد مشکلات برای تلاش برای ارتباط ایالات مغز و افکار... دو افکار ممکن است در یک معنا و متفاوت در دیگری... بنابراین مفهوم یک فکر یک شکننده و مصنوعی است و به همین دلیل آن سخت است برای دیدن آنچه که احساس می تواند به صحبت از یک به یک ارتباط با ایالات مغز. (p218-219). است که، همان فکر (COS) "باران" بیان تعداد بی نهایت از ایالات مغز در یک یا بسیاری از مردم است. به همین ترتیب، "همان" دولت مغز ممکن است افکار مختلف (COS) در زمینه های مختلف بیان کنید.

به همین ترتیب، W را انکار می کند که حافظه شامل اثری در سیستم عصبی. "در اینجا ردیابی فرض شده است مانند ساعت درونی، برای ما بیشتر استنباط چه اتفاقی افتاد از ردیابی از ما مشورت یک ساعت درونی به حدس زدن زمان است." او سپس به عنوان مثال از (RPP1 p908) W از یک مرد علامت وعده‌ی در حالی که او می خواند و کسی که نمی تواند متن را بدون علامت تکرار اما آنها به متن توسط قوانین مربوط نیست... "متن را نمی توان در jottings ذخیره می شود. و چرا باید آن را در سیستم عصبی ما ذخیره می شود؟" و همچنین... "هیچ چیز به نظر می رسد قابل قبول تر به من از آن مردم روزی خواهد آمد به نظر قطعی است که هیچ کپی در هر دو فیزیولوژیکی و یا سیستم عصبی که مربوط به یک اندیشه خاص و یا یک ایده خاص از حافظه وجود دارد" (LWPP1 p504). این به این معنی است که می توان با تنظیم روان شناختی که هیچ قطب های فیزیولوژیکی متناظر؛ و به عنوان W پوشد می افزایش: اگر این ناراحتی مفاهیم ما را از علیت، سپس آن را به زمان بالا آنها ناراحت شد. (RPP1 p905)... 'چرا باید اولیه و ایالات ترمینال از یک سیستم توسط یک قانون طبیعی است که دولت واسطه را پوشش نمی دهد متصل نمی شود؟ (RPP1 p909)... [این احتمال وجود دارد که] هیچ فرآیندی در مغز در ارتباط با همبستگی و یا با تفکر وجود دارد، به طوری که این امر می تواند غیر ممکن به خواندن کردن فرآیندهای فکری از فرآیندهای مغز... چرا باید این دستور، پس به صحبت می کنند، از هرج و مرج ادامه نیست؟ ... همانطور که بود، causelessly؛ و هیچ دلیلی وجود ندارد که چرا این باید واقعا برای افکار ما را نگه دارید، و از این رو برای صحبت کردن و نوشتن ما. (RPP1 p903)... اما باید یک توضیح فیزیولوژیکی در اینجا وجود داشته باشد؟ چرا ما فقط به تنهایی توضیح را ترک نمی کنیم؟ -اما شما هرگز مثل این صحبت اگر شما بررسی رفتار یک ماشین! --خوب که می گوید که موجود زنده، بدن حیوانات، یک ماشین به این معنا است؟ (21--22 p) (RPP1 p918).

البته، می توان این نظر را اشکال مختلف، اما یکی از راه های این است که W پیش بینی ظهور نظریه هرج و مرج، تجسم ذهن و خود-سازمان در زیست شناسی است. از آنجا که عدم قطعیت، هرج و مرج و غیر قابل پیش بینی هستند دگترین استاندارد در حال حاضر، از زیراتمی به مقیاس مولکولی، و در پویایی های سیاره ای (آب و هوا و غیره)، و کیهان شناسی، چرا باید به مغز یک استثنا؟ تنها نظرات دقیق در مورد این اظهارات من را دیده اند، در یک مقاله اخیر توسط Daniele مویال-Sharrock (DMS).

این کاملا قابل توجه است که اگر چه مشاهدات W برای همه مطالعه رفتار اساسی هستند-زیان شناسی، فلسفه، روانشناسی، تاریخ، مردم شناسی، سیاست، جامعه شناسی و هنر، و او حتی در بسیاری از کتاب ها و مقالات ذکر نشده است، حتی استثنائات داشتن کمی می گویند، و بسیاری از آنها اشتباه و یا صاف. است تپش منافع اخیر وجود دارد، حداقل در فلسفه، و احتمالا این وضعیت مضحک تغییر خواهد کرد، اما احتمالا نه چندان.

بحث از تفاوت منطقی (روانی) بین علل S1 و دلایل S2 در فصل 7 از کتاب اخیر هکر 'طبیعت انسان' (2011)، به خصوص 32-226p، برای هر دانش آموز از رفتار حیاتی است. این یک توهم تقریبا جهانی است که "علت" یک اصطلاح دقیق منطقی است در حالی که "دلیل" است، اما W در معرض این چند بار است. البته، همین موضوع ناشی از همه مفهوم علمی و ریاضی S. و البته، باید به طور مداوم در ذهن داشته باشیم که "عمل"، 'وضعیت'، 'رضایت'، 'قصد'، و حتی 'و'، 'یا'، 'قبل'، 'درست' و غیره. همه بازی های پیچیده زبان قادر به سفر ما را به عنوان W تا به زیبایی در BBB در اوایل 30 s توصیف شده است.

سرل بسیاری از اظهارات جالب در یکی از کتاب های اخیر خود 'فکر کردن در مورد دنیای واقعی' (2013) (TARW)، و من به نظر می رسد تنها بررسی نوشته شده است، بنابراین من آن را در جزئیات در اینجا مورد بحث.

در p21 از TARW ما دوباره به آنچه که من به عنوان نقص قابل توجه در کار S و یکی است که باید برطرف مدتها پیش به عنوان او فقط خواندن W بعد و مفسران خود را با دقت بیشتری اجرا شود. او اشاره به اراده آزاد به عنوان یک "فرض" که ما ممکن است مجبور به رها کردن! این است که شفاف از W که خواهد شد، خود، جهان، و تمام پدیده های زندگی ما اساس برای قضاوت-سنگ بستر بدیهی از رفتار ما است و هیچ امکان قضاوت آنها وجود دارد.

آیا ما می‌توانیم "فرض" ما باید دو دست و یا در سطح زمین زندگی می‌کنند و یا که مدونا خواننده و غیره است؟ شاید این اشتباه بزرگ با ترکیب خود را از درست تنها S1 و گزاره ای S2 که من اشاره کرده اند متصل شده است. شگفت انگیز است که او می‌تواند تقریباً همه چیز را حق و در این تلو خوردن در این!

در p22 و در جای دیگر او با استفاده از مفهوم معنایی ناخودآگاه، که او برای اولین بار در مقاله ۱۹۹۱ خود را در فیل مورد بحث است. مسائل، اشاره کرد که این نوع از چیزهایی که می‌تواند تبدیل به آگاه (به عنوان مثال، رویاها). W بود من فکر می‌کنم برای اولین بار به نظر در مورد این اشاره کرد که اگر شما می‌توانید از افکار ناخودآگاه صحبت نمی‌کنید شما می‌توانید از آنهايي که آگاهانه صحبت نمی‌کند یا (BBB). در اینجا و در طول کار خود را از آن است که unfortun که او از مفاهیم S1/S2 استفاده نمی‌کند آن را به عنوان آن را بسیار آسان تر برای نگه داشتن چیزهای مستقیم و او هنوز هم می‌باید آن را لازم به افراط در اصطلاحات بسیار سازمان ملل متحد Wittgensteinian. به عنوان مثال، "هنگامی که شما manipulable ساختارهای مختلط عناصر، شما می‌توانید از دلایل فوری خود را در شکل ادراکات و خاطرات، در راه است که آن را امکان پذیر نیست به دستهای از unsyntactically ساختار نمایندگی عناصر را جدا کنید." (p31) فقط می‌گوید که با زبان آمد قصدمندی از S2، که در آن اندیشه آگاهانه و عقل (به عنوان مثال، اقدامات بالقوه عمومی در زبان expressible) امکان پذیر شد.

با توجه به دلایل و خواسته (p39) در جاهای دیگر اینجا ببینید و بررسی من از آثار دیگر او.

S ادامه اشاره به به عنوان حالات ذهنی، r خود eference را به حالات ذهنی به عنوان بازنمایی (در واقع ' سخنرانها' در اینجا) با COS، است (به نظر من) معکوس. در p25 به عنوان مثال، به نظر می‌رسد او می‌خواهد گفت که سبب می‌بینیم COS CSR است--Causally خود بازتابی--یعنی، علت ساخته شده است در ادراک از سبب و خارش ناخودآگاه انعکاسی از خارش است همان وضعیت (به عنوان مثال، COS) به عنوان جنبش برنامه ریزی عمدی از بازو. بنابراین، حالات ذهنی S1 با اقدامات S2 به عنوان COS گنجانده شده است. اگر چه من قبول بسیاری از هستی‌شناسی S و شناخت من استفاده از این را نمی‌بینم، اما من بزرگترین احترام به او، بنابراین من بر روی آن کار خواهد کرد. من توجه خود را (عادی برای دیگران اما نقص در سرل اشاره) به مخلوط S1 و S2 که او در p29 که در آن او به نظر می‌رسد با اشاره به اعتقادات به عنوان حالات روانی. به نظر من کاملاً اساسی و روشن از BBB W در 30 است که S2 ایالات روانی در هر چیزی مانند حس S1 نیست. ما همیشه باید تفاوت بین بازی‌های زبان S1 و S2 را روشن کنیم و بنابراین اگر او اصرار دارد که از بازی اعتقاد به S1 استفاده کند، پس از آن بسیار واضح تر است که ما به B1 و B2 مراجعه کنیم که در آن b2 کلمه "باور" است که در اشاره به اعمال زبانی عمومی سیستم 2 استفاده می‌شود.

شروع پاراگراف "چون" در p25 است بحث در مورد واقعی فقط ناخودآگاه، خاطرات و اقدامات انعکاسی از S1-i. e، ما توابع به صورت خودکار از روانشناسی تکامل یافته ما (EP). همانطور که اشاره شد، می‌توان خواندن Hutto و کتاب 'Myin Radicalizing Enactivism: ذهن اساسی بدون محتوا' (۲۰۱۲) و عاقبت خود را برای حساب‌های اخیر بسیار متفاوت از nonrepresentational و یا از طبیعت S1 enactivism.

جدول از قصدمندی در p26 به روز رسانی یکی از او برای چندین دهه استفاده می‌شود و که من به عنوان پایه ای برای جدول طولانی من بالا استفاده می‌شود.

نزدیک به نیم قرن پیش نوشت: "چگونه به استخراج باید از" است که پیشرفت انقلابی در درک ما از رفتار بود (هر چند کمتر پس اگر یکی درک W). او همچنان به توسعه توصیف طبیعی رفتار و بر p39 او نشان می‌دهد که چگونه اخلاق در رفتار اجتماعی و زبان ذاتی ما سرچشمه می‌گیرد. یک مفهوم اساسی به دلایل مستقل تمایل برای عمل (dira)، است که در کتاب‌های مختلف خود توضیح داده شده است. برای رؤس مطالب را ببینید بررسی من از خود جامد و با آثار دیگر. او تمایل به استفاده از دلایل پروات S2 (به عنوان مثال، روانشناسی و فرهنگ dispositional) به

تجزیه و تحلیل خود را به فریم ، اما با تمام رفتار من آن را به عنوان سطحی ، مگر اینکه شامل علل نهایی در S1 و بنابراین من DIRA خود را به DIRA1 و DIRA2 شکستن. این را قادر می سازد توضیحات از نظر مکانیسم ناخودآگاه از نوع دوستی متقابل و تناسب اندام فراگیر. بنابراین، من می خواهم حکم آخر در p39 restate " ... مردم خواسته می شود تمایلات طبیعی خود را با ایجاد ملاحظات اخلاقی غالب "به عنوان" نادیده بگیرد... مردم مجبور به نادیده گرفتن منافع شخصی فوری خود را برای حفاظت از منافع ژنتیکی بلند مدت از طریق نوع دوستی متقابل و تناسب اندام فراگیر.

S ' s obliviousness (که او با بسیاری از فلاسفه سهام) به سیستم های دو چارچوب مدرن، و به پیامدهای کامل W ' s "رادیكال" معرفت شناسی به عنوان به طور چشمگیری در آخرین کار خود را در یقین اظهار داشت ، مایه تاسف است (همانطور که من در بسیاری از بررسی اشاره کرد). W بود که اولین و بهترین کار توصیف دو سیستم بود (هر چند هیچ چیز دیگری متوجه شده است) و OC نشان دهنده یک رویداد مهم در تاریخ فکری است. نه تنها غافل از این واقعیت است که چارچوب خود را ادامه سر راست W است ، اما هر چیز دیگری است بیش از حد ، که حساب برای عدم وجود هر مرجع قابل توجهی به عرض در این کتاب. به عنوان معمول نیز اشاره بدون آشنایی آشکار با EP ، که می تواند تمام بحث های رفتار با ارائه واقعی تکاملی نهایی و توضیحات بیولوژیکی به جای آنهایی که سطحی فرهنگی در روشنگری.

بنابراین ، بحث s از دوره برای توصیف احساس (' تجربیات ') در p202 است به نظر من بسیار واضح تر اگر یکی متوجه می شود که دیدن درد قرمز یا احساس به صورت خودکار درست تنها S1 ، اما به محض این که ما به آن شرکت آگاهانه (حدود 500 msec یا بیشتر) آن را می شود ' دیدن به عنوان ' و یک گزاره ای (درست یا غلط) S2 تابع است که به صورت عمومی در زبان (و دیگر انقباضات عضلانی بدن نیز بیان). بنابراین، تجربه S1 ' است که با قرمز و با درد در مقابل تجربه S2 ' از قرمز یا درد ، هنگامی که ما شروع به منعکس کننده بر روی آن ، به طور معمول با هم مخلوط را به یک ' تجربه '. برای من تا حد زیادی بهترین مکان برای به دست آوردن درک درستی از این مسائل است تا در نوشته ها در عرض شروع با BBB و پایان دادن به OC. هیچ چیز دیگری تا به حال توصیف پیچیدگی های بازی های زبان با چنین وضوح. یکی باید به طور مداوم در ذهن داشته باشیم ابهام و معانی متعدد از ' اشتباه ' ، ' درست ' ، ' تجربه ' ، ' درک ' ، ' می دانم ' ، ' دیدن ' ، ' همان ' و غیره ، اما تنها W قادر به انجام آن-حتی S stumbles اغلب. و این یک مسئله بی اهمیت نیست-مگر اینکه یکی به وضوح می تواند تمام p202 جدا کردن واقعی فقط غیر judgeable S1 از گزاره ای S2 پس از آن هیچ چیز در مورد رفتار را می توان بدون سردرگمی گفت. و البته ، اغلب (به عنوان مثال ، به طور معمول) کلمات بدون معنی روشن استفاده می شود--باید مشخص کنید که چگونه "درست" یا "شرح زیر را از ' یا ' را مشاهده کنید این است که در این زمینه مورد استفاده قرار گیرد و W تنها کسی است که من می دانم که به طور مداوم می شود این حق است.

باز هم ، در p203-206 ، بحث از ذاتا عمدیه طور خودکار به دلیل روش های itionality تنها حس می کند به من چون من به آن نگاه به عنوان تنها راه دیگری برای توصیف ایالات S1 ، که ارائه مواد اولیه برای آگاهانه عمدی S2 dispositional که از نقطه نظر تکاملی بیولوژیکی (و چه دیگری می تواند وجود داشته باشد ؟) باید مورد. بنابراین ، نظر خود را در p212 حق در پول--توضیح نهایی (و یا به عنوان W اصرار دارد توضیحات) تنها می تواند یک تابعیت است که توصیف چگونه ذهن ، اراده ، کار خود و قصد و نمی تواند به طور معنی داری از بین بردن آنها را به عنوان پدیده واقعی است. به یاد بیاورید S مشهور بررسی آگاهی ' s Dennett ' ' با عنوان "آگاهی توضیح داد دور". و این باعث می شود آن را تمام عجیب و غریب تر که S باید به طور مکرر دولت است که ما نمی دانیم که برای مطمئن اگر ما اراده آزاد و که ما باید به "postulate" خود (p218-219).

همچنین ، من یک بار دیگر فکر می کنم S است در مسیر اشتباه (p214) زمانی که او نشان می دهد که ابهامات ناشی از اشتباهات تاریخی در فلسفه مانند دولیبرالیسم ، آرمان گرایی ، ماده گرایی ، epi پدیده گرایی و غیره ، به جای حساسیت جهانی به پیش فرض روانشناسی ما--توهم پدیدارشناسی ' (tpi) به عنوان او آن را نامیده ، و

bewitchment با زبان به عنوان زیبایی توسط W توصیف کرد. همانطور که او یادداشت، "فرآیندهای نورویبولوژیکی و پدیده های روانی همان رویداد هستند، در سطوح مختلف توضیح داده شده" و "چگونه می تواند نیت آگاهانه باعث جنبش بدن؟ ... چگونه می توان چکش حرکت ناخن در فضیلت بودن جامد؟ ... اگر شما تجزیه و تحلیل آنچه استحکام است causally... اگر شما تجزیه و تحلیل آنچه قصد در عمل است causally، شما می بینید آنالوگ هیچ مشکل فلسفی سمت چپ بیش از وجود دارد.

من می خواهم نظر خود را ترجمه (p220) "سخنران می تواند بیان برای اشاره تنها در صورتی که در سخن گفتن از عبارات اشاره سخنران معرفی یک بیماری است که جسم اشاره به ارضا. و مرجع است به موجب رضایت از این وضعیت به دست آورد. "به عنوان" به معنای با بیان یک وضعیت قابل اثبات عمومی رضایت (وضعیت حقیقت) به دست آورد. "من فکر می کنم آن باران است" درست است اگر باران و false در غیر این صورت. همچنین، من می خواهم دولت "قلب استدلال من این است که شیوه های زبانی ما، به طور معمول درک، پیش فرض یک واقعیت است که به طور مستقل از بازنمایی ما وجود دارد." (p223) به عنوان "زندگی ما جهان را نشان می دهد که به وجود ما بستگی ندارد و نمی تواند به چالش intelligibly".

زمان برای برخی از نقل قول های بیشتر و بحث در مورد کتاب اخیر خود را از فلسفه دوباره چاپ در یک قرن جدید ' (۲۰۰۸) و به جای دیگر من برخی از نظرات به جای آنها را در زمینه های مختلف تکرار.

"آیا می توانم یک ماشین فرایند باعث یک فرایند فکر؟ پاسخ این است: بله. در واقع، تنها یک فرایند ماشین می تواند یک فرایند فکر شود، و محاسبات 'نشانی از یک فرایند ماشین نام نیست؛ نام یک فرایند است که می تواند، و به طور معمول است، اجرا بر روی یک ماشین است. سرل PNC p73

"... خصوصیات یک فرایند به عنوان محاسباتی است که از خصوصیات یک سیستم فیزیکی از خارج؛ و شناسایی فرایند به عنوان محاسباتی یک ویژگی ذاتی فیزیکی را شناسایی نمی کند، اساسا یک خصوصیات نسبی ناظر است. سرل PNC p95

"بحث اتاق چینی نشان داد که معناشناسی به نحو ذاتی نیست. من در حال حاضر ساخت نقطه جداگانه و متفاوت است که نحو به فیزیک ذاتی نیست. سرل PNC p94

"تلاش برای از بین بردن مغالطه از طریق تجزیه بازگشتی با شکست مواجه، چرا که تنها راه برای بدست آوردن نحو ذاتی به فیزیک است برای قرار دادن یک آدمک در فیزیک است." سرل PNC p97

"اما شما می توانید یک سیستم فیزیکی مانند یک ماشین تحریر یا یک مغز را با شناسایی یک الگوی که آن را با شبیه سازی محاسباتی آن سهام، توضیح نمی دهد، زیرا وجود الگوی توضیح نمی دهد که چگونه سیستم در واقع به عنوان یک سیستم فیزیکی کار می کند. ... در مجموع، این واقعیت است که انتساب نحو شناسایی هیچ قدرت علی بیشتر است کشنده به این ادعا که برنامه های ارائه توضیحات سببی از شناخت... فقط یک مکانیسم فیزیکی وجود دارد، مغز، با مختلف خود را واقعی فیزیکی و فیزیکی/سطح علی روانی توصیف." سرل PNC p101-103

"به طور خلاصه، حس "پردازش اطلاعات" است که در علوم شناختی استفاده می شود در سطح بسیار بالایی از انتزاع به تصرف خود در واقعیت بیولوژیکی بتن از intentionality ذاتی... ما به این تفاوت توسط این واقعیت است که همان جمله 'من یک ماشین که به سمت من، می تواند مورد استفاده قرار گیرد برای ضبط هر دو قصدمندی بصری و خروجی از مدل محاسباتی از چشم انداز کور... در مفهوم "اطلاعات" مورد استفاده در علوم شناختی، آن است که به سادگی نادرست است که می گویند که مغز یک دستگاه پردازش اطلاعات است." سرل PNC p104-105

"می تواند دلایل عملی که الزام آور در یک عامل منطقی فقط در فضیلت ماهیت این واقعیت گزارش شده در بیانیه دلیل وجود دارد، و به طور مستقل از خواسته های عامل، ارزش، نگرش و ارزیابی؟ ... پارادوکس واقعی بحث سنتی این است که آن تلاش می کند تا در برخواهد داشت گیوتین، تمایز ارزش حقیقت سخت، در واژگان، استفاده از که در حال حاضر پیش فرض falsity از تمایز است. سرل PNC p165-171

"... تمام عملکردهای وضعیت و از این رو همه واقعیت های نهادی، به غیر از زبان، توسط اعمال گفتاری که فرم منطقی اعلامیه ها را دارند، ایجاد می شوند... اشکال عملکرد وضعیت در سوال تقریباً همواره از قدرت های deontic... برای تشخیص چیزی به عنوان یک حق، وظیفه، تعهد، نیاز و غیره این است که به رسمیت شناختن یک دلیل برای اقدام... این ساختارهای deontic را به دلایل احتمالی تمایل مستقل برای عمل... نکته کلی این است که بسیار روشن است: ایجاد زمینه عمومی دلایل تمایل مبتنی بر پذیرش یک سیستم از دلایل مستقل میل برای اقدام. سرل PNC p34-49

"برخی از مهم ترین ویژگی های منطقی از معنایی فراتر از رسیدن به پدیدارشناسی به دلیل آنها هیچ واقعیت پدیدار شناسی فوری... از آنجا که ایجاد معناجویی از meaninglessness است آگاهانه تجربه نیست... آن وجود ندارد... این است... توهم پدیدارشناسی." سرل PNC p115-117

"آگاهی است causally تقلیل به فرآیندهای مغز... و آگاهی هیچ قدرت علی خود را علاوه بر قدرت های سببی از نورویبولوژی زمینه ای... اما علی reducibility به هستی شناختی reducibility منجر نمی شود... آگاهی تنها به عنوان تجربه وجود دارد... و بنابراین نمی توان آن را به چیزی که دارای هستی شناسی سوم شخص، چیزی است که به طور مستقل از تجارب وجود دارد کاهش می یابد. سرل PNC 155-6

"... رابطه عمدی اصلی بین ذهن و جهان با شرایط رضایت انجام می شود. و یک گزاره هر چیزی است که می تواند در رابطه عمدی به جهان ایستاده است، و از آنجایی که کسانی که روابط عمدی همیشه تعیین شرایط رضایت، و یک گزاره به عنوان هر چیزی کافی برای تعیین شرایط رضایت تعریف شده، آن را به نظر می رسد که تمام معنایی است یک ماده از گزاره. سرل PNC p193

هر چند S می گویند و به نظر می رسد تا حد زیادی بی اطلاع، بخش عمده ای از کار خود را به طور مستقیم به دنبال از آن W، حتی اگر او اغلب او را انتقاد. می گویند که سرل در کار W انجام شده است می گویند که این یک نتیجه مستقیم از مطالعه W است، اما نه به این دلیل است که تنها یک روانشناسی انسان وجود دارد (به همین دلیل تنها یک قلب و عروق انسان وجود دارد)، که هر کسی با دقت توصیف رفتار باید ابراز برخی از نوع و یا فرمت از آنچه W گفت (به عنوان آنها باید در صورتی که هر دو دادن توصیف من بیشتر از S foreshadowed in W، از جمله نسخه های معروف در اتاق بحث چینی در برابر AI قوی و مسائل مرتبط است که افراد از چترایان 3-5. اتفاقاً، اگر به نفع اتاق چینی شما پس از آن شما باید به عنوان خوانده شده ویکتور Rodych عالی، اما عملاً ناشناخته، مکمل بر روی CR--"سرل آزاد از هر نقص". Rodych نیز نوشته شده است یک سری از مقالات فوق العاده در فلسفه W 's ریاضیات--یعنی، EP، (روانشناسی تکاملی) از سیستم بدهی 1 توانایی شمارش تا 3، به عنوان گسترش به سیستم بی پایان 2 SLG (بازی های زبان ثانویه) از ریاضی.

بینش W را به روانشناسی ریاضی ارائه یک ورودی عالی به intentionality. من همچنین توجه داشته باشید که هیچ کسی که به ترویج هوش مصنوعی قوی، نسخه های همه جانبه افراد از رفتارگرایی، functionalism کامپیوتر، CTM (نظریه محاسباتی از ذهن) و تئوری سیستم های پویا (DST)، به نظر می رسد آگاه باشید که Tractatus W را می توان به عنوان بیانیه ای قابل توجه ترین و قدرتمند از نظر خود را همیشه (به عنوان مثال، رفتار (تفکر) به عنوان پردازش منطقی از حقایق مشاهده--یعنی، پردازش اطلاعات). البته، بعد (اما قبل از اینکه کامپیوتر دیجیتال یک سوسو در چشم تورینگ بود) W شرح داده شده در جزئیات بزرگ که چرا این توصیف غیر منسجم از ذهن

(تفکر، رفتار) است که باید توسط روانشناسی جایگزین (یا شما می توانید بگویید این است که همه او برای بقیه عمر خود را). S با این حال باعث می شود کمی اشاره به بیانیه ای از ذهن را به عنوان مکانیزم، و تخریب خود را در کار بعدی خود را.

از آنجا که S، W تبدیل شده است به ساخت و پایه های اصلی این دیدگاه های مکانیکی رفتار، و شاید مهم ترین روانشناس توصیفی (فیلسوف)، اما نمی فهمید که چگونه به طور کامل W او را پیش بینی و نه، و بزرگ، انجام دیگران (اما دیدن بسیاری از مقالات و کتاب از Proudfoot و Copeland در عرض، تورینگ و هوش مصنوعی). کار S است بسیار آسان تر به دنبال از S' W، و هر چند برخی از اصطلاحات وجود دارد، آن است که عمدتاً چشمگیری روشن اگر شما آن را از مسیر درست رویکرد. مقالات من برای جزئیات بیشتر را مشاهده کنید.

مانند W، سرل به عنوان بهترین فیلسوف standup از زمان خود در نظر گرفته و کار نوشته شده خود را به عنوان یک سنگ و پیشگامانه در سراسر جامد است. با این حال، شکست خود را به عرض بعد به طور جدی به اندازه کافی منجر به برخی از اشتباهات و ابهامات. در p7 از PNC او دو بار اشاره می کند که یقین ما در مورد حقایق اساسی است با توجه به وزن قریب به دلیل از دلیل حمایت از ادعاهای ما، اما به عنوان Coliva, DMS و همکاران اشاره کرده اند، W قطعی در "در یقین" نشان داد که هیچ امکان وجود دارد شک واقعی تنها ساختار بدیهی از سیستم ما 1 برداشت، خاطرات و افکار، از آنجا که اساس برای قضاوت است و نمی تواند خود را در نظر گرفته شود. در اولین جمله در p8 او به ما می گوید که یقین است تجدید حیات است، اما این نوع از "یقین"، که ما ممکن است تماس بگیرد Certainty2، نتیجه گسترش بدیهی و غیر قابل اطمینان ما یقین (Certainty1) از طریق تجربه است و کاملاً متفاوت است آن را به عنوان گزاره ای (درست یا غلط). این البته یک مثال کلاسیک از "نبرد علیه bewitchment از هوش ما را با زبان" که W بارها و بارها نشان داد. یک کلمه--(یا بسیاری از) استفاده مجزا.

در p10 او عذاب W برای antipathy خود را به نظریه پردازی اما همانطور که در بالا اشاره شد، 'نظریه بازی زبان دیگری (LG) است و خلیج گسترده ای بین یک توصیف کلی از رفتار با چند به خوبی کار می کرد از نمونه ها و یکی که ظهور از تعداد زیادی از چنین است که به بسیاری از به عنوان مثال مخالف نیست. تکامل در روزهای اولیه آن یک نظریه با نمونه های روشن محدود بود اما به زودی فقط خلاصه ای از یک بدن گسترده ای از نمونه ها و یک نظریه در یک حس کاملاً متفاوت شد. به همین ترتیب، با یک نظریه ممکن است به عنوان خلاصه ای از هزار صفحه از نمونه های W و یکی ناشی از ده صفحه را.

باز هم، در p12، 'آگاهی' نتیجه سیستم خودکار 1 عملکرد است که "ذهنی" در چند حواس کاملاً متفاوت است، و نه، در حالت عادی، یک ماده از شواهد، اما درک درست در مورد خود ما و تنها درک واقعی در مورد دیگران است.

همانطور که خواندم p13 من فکر کردم: "آیا می توانم احساس درد مشقت بار و رفتن به عنوان اگر هیچ چیز اشتباه است؟" نه! --این نخواهد بود 'درد' در همان مفهوم. "تجربه درونی ایستاده نیاز به معیارهای بیرونی" (W) و سرل به نظر می رسد از دست این. دیدن W یا جانستون.

همانطور که خواندن چند صفحه بعدی احساس کردم که W درک بسیار بهتری از ارتباط ذهن/زبان، به عنوان او آنها را به عنوان مترادف در بسیاری از زمینه ها، و کار خود را یک نمایشگاه درخشان از ذهن به عنوان نمونه در نمونه های perspicuous متعدد از استفاده از زبان است. همانطور که در بالا ذکر شد، "در حال حاضر اگر آن است که اتصال علی که ما با آن نگران نیست، پس از آن فعالیت های ذهن دروغ قبل از ما باز است." و، همانطور که در بالا توضیح داده شد، من احساس می کنم سوالات که با پایان بخش 3 به طور عمده با در نظر گرفتن W OC از نقطه نظر از دو سیستم پاسخ داده شده است. به همین ترتیب، برای بخش 6 در فلسفه علم، Rodych انجام داده است یک مقاله در پوپر در مقابل W که من در آن زمان فوق العاده فکر، اما من باید به بازخوانی آن را به مطمئن شوید.

در نهایت، در p25، می توان انکار کرد که هر گونه تجدید نظر در مفاهیم ما (بازی های زبان) از علیت و یا آزاد خواهد شد لازم و یا حتی ممکن است. شما می توانید فقط در مورد هر صفحه از W و بسیاری از DMS، Coliva، و غیره به عنوان خواننده شده به دلایل. این یک چیز برای گفتن چیزهای عجیب و غریب در مورد جهان با استفاده از نمونه هایی از مکانیک کوانتومی، عدم قطعیت و غیره است، اما دیگری می گویند هر چیزی مربوط به استفاده عادی ما از کلمات است.

در 36، p31 و غیره، ما دوباره روبرو می شویم مشکلات پی در پی (در فلسفه و زندگی) از کلمات یکسان glossing. بیش از تفاوت های بزرگ در ال جی از 'باور'، 'دیدن' و غیره، به عنوان به S1 اعمال می شود، که از حالات ذهنی در حال حاضر تشکیل شده است، و S2 که نمی باشد. بقیه فصل خلاصه کار خود را بر روی 'چسب اجتماعی' که، از EP، چشم انداز Wittgensteinian، اقدامات خودکار سریع S1 تولید می کند که از این طریق به طور گسترده ای از S2 که در طول توسعه شخصی به یک آرایه وسیعی از روابط خودکار ناخودآگاه با دیگران و به طور خودسرانه به تغییرات فرهنگی در آنها تبدیل شده است.

فصل 3 به 5 حاوی استدلال شناخته شده خود را در برابر نظر مکانیکی از ذهن که به من به نظر می رسد قطعی است. من تمام کتاب های پاسخ به آنها را خوانده ام و من با S موافقم که همه آنها را از دست بسیار ساده منطقی (روانی) امتیاز او می سازد (و که، و توسط بزرگ، W ساخته شده نیم قرن قبل از قبل کامپیوتر وجود دارد). برای قرار دادن آن در شرایط من، S1 از ناخودآگاه تشکیل شده است، سریع، فیزیکی، علی، خودکار، غیر گزاره ای، واقعی تنها حالات ذهنی، در حالی که آهسته S2 تنها می تواند منسجم از نظر دلایل برای اقداماتی که بیشتر یا کمتر آگاهانه به رفتار توصیف (اقدامات بالقوه) که یا می تواند تبدیل به گزاره ای (T یا F). کامپیوترها و بقیه طبیعت تنها مشتق شده (منتسب به) معنایی است که وابسته به دیدگاه ما در حالی که حیوانات بالاتر دارای معنایی اولیه است که مستقل از چشم انداز است. به عنوان S و عرض قردرانی، طنز بزرگ این است که این کاهش مادی یا مکانیکی از روانشناسی بالماسکه به عنوان علمبرشلیه، اما در واقع آنها کاملا ضد علمی است. فلسفه (روانشناسی توصیفی) و روانشناسی شناختی (آزاد از خرافات) در حال تبدیل شدن به دست در دستکش و آن Hofstadter است، Dennett، Carruthers، Kurzweil و غیره، که در سرما باقی مانده است.

صفحه 62 سادگی خلاصه یکی از استدلال خود را، اما واریانت p63 نشان می دهد که او هنوز کاملا اجازه رفتن از تخته سنگ خالی به عنوان او تلاش می کند برای توضیح روند در جامعه از نظر پسوند فرهنگی S2. همانطور که او در بسیاری از جاهای دیگر در نوشته هایش می کند، او به دلایل فرهنگی، تاریخی برای رفتارگرایی، اما به نظر می رسد کاملا آشکار به من (به عنوان آن را به W) که دیدگاه مکانیکی از ذهن وجود دارد به همین دلیل به عنوان تقریباً تمام رفتار--این عملیات به طور پیش فرض از EP ما که به دنبال توضیحات از نظر آنچه که ما عمداً می توانیم از طریق به آرامی، به جای در S1 خودکار، که ما بیشتر بی اعتنا همانطور که در بالا ذکر شد، سرل این را به عنوان TPI توصیف کرده است. باز هم، در p65 پیدا کنم توضیحات W از روانشناسی به ارث برده بدیهی ما و الحاقات خود را در OC و دیگر آثار خود را به عمیق تر از s (یا هر کسی)، و بنابراین ما 'اعتماد به نفس' که سگ آگاه هستند، اما نه آن باز است به شک. بخش قبلی این مقاله را مشاهده کنید که با OC و DMS سروکار دارد.

فصل 5 سادگی خرابه CTM، لوط و غیره، با اشاره به این که 'کامپیوت و'، 'اطلاعات'، 'نحو'، 'الگوریتم'، 'منطق'، 'برنامه'، و غیره، آیا ناظر نسبی (به عنوان مثال، روانی) شرایط و هیچ معنی فیزیکی یا ریاضی (COS) در این حس روانی، اما البته حواس دیگر آنها داده شده است به تازگی به عنوان علم توسعه یافته است. باز هم، مردم با استفاده از همان کلمه را به نادیده گرفتن که تفاوت زیادی در استفاده از آن (به معنی) افسونگر. این نظر همه الحاقات از ویتگنشتاین کلاسیک و در این ارتباط، من توصیه s 'hutto و خواندن مقالات بیش از حد.

فصل 6 "توهم پدیدارشناسی" (TPI) است تا حد مورد علاقه من، و در حالی که تخریب این زمینه، آن را نشان می دهد هر دو توانایی های عالی منطقی خود و شکست خود را به درک قدرت کامل از هر دو بعد W، و ارزش اکتشافی

بزرگ تحقیقات روانی اخیر در دو. روشن است به عنوان کریستال که TPI است به علت obliviousness به automatisms از S1 و به گرفتن تفکر آگاهانه آهسته از S2 نه تنها اولیه بلکه به عنوان همه وجود دارد. این کلاسیک کوری تخته سنگ خالی است. روشن است که W نشان داد این برخی از ۶۰ سال پیش از آن و همچنین به دلیل آن را در تقدم واقعی تنها ناخودآگاه شبکه های خودکار بدیهی است از سیستم ذاتی ما 1 داد. مانند بسیاری دیگر ، سرل رقص در اطراف آن ، اما هرگز کاملا وجود دارد می شود. بسیار تقریبا ، با توجه به ویژگی های مستقل ناظر جهان به عنوان ویژگی های وابسته به S1 و «ناظر» به عنوان S2 باید ثابت کند که بسیار آشکار است. همانطور که یادداشت S، هایدگر و دیگران هستی شناسی دقیقا به عقب، اما البته به طوری که تقریبا همه به دلیل پیش فرض از خود. EP

اما چیز واقعا مهم این است که S گام بعدی را به درک که TPI است نه تنها شکست چند فلاسفه ، اما کوری جهانی به EP ما است که خود را به EP ساخته شده است را ندارد. او در واقع این تقریبا در این کلمات در یک نقطه ، اما اگر او واقعا آن را چگونه می تواند او موفق به اشاره به پیامدهای بسیار زیاد خود را برای جهان است. با استثنائات نادر (به عنوان مثال ، Jaina تیرکاراکاره که به بیش از ۵۰۰۰ سال به آغاز تمدن سند و اخیرا و به طور قابل ملاحظه Osho ، بودا ، عیسی ، Bodhidharma ، دا رایگان جان و غیره) ، ما همه عروسک های گوشتی از طریق زندگی ما در ماموریت ژنتیکی برنامه ریزی شده برای از بین بردن زمین است. دغدغه تقریبا کل ما با استفاده از شخصیت دوم خود S2 به افراط و خشنودی کودکانه از S1 ایجاد جهنم بر روی زمین است. همانطور که با تمام موجودات زنده، آن را تنها در مورد تولید مثل و جمع آوری منابع لذا. بله ، سر و صدای زیادی در مورد گرمایش جهانی و سقوط قریب الوقوع تمدن صنعتی در قرن آینده ، اما هیچ چیز به احتمال زیاد آن را متوقف کند. S1 می نویسد: بازی و S2 آن را عمل میکند. دیک و جین فقط می خواهیم به بازی خانه-این مامان است و این بابا و این و این است و این نوزاد است. شاید یک نفر می گویند که TPI این است که ما انسان هستند و نه فقط یکی دیگر از primate.

فصل 7 در ماهیت خود خوب است اما هیچ چیز واقعا من به عنوان جدید زده. فصل 8 در مورد اموال دویی بسیار جالب تر است حتی اگر بیشتر از تکرار کار قبلی خود را. آخرین نقل قول های باز او مبالغ بالا ، و البته اصرار بر ماهیت حیاتی-هستی شناسی اول شخص کاملا Wittgensteinian است. تنها بزرگ اشتباه من می بینم تخته سنگ خود را خالی است و یا (فرهنگی) نوع توضیح در ۱۵۸ p برای اشتباهات از dualism ، زمانی که به نظرم ، آن را به وضوح نمونه دیگری از tpi--اشتباه است که او (تقریبا هر کسی دیگری) ساخته شده است چند بار ، و تکرار در p177 و غیره ، در غیر این صورت فوق العاده فصل 9. ژن های برنامه S1 که (بیشتر) می کشد رشته (قرارداد عضلات) از عروسک گوشت از طریق S2. پایان داستان. باز هم ، او نیاز به خواندن نظرات من و یا کسانی که از DMS در OC W تا او را تغییر "دلیل خوبی برای باور" در پایین p171 و بالای p172 به "می داند" (در معنای واقعی تنها).

نکته مهم این است که دوباره در p169 ساخته شده است. "بنابراین، گفت: چیزی و به معنی آن را شامل دو شرایط رضایت. اول ، شرط رضایت از سخن گفتن که سخن آن تولید خواهد شد ، و دوم ، که گفته خود ، باید شرایط رضایت را داشته باشد. " یکی از راه های این است که ناخودآگاه سیستم خودکار 1 فعال قشر بالاتر آگاهانه شخصیت سیستم 2، آوردن در مورد انقباضات عضلانی گلو که به دیگران اطلاع که آن جهان را در راه های خاصی می ببند، که آن را متعهد به اقدامات بالقوه. یک پیشرفت بزرگ بیش از فعل و انفعالات prelinguistic یا نیا-زبانی که در آن تنها حرکات عضلات ناخالص قادر به انتقال اطلاعات بسیار محدود در مورد نیت و S باعث می شود یک نقطه مشابه در Chapter10. ژن های برنامه S1 که (بیشتر) می کشد رشته (قرارداد عضلات) از عروسک گوشت از طریق S2. پایان داستان. باز هم ، او نیاز به خواندن نظر من و کسانی که از DMS ، اندی همیلتون و غیره ، در OC W تا او را تغییر "دلیل خوبی برای باور" در پایین p171 و بالای p172 به "می داند" (در حس واقعی).

آخرین فصل خود را "وحدت گزاره" (که قبلا منتشر نشده) نیز تا حد زیادی از خواندن 's W "در یقین" و یا کتاب های مختلف DMS و مقالات بهره مند شوند ، به عنوان آنها را روشن تفاوت بین جملات واقعی تنها توصیف S1 و درست یا نادرست گزاره توصیف S2. این من را به عنوان یک رویکرد بسیار عالی برای s به دست گرفتن ادراکات S1

به عنوان گزاره ای اعتصاب از آنجایی که آنها فقط تبدیل به t و F پس از یک شروع به فکر کردن در مورد آنها در S2. با این حال ، نقطه خود را که گزاره اجازه بیانیه ای از حقیقت واقعی یا بالقوه و *falsity* ، از گذشته و آینده و فانتزی ، و در نتیجه ارائه یک پیشرفت بزرگ بیش از پیش ویا نیاجامعه زبانی ، است. همانطور که او آن را می گوید "یک گزاره هر چیزی است که می تواند یک وضعیت رضایت تعیین... و شرط رضایت... این است که چنین و چنین مورد است. یا ، یکی نیاز به اضافه کردن، که ممکن است یا ممکن است و یا ممکن است تصور می شود مورد.

به طور کلی ، PNC خلاصه خوبی از بسیاری از پیشرفت های قابل توجهی بیش از ویتگنشتاین ناشی از قرن نیم کار است ، اما به نظر من ، W هنوز هم بی نظیر است هنگامی که شما درک آنچه که او می گوید. در حالت ایده آل ، آنها باید با هم به عنوان خواننده شده: سرل برای نثر منسجم روشن و *generalizations*. نشان داده شده با $W's$ نمونه های *perspicacious* و جملات درخشان. اگر من خیلی جوانتر بودم ، یک کتاب را دقیقاً می نویسم.

"بنابراین ، توابع وضعیت چسب که جامعه را نگه دارید با هم. آنها توسط *intention* قصدجمعی ایجاد شده و عملکرد آنها با حمل قدرت *deontic*... با استثنای مهم زبان خود ، همه از واقعیت نهادی و لذا در یک معنا همه تمدن بشری توسط گفتار اعمال می شود که به صورت منطقی از اظهارات ایجاد شده است... همه واقعیت های نهادی انسانی ایجاد شده است و در وجود (بازنمایی هایی که فرم منطقی یکسانی دارند) ، از جمله مواردی که در قالب صریح اعلامیه ها عمل نمی کنند ، ساخته و نگهداری می شود.

سرل MSWp11-13

"باورها ، مانند اظهارات ، به پایین و یا ذهن (یا کلمه) به جهت جهان مناسب است. و خواسته ها و نیت ، مانند سفارشات و وعده ها ، به سمت بالا و یا جهان به ذهن (یا کلمه) جهت مناسب است. باورها و تصورات ، مانند اظهارات ، قرار است تا نشان دهد که چگونه همه چیز را در جهان هستند ، و در این معنا ، آنها قرار است به تناسب جهان ؛ آنها را به ذهن به جهان جهت مناسب است. دولت های *conative* مانند خواسته ها ، نیت های قبلی و نیت در عمل ، مانند سفارشات و وعده ها ، در جهان به ذهن جهت مناسب است. آنها قرار نیست برای نشان دادن چگونه همه چیز هستند ، اما چگونه ما می خواهیم آنها را به یا چگونه ما قصد داریم آنها را... علاوه بر این دو دانشکده ، است یک سوم وجود دارد، تخیل، که در آن محتوای گزاره ای قرار است به تناسب واقعیت در راه است که محتوای گزاره ای شناخت و اراده قرار است به جا... تعهد جهانی مربوط به آن رها شده است و ما بدون هیچ گونه تعهدی که با هر دو جهت مناسب نشان دهنده است ، محتوای گزاره ای داریم. سرل MSWp15

"فقط به عنوان در ایالات عمده ما می توانیم تمایز بین نوع دولت را... و محتوای دولت... بنابراین در تئوری زبان ما می توانیم تمایز بین نوع عمل گفتار آن است... و محتوای گزاره ای... در حال حاضر محتوای یکسان با حالت های مختلف روانی در مورد کشورهای عمده ، و نیروی *illocutionary* مختلف و یا نوع در مورد اعمال گفتار. علاوه بر این ، فقط به عنوان اعتقادات من می تواند درست یا نادرست و به این ترتیب ذهن به جهان جهت مناسب ، بنابراین اظهارات من می تواند درست یا غلط و در نتیجه کلمه به جهان جهت مناسب است. و فقط به عنوان خواسته ها یا نیت من نمی تواند درست یا نادرست باشد ، اما می تواند به شیوه های مختلف راضی یا ناراضی باشد ، بنابراین سفارشات و وعده های من نمی تواند درست یا غلط باشد ، اما می تواند به روش های مختلف راضی یا ناراضی باشد- ما می توانیم از تمام کشورهای عمده که دارای یک محتوای کامل و یک جهت مناسب به عنوان بازنمایی شرایط خود را از رضایت. اعتقاد نشان دهنده شرایط حقیقت آن، تمایل نشان دهنده شرایط تحقق آن، قصد نشان دهنده آن's انجام شرایط... دولت عمده نشان دهنده شرایط خود را از رضایت... به اشتباه مردم فرض می کنند که هر نماینده ذهنی باید آگاهانه فکر... اما مفهوم یک نمایندگی که من با استفاده از آن را تابعی و نه مفهوم هستی شناختی است. هر چیزی که دارای شرایط رضایت ، که می تواند موفق یا شکست در راه است که از ویژگی های معنایی است ، با تعریف یک نمایندگی از شرایط خود را از رضایت... ما می توانیم ساختار پدیده های اجتماعی را با تحلیل شرایط رضایت خود تحلیل کنیم." سرل جامد 28-32p

"چهار نوع اول از گفتار اعمال آنالوگ دقیق در ایالات عمدی: مربوط به Assertives هستند اعتقادات، مربوط به دستورات خواسته‌ها، مربوط به Commissives نیت و مربوط به Expressives طیف وسیعی از احساسات و دیگر کشورهای عمدی که در آن Presup مناسب است که برای اعطا گرفته شده است. اما هیچ آنالوگ پیش‌زبانی برای اعلامیه وجود دارد. کشورهای عمدی پیش‌زبانی نمی‌توانند واقعیت‌های موجود در جهان را با نمایندگی از این حقایق در حال حاضر ایجاد کنند. این شاهکار قابل توجه نیاز به یک زبان "جامد p69

"معنای بلندگو... تحمیل شرایط رضایت در شرایط رضایت است. ظرفیت برای انجام این کار یک عنصر حیاتی از ظرفیت‌های شناختی انسان است. این نیاز به توانایی در دو سطح در یک بار فکر می‌کنم، در راه است که برای استفاده از زبان ضروری است. در یک سطح، بلندگو عمداً یک گفته فیزیکی را تولید می‌کند، اما در سطح دیگری گفته چیزی را نشان می‌دهد. و همان دوگانگی خود نماد را آلوده کرده است. در یک سطح، آن را یک شی فیزیکی مانند هر دیگر است. در سطح دیگر، آن را به معنی: آن را نشان دهنده یک نوع از امور خارجه "جامد p74

"... هنگامی که شما زبان، آن را اجتناب ناپذیر است که شما باید از هستی‌شناسی، زیرا هیچ راهی شما می‌توانید اعمال گفتار صریح و بی‌اساس با توجه به وجودیک زبان را بدون ایجاد تعهدات انجام شده وجود دارد. این درست نیست که فقط برای اظهارات اما برای همه اعمال گفتار "جامد p82

این به ارمغان می‌آورد تا یکی دیگر از نقطه است که در عرض برجسته است، اما توسط S تکذیب کرد، که همه ما می‌توانیم انجام دهیم این است که توصیف و نه یک نظریه است. S اصرار دارد که او در حال ارائه نظریه‌ها، اما البته "نظریه" و "توضیحات" هستند بازی‌های زبان بیش از حد و به نظر می‌رسد به من نظریه S 'ثابته است که معمولاً توضیحات W--گل رز توسط هر نام دیگری.... نقطه W این بود که با چسبیده به نمونه‌های perspicacious که همه ما می‌دانیم به حساب واقعی از رفتار ما، ما اجتناب از شن و ماسه از تئوری‌های که سعی کنید به حساب برای همه رفتار (همه بازی‌های زبان)، در حالی که S می‌خواهد به کلی و ناگزیر می‌رود گمراه (او می‌دهد چند نمونه از اشتباهات خود را در PNC). به عنوان S و دیگران بی‌وقفه تغییر نظریه‌های خود را به حساب برای بازی‌های زبان همه جانبه افراد، آنها را نزدیک تر و نزدیک به توصیف رفتار از طریق نمونه‌های متعدد به عنوان انجام W.

بازی‌های زبان اصلی (s 'PLG) گفتگوها خودکار ساده توسط ما غیر ارادی، سیستم 1، تفکر سریع، نورون‌های آینه‌ای، درست تنها، غیر پرووضیعی، حالات ذهنی-ادراکات و خاطرات ما و اعمال انعکاسی ('اراده') از جمله سیستم 1 حقیقت و UA1--درک از آژانس 1--و Emotions1--مانند شادی، عشق، خشم، که می‌تواند توصیف causally، در حالی که تکاملی بعد از بازی‌های زبان ثانویه (s 'SLG) عبارت یا شرح داوطلبانه، سیستم 2، تفکر آهسته، mentalizing، نورون، آزمایشی درست یا نادرست، propositional, Truth2 و UA2 و Emotions2، joyfulness، دوست‌داشتنی، نفرت، dispositional (و اغلب مخالف) تصور، فرض کنید، قصد، تفکر، دانستن، اعتقاد، و غیره، که تنها می‌تواند از نظر دلایل توصیف (به عنوان مثال، این یک واقعیت است که تلاش برای توصیف سیستم 2 از لحاظ شیمی فیزیک، اتمی، ریاضیات، فقط هیچ حس--عرض برای نمونه‌های بسیاری و سرل برای disquisitions خوب در این) را ببینید.

این امکان وجود دارد که برای توصیف automatisms سیستم 1 از نظر دلایل (به عنوان مثال، 'ی بینم که به عنوان یک سیب به دلیل...') مگر اینکه شما می‌خواهید به یک دلیل از نظر EP، ژنتیک، فیزیولوژی، و به عنوان W نشان داده است که به طور مکرر آن را بی‌معنی است که به "توضیحات" را با شرط طوری که آنها را حس در آینده--هیچ چیز پنهان است--آنها را حس و یا هرگز.

اکتشافی قدرتمند است برای جدا کردن رفتار و تجربه را به 1 intentionality و Inten قصد2 (به عنوان مثال، تفکر 1 و تفکر 2، احساسات 1 و احساسات 2 و غیره) و حتی به حقایق 1 (فقط بدیهیات) و حقایق 2 (الحاقات تجربی

و یا "قضایای" که در نتیجه از گسترش منطقی از حقایق 1). W به رسمیت شناخته شده است که "هیچ چیز پنهان است"--یعنی، تمام روانشناسی ما و تمام پاسخ به همه سوالات فلسفی در اینجا به زبان ما (زندگی ما) و مشکل این است که برای پیدا کردن پاسخ نیست، بلکه به رسمیت شناختن آنها را به عنوان همیشه در اینجا در مقابل از ما--ما فقط باید برای جلوگیری از تلاش به نگاه عمیق تر.

ایده ها در اینجا در حال حاضر منتشر شده و هیچ چیز به عنوان یک شگفتی برای کسانی که با کار سرل نگاه داشته می آیند.

من احساس می کنم که W دارای درک بهتر از ارتباط ذهن/زبان است، زیرا او آنها را به عنوان مترادف در بسیاری از زمینه ها، و کار خود را یک نمایشگاه درخشان از ذهن به عنوان نمونه در نمونه های perspicacious متعدد از استفاده از زبان است. همانطور که در بالا ذکر شد، "در حال حاضر اگر آن است که اتصال علی که ما با آن نگران نیست، پس از آن فعالیت های ذهن دروغ قبل از ما باز است." می توان انکار کرد که هرگونه تجدید نظر در مفاهیم ما (بازی های زبان) از علیت و یا آزاد خواهد شد لازم و یا حتی ممکن است. شما می توانید فقط در مورد هر صفحه W به دلایل بخوانید. این یک چیز برای گفتن چیزهای عجیب و غریب در مورد جهان با استفاده از نمونه هایی از مکانیک کوانتومی، عدم قطعیت و غیره است، اما دیگر می گویند هر چیزی مربوط به استفاده عادی ما از کلمات است.

سازه های deontic یا "چسب های اجتماعی" اقدامات سریع خودکار S1 است که باعث می شود که موارد کم سرعت S2 که در توسعه شخصی به یک آرایه وسیعی از روابط فرهنگی جهانی ناخودآگاه به صورت خودکار با دیگران (S3) گسترش یافته است. اگرچه این précis من از رفتار من انتظار می رود آن را نسبتاً توصیف کار S است.

به نظر می رسد کاملاً آشکار که من (به عنوان آن را به W) که دیدگاه مکانیکی از ذهن وجود دارد به همین دلیل به عنوان تقریباً همه رفتار--این عملیات به طور پیش فرض از EP ما که به دنبال توضیحات از نظر آنچه که ما عمداً می توانیم از طریق به آرمی، به جای در S1 خودکار، که ما بیشتر بی اعتنا باقی می ماند (tpi). من توصیف W از روانشناسی به ارث برده بدیهی ما و الحاقات خود را در OC خود و دیگر دوره 3rd کار می کند به عمیق تر از S (یا هر کسی)، و بنابراین ما 'اعتماد به نفس' که سگ آگاه هستند، بلکه آن است که باز نمی شود (ممکن نیست به) شک.

در حال حاضر به بررسی خلاصه ای از آثار درخشان سرل از سالهای زیادی از کار خود را در ساختار منطقی 'چسب اجتماعی' است که دارای جامعه با هم به عنوان مجموعه چهارم خود را 'ساخت جهان اجتماعی' (۲۰۱۰).

مفهوم بحرانی معرفی شده توسط S سال های بسیاری پیش است شرایط رضایت (COS) در افکار ما (گزاره های S2) که W به نام تمایلات یا گرایش به عمل--هنوز با اصطلاح نامناسب "نگرش های propositional" توسط بسیاری به نام. COS توسط S در بسیاری از مکان های مانند در PNC 169 توضیح داده شده است: "بنابراین چیزی گفت و به معنی آن را شامل دو شرایط رضایت. اول، شرط رضایت از سخن گفتن که سخن آن تولید خواهد شد، و دوم، که گفته خود، باید شرایط رضایت را داشته باشد. "همانطور که ایالات متحده آن را در PNC، "گزاره هر چیزی است که می تواند یک وضعیت رضایت تعیین... و شرط رضایت... این است که چنین و چنین مورد است. یا، یک نیاز به اضافه کردن، که ممکن است یا ممکن است تصور می شود مورد، به عنوان او را روشن در پسماندهای جامد. با توجه به نیت، "به منظور راضی، قصد خود را باید در تولید عمل causally عملکرد". (MSWp34).

بیشترین سود را تا حد زیادی از خواندن W "در یقین" یا "RPP1 2" یا دو کتاب DMS در OC (نگاه کنید به بررسی من) را به عنوان آنها را روشن تفاوت بین جملات واقعی تنها توصیف S1 و درست یا نادرست گزاره توصیف S2. این من را به عنوان یک رویکرد بسیار عالی برای S گرفتن ادراکات S1 به عنوان گزاره ای (حداقل در برخی از نقاط در کار

خود) از آنجایی که آنها فقط می‌توانند تبدیل به $\$$ یا F (aspectual) به عنوان S تماس آنها را در اینجا) پس از یک شروع به فکر کردن در مورد آنها در S2. با این حال، نقطه خود را در pnc که گزاره اجازه بیانیه ای از حقیقت واقعی یا بالقوه و falsity، از گذشته و آینده و فانتزی، و در نتیجه ارائه یک پیشرفت بزرگ بیش از پیشیا نیا، زبانی جامعه است.

S اغلب توصیف نیاز مبرم به توجه داشته باشید سطوح مختلف شرح یک رویداد، بنابراین برای IA (قصد در عمل) "ما سطوح مختلف توصیف که در آن یک سطح است که توسط رفتار در سطح پایین تر تشکیل شده است... علاوه بر ساختاری از طریق رابطه، ما نیز با استفاده از رابطه سببی است. (p37).

بنابراین، به رسمیت شناختن S1 تنها منحنی سببی و contentless (فاقد "پارنمایی" یا "اطلاعات") است در حالی که S2 دارای "محتوا" است و اغوا سببی (به عنوان مثال، نگاه کنید به hutto و 's myin' فعالیت های رادیکال) من تغییر پاراگراف از p39 شروع "در مجموع" و پایان دادن به 40 pg با "شرایط رضایت" به شرح زیر است

در مجموع، ادراک، حافظه و بازتابی از اهداف و اقدامات ('اراده') توسط عملکرد خودکار از S1 ما درست تنها بدیهی است ایجاد می‌شود. از طریق نیت های قبلی و نیت در عمل، ما سعی می‌کنیم برای مطابقت با ما چگونه می‌خواهیم همه چیز را با ما به فکر چگونه آنها هستند. ما باید ببینیم که باور، میل (و تخیل-زمان خواسته های منتقل شده و به همین ترتیب از قصد ویدجت) و دیگر تمایلات گزاره ای S2 از تفکر آهسته ما بعد از تکامل خود دوم، کاملاً وابسته به (آیا COS خود را در) CSR (Causally خود بازتابی) سریع خودکار ابتدایی درست تنها انعکاسی S1. در زبان و شاید در نوروفیزیولوژی موارد متوسط و یا مخلوط مانند قصد وجود دارد (نیت قبل) و یا به خاطر سپردن، که در آن ارتباط علی با COS (.i.e., s1) زمان منتقل، به عنوان آنها نشان دهنده گذشته یا آینده، بر خلاف s1 است که همیشه در حال حاضر. دو سیستم خوراک را به یکدیگر و اغلب توسط روابط فرهنگی deontic آموخته یکپارچه هماهنگ، به طوری که تجربه طبیعی ما این است که ما آگاهانه همه چیز را کنترل که ما انجام می‌دهیم. این عرصه وسیعی از توهّمات شناختی که بر زندگی ما تسلط دارد، به عنوان "توهم پدیدارشناسی" توصیف شده است.

او به پایان می‌رسد این فصل شگفت انگیز با تکرار برای شاید زمان 10th در نوشته های خود، آنچه که من به عنوان یک اشتباه بسیار اساسی است که او با تقریباً همه سهام--این تصور که تجربه 'آزاد خواهد شد' ممکن است 'گمراه کننده است. این در مد بسیار ساده و بی شغفتت به شرح زیر است، هر دو از کار دوره 3rd W و از مشاهدات روانشناسی معاصر، که "اراده"، 'خود' و 'آگاهی' بدیهی است که عناصر واقعی فقط از سیستم 1 درست مثل دیدن، شنیدن، و غیره، و هیچ امکان (وضوح) نشان (از دادن حس به) باطل آنها وجود دارد. به عنوان W ساخته شده تا زیبا زمان های متعدد روشن، آنها پایه و اساس قضاوت هستند و بنابراین می‌تواند در نظر گرفته شود. S درک و استفاده می‌کند اساساً این استدلال در زمینه های دیگر (به عنوان مثال، شک و تردید، solipsism) چندین بار، پس از آن کاملاً تعجب آور است که او می‌تواند این قیاس را نمی‌بیند. او باعث می‌شود این اشتباه اغلب زمانی که او می‌گوید چنین چیزهایی که ما "شواهد خوب" است که سگ ما آگاهانه و غیره است. بدیهیات واقعی فقط از روانشناسی ما هستند. در اینجا شما باید یکی از بهترین روان شناس توصیفی S از W، بنابراین این یک اشتباه احماقانه نیست.

خلاصه او از deontics در p50 نیاز به ترجمه. بنابراین "شما باید یک فرم پیش زبانی از معنایی جمعی داشته باشید، که در آن فرم های زبانی ساخته شده است، و شما باید به معنایی جمعی از گفتگو به منظور ایجاد تعهد" بسیار واضح تر است اگر با "axiomatics" های پیش زبانی از S1 زمینه ساز از نظر زبانی از S2 (به عنوان مثال، EP، ما) که در طول بلوغ ما به تظاهرات فرهنگی خود را تکامل."

از آنجا که عملکرد وضعیت اظهارنامه نقش مهمی در deontics بازی مهم است که آنها را درک و بنابراین او توضیح می‌دهد که مفهوم تابع 'است که در اینجا مربوطه. "یک تابع یک علت است که در خدمت یک هدف است... در

این توابع به معنای معنایی نسبی و به همین دلیل وابسته به ذهن... عملکردهای وضعیت... نیاز... اعمال جمعی و به رسمیت شناختن وضعیت " (p59).

باز هم، من پیشنهاد می‌کنم ترجمه "از زبان به عنوان یک است که توسط ذاتی، و یا ذهن مستقل از ذهنیت انسان ایجاد شده" (p66) به عنوان "زبان شناسی، dispositional آگاهانه از S2 توسط ناخودآگاه بدیهی است توابع انعکاسی از S1 تولید می‌شود" (p68). است که، باید در ذهن داشته باشیم که رفتار توسط زیست شناسی برنامه ریزی شده است.

با این حال، من به شدت به اظهارات خود را در p66-67 و در جاهای دیگر در نوشته‌های خود را که S1 (به عنوان مثال، خاطرات، تصورات، اعمال رفلکس) به یک گزاره ای (به عنوان مثال، درست غلط) ساختار شی. همانطور که در بالا ذکر شد، و بسیاری از بار در بررسی‌های دیگر، به نظر می‌رسد کریستال روشن است که W درست است، و آن را اساسی به درک رفتار است، که تنها S2 گزاره ای و S1 است بدیهی است و درست است. آنها هر دو COS و جهت مناسب (DOF) به دلیل ژنتیکی، بدیهی است که قصدمندی از S1 تولید می‌کند که از S2، اما اگر S1 در همان حس به معنای آن است که شک و تردید قابل درک است، هیچ و مرج است که فلسفه قبل از W بازگشت بود، و در واقع زندگی اجتماعی (و شاید همه زندگی حیوانات بسته به آنچه که در مورد آنچه یک مورد به عنوان "گزاره") امکان پذیر نخواهد بود. به عنوان W نشان داد بار بی شماری و زیست شناسی نشان می‌دهد که به وضوح، زندگی باید در یقین باشد--واکنش سریع ناخودآگاه خودکار. ارگانسیم که همیشه شک و مکث به منعکس خواهد مرد (نمی‌تواند تکامل).

برخلاف نظرات او (p70) من نمی‌توانم تصور زبان فاقد کلمات برای اشیاء مواد بیش از من می‌توانم یک سیستم بصری است که نمی‌تواند آنها را تصور کنید، چرا که آن را اولین و اساسی ترین وظیفه چشم انداز به بخش جهان را به اشیاء و به طوری که از زبان برای توصیف آنها. به همین ترتیب، من نمی‌توانم هر مشکلی را با اشیاء در زمینه آگاه و نه با جملات به کلمات تقسیم می‌بینم. چگونه می‌توان آن را در غیر این صورت برای انسانها با تاریخ تکاملی ما باشد؟

در p72 و جاهای دیگر، آن را کمک خواهد کرد که به یاد داشته باشید که عبارات هستند بازتابی از ابتدایی PLG از S1 در حالی که بازنامه‌ی هستند SLG از S2.

یکی دیگر از ترجمه از Philosophie به زبان انگلیسی برای پاراگراف دوم در p79 شروع "تا کنون" و پایان "شنیده قبل" مورد نیاز است. "ما با صحبت کردن به یک زبان عمومی متشکل از کلمات در جملات با نحو، ما را بیان میکنیم."

به سوالات خود را 4 و 5 در p105 به عنوان ماهیت خاص از زبان و نوشتن، من می‌خواهم پاسخ: ' آنها خاص هستند زیرا طول موج کوتاه از ارتعاشات عضلات آوازی را قادر می‌سازد انتقال اطلاعات پهنای باند بسیار بالاتر از انقباضات عضلات دیگر و این به طور متوسط چند سفارش از قدر بالاتر برای اطلاعات بصری.

در p106، یک پاسخ کلی به سوال 2 (چگونه ما به دور با آن-e. i.، چرا کار می‌کند) EP و S1 است و بیانیه خود را که "استراتژی اصلی من از نمایشگاه در این کتاب این است که سعی کنید به عنوان فامیل به نظر می‌رسد عجیب و غریب و قابل توجه" است البته ویتگنشتاین کلاسیک. ادعای او در صفحه بعد که هیچ پاسخ کلی به این که چرا مردم قبول موسسات به وضوح اشتباه وجود دارد. آنها آنها را قبول به همین دلیل آنها همه چیز را-EP خود نتیجه تناسب اندام فراگیر است. این تسهیل بقا و تولید مثل در EEA (محیط زیست سازگاری تکاملی). همه چیز در مورد ما از لحاظ جسمی و ذهنی پایین در ژنتیک. همه بحث مبهم در اینجا (به عنوان مثال، p114) در مورد 'کنوانسیون های اضافی زبانی' و 'معناشناسی semantical اضافی' در واقع با اشاره به EP و به خصوص به automatisms ناخودآگاه از S1 که پایه و اساس همه رفتار است. بله، به عنوان W گفت: چند بار، آشنا ترین است که به دلیل

پیشنهاد (p115) S که زیان ضروری است به بازی قطعاً اشتباه است. کاملاً بی سواد ناشنوا-mutes می تواند کارت ها، فوتبال و حتی شطرنج بازی کند، اما البته حداقل توانایی شمارش لازم خواهد بود. من موافقم (p121) که توانایی تظاهر و تصور (به عنوان مثال، ضد واقعی و یا به عنوان-اگر مفاهیم درگیر در زمان و فضا تغییر) هستند، به شکل کامل، منحصر به فرد توانایی های انسانی و حیاتی به تفکر سفارش بالاتر است. اما حتی در اینجا بسیاری از پیش سازهای حیوانات (به عنوان وجود دارد باید وجود داشته باشد)، مانند موضع از مبارزه آیینی و رقص جفتگیری، دکوراسیون از سایت های جفت گیری توسط باغ پرندگان، تظاهر بال شکسته از پرندگان مادر، زنگ جعلی تماس از میمون ها، 'پاک' ماهی که نیش از طعمه و شبیه سازی خود را از هاوک و استراتژی های داو (متقلب) در بسیاری از حیوانات

ترجمه بیشتر برای بحث خود را از عقلانیت مورد نیاز (p.126 et seq). گفت که تفکر است گزاره ای و معاملات با نهادهای factitive درست یا نادرست به این معنی است که آن را یک منش S2 معمولی است که می تواند مورد آزمایش قرار، به عنوان مخالف به تنها توابع خودکار شناختی از S1.

در 'اراده آزاد، عقلانیت و حقایق نهادی' او به روز رسانی بخش هایی از عقلانیت کتاب های کلاسیک خود را در عمل و ایجاد برخی از اصطلاحات جدید برای توصیف دستگاه رسمی از دلایل عملی که من نمی پیدا کردن infel. "نهادهای factitive" به نظر نمی رسد متفاوت از حالت های مختلف و محرک (میل یا تعهد)، 'عملگر' (عضلات بدن)، 'ساختاری' (عضلات گفتار) و 'دلیل کلی (همه ی مربوطه)، حداقل در اینجا به نظر می رسد برای اضافه کردن به وضوح (p.126-132).

ما باید چیزی در اینجا است که به ندرت در بحث از رفتار انسان اتفاق می افتد و یادآوری خودمان را از زیست شناسی آن انجام دهد. تکامل توسط تناسب اندام فراگیر ناخودآگاه سریع اقدامات سببی از S1 که اغلب منجر به تفکر آهسته آگاهانه از S2 (اغلب توسط پسوند فرهنگی S3 اصلاح)، که به تولید دلایل عمل است که اغلب منجر به فعال شدن بدن و/یا گفتار عضلات توسط S1 باعث اقدامات برنامه ریزی شده است. مکانیسم عمومی است از طریق هر دو neurotransmission و با تغییر در تعدیل کننده های مختلف در مناطق هدف از مغز. این ممکن است به نظر می رسد infel ماتو نیز هست، اما تا به موجب آن است که در واقع بر اساس، و با توجه به پیچیدگی های سفارش بالاتر ما فکر، من فکر نمی کنم توضیحات کلی در حال رفتن به بسیار ساده تر. توهم کلی شناختی (به نام S 'توهم پدیدارشناسی') این است که S2 عمل آگاهانه به دلایل که ما به طور کامل آگاه و در کنترل، اما هر کسی آشنا با زیست شناسی مدرن و روانشناسی می داند این دیدگاه معتبر نیست.

باز هم، من برخی از مفاهیم مهم را تکرار کنید. یکی دیگر از ایده های روشن شده توسط S به دلایل مستقل تمایل برای عمل (DIRA) است. من خلاصه ای از دلیل عملی را در مورد p127 از پسماندهای جامد به شرح زیر ترجمه می کنم: "ما به خواسته های ما عملکرد (برنامه ریزی ژنتیکی نیاز به تغییر شیمی مغز)، که به طور معمول شامل میل به دلایل مستقل برای عمل (i.e. dira-، خواسته های آواره در فضا و زمان)، که تولید به رفتار که معمولاً در نتیجه دیر یا زود در حرکات عضلانی که در خدمت تناسب اندام ما (افزایش بقا برای ژن در خود و کسانی که از نزدیک مرتبط). و من توضیح خود را در مورد p129 چگونه ما انجام DIRA2 (i.e.، بازی زیان dira در سیستم 2) به عنوان "قطعنامه از پارادوکس این است که ناخودآگاه DIRA1 خدمت بلند مدت تناسب اندام را تولید DIRA2 آگاهانه که اغلب لغو کوتاه مدت خواسته های فوری شخصی." عوامل انجام شده در واقع آگاهانه دلایل DIRA2 را ایجاد می کنند، اما این افزونه های بسیار محدود از DIRA1 ناخودآگاه (علت نهایی) هستند. اوباما و پاپ مایل به کمک به فقرا به دلیل آن است که "حق" اما علت نهایی تغییر در شیمی مغز خود را که افزایش تناسب اندام از اجداد دور خود را (و همچنین به عنوان مثال، neomarxist جهان سوم Supremacism از بین بردن امریکا و جهان) است.

تکامل با تناسب اندام فراگیر ناخودآگاه سریع اقدامات سببی از S1، که اغلب منجر به تفکر آهسته آگاهانه از S2، که به تولید دلایل اقدام که اغلب منجر به فعال شدن بدن و/یا گفتار عضلات توسط S1 باعث اقدامات برنامه ریزی شده است. مکانیسم عمومی است از طریق هر دو neurotransmission و با تغییر در neuromodulators در مناطق هدف از مغز. توهم کلی شناختی (به نام S توهم پدیدارشناسی، ' توسط Pinker ' تخته سنگ خالی ' و توسط Tooby و Cosmides ' استاندارد علوم اجتماعی مدل ') این است که S2 عمل آگاهانه به دلایل که ما به طور کامل آگاه و در کنترل، اما هر کسی آشنا با زیست شناسی مدرن و روانشناسی می توانید ببینید که این دیدگاه معتبر نیست.

بنابراین، من می خواهم خلاصه خود را از دلیل عملی در p127 به شرح زیر ترجمه: "ما به خواسته های ما عملکرد (نیاز به تغییر مواد شیمیایی مغز)، که به طور معمول شامل میل - دلایل مستقل برای عمل (e.dira-، خواسته های آواره در فضا و زمان، اغلب برای نوع دوستی متقابل)، که تولید تمایل به رفتار است که معمولاً در نتیجه دیر یا زود در حرکات عضلانی که در خدمت تناسب اندام ما (افزایش بقا برای ژن در خودمان و کسانی که

برخلاف نظر S ' s در p128 من فکر می کنم اگر مناسب تعریف شده، DIRA جهانی در حیوانات بالاتر و نه در همه منحصر به فرد به انسان (فکر می کنم مادر مرغ دفاع از خون ریزی او را از روباه) اگر ما شامل رفلکس های پیش زبانی خودکار از S1 (به عنوان مثال، DIRA1)، اما مطمئناً DIRA بالاتر از S2 یا DIRA2 که نیاز به زبان منحصر به فرد این به نظر می رسد به من توضیحات جایگزین و واضح تر از "توضیح" خود را (به عنوان W پیشنهاد این بسیار بهتر به نام ' توضیحات ') در پایین p129 از پارادوکس چگونه ما می توانیم به طور داوطلبانه انجام DIRA2 (به عنوان مثال، خواسته های S2 و پسوند فرهنگی خود را). به این ترتیب، "حل و فصل پارادوکس این است که شناسایی دلایل مستقل میل می تواند تمایل و در نتیجه تمایل به زمین، حتی اگر آن را منطقی اجتناب ناپذیر است که آنها انجام دهد و به طور تجربی نیست که آنها انجام" را می توان به عنوان "قطعنامه از پارادوکس ترجمه شده است که ناخودآگاه DIRA1 خدمت تناسب اندام بلند مدت ایجاد DIRA2 آگاهانه که اغلب لغو کوتاه مدت خواسته های فوری شخصی." به همین ترتیب، برای بحث خود را از این موضوع در p130-31-آن RA، EP، اگر، S1 (روانشناسی تکاملی، نوع دوستی متقابل، تناسب اندام فراگیر، سیستم 1) که زمین و اقدامات متعاقب آن ofs2.

در p140 او می پرسد که چرا ما نمی تواند deontics از زیست شناسی، اما البته ما باید آنها را از زیست شناسی به عنوان هیچ گزینه دیگری وجود دارد و توضیحات فوق نشان میدهد که چگونه این اتفاق می افتد. بر خلاف بیانیه خود، قوی ترین تمایلات همیشه غالب (با تعریف، در غیر این صورت آن است که قوی نیست)، اما deontics کار می کند چرا که برنامه نویسی ذاتی RA و اگر نادیده گرفتن فوری شخصی خواسته های کوتاه مدت. سردرگمی او از طبیعت و پرورش، از S1 و S2، گسترش به نتیجه گیری 2 و 3 در p143. ماموران در واقع دلایل DIRA2 را ایجاد می کنند، اما اینها فقط چیزی نیستند، اما با چند مورد استثنا، پسوندهای بسیار محدود DIRA1 (علت نهایی). اگر او واقعا به معنی نسبت دادن deontics به تصمیم گیری آگاهانه ما به تنهایی پس از آن او طعمه به توهم پدیدارشناسی است (TPI) که او به زیبایی در کاغذ کلاسیک خود را که از آن نام تخریب (نگاه کنید به بررسی من از PNC). همانطور که در بالا ذکر شد. یک بدن بزرگ از تحقیقات اخیر در شناخت ضمنی افشای توهم شناختی که شخصیت ما را شامل وجود دارد. Tpi فقط یک خطای فلسفی بی ضرر نیست، بلکه یک obliviousness جهانی برای زیست شناسی ما است که به تولید توهم می دهد که ما زندگی و جامعه ما و جهان را کنترل می کنیم و عواقب تقریباً برخی از سقوط تمدن صنعتی در طول ۱۵۰ سال آینده است.

او به درستی یادداشت می کند که عقلانیت انسانی بدون هیچ گونه حس "شکاف" (در واقع 3 شکاف است که او چند بار مورد بحث قرار گرفته است). است که، بدون اراده آزاد (به عنوان مثال، انتخاب) در برخی از حس غیر بی اهمیت آن را همه بی معنی است، و او به درستی اشاره کرد که آن را غیرقابل تصور است که تکامل می تواند ایجاد و حفظ ژنتیکی غیر ضروری charade و انرژی گران است. اما، مانند تقریباً هر فرد دیگری، او نمی تواند راه خود را ببیند و

بنابراین یک بار دیگر او نشان می دهد (p133) که انتخاب ممکن است یک توهم. برعکس، پس از W، کاملاً روشن است که انتخاب بخشی از اقدامات انعکاسی واقعی فقط S1 ما است و نمی تواند بدون تناقض مورد سوال قرار گیرد، زیرا S1 پایه ای برای سوال است. شما نمی توانید در مورد طبیعی شک شما در حال خواندن این صفحه به عنوان آگاهی خود را از آن پایه و اساس برای شک است.

در حال حاضر ما اجازه می دهد به طور خلاصه بررسی آخرین کتاب سرل، ' دیدن همه چیز را به عنوان آنها هستند (STATA-2015). بررسی کامل را برای نظرات بیشتر ببینید.

همانطور که انتظار می رود از هر فلسفه، ما در دردمر عمیق بلافاصله، برای در صفحه 4 ما باید شرایط ' ادراک ' و ' شی ' به عنوان اینکه آنها مورد استفاده قرار گرفت من n برخی از حس طبیعی، اما ما در حال انجام فلسفه، بنابراین ما می رویم به موجدار به عقب و جلو بین بازی های زیان با هیچ شانس برای حفظ روز ما را به بازی های روز متمایز از آنها بی باز هم، می توانید برخی از بنت و "علوم اعصاب و فلسفه" و یا "مبانی فلسفی علوم اعصاب" را بخوانید تا احساس این را داشته باشید. متأسفانه، مانند تقریباً تمام فلاسفه، سرل (ها) هنوز دو چارچوب سیستم به تصویب رسید، بنابراین بسیار سخت تر برای نگه داشتن چیزهای مستقیم از آن نیاز به.

در p6، مؤمن و با اعتقاد بخشی از سیستم 2 است که زبانی، آهسته، با هیچ زمان دقیق وقوع، و ' باران است ' وضعیت عمومی خود را از رضایت (COS2) (متعددی ویتگنشتاین)--یعنی، آن را گزاره ای و نمایندگی و نه یک دولت روانی است و ما تنها می تواند intelligibly آن را از لحاظ دلایل توصیف، در حالی که تجربه بصری (visexp) سیستم 1 و بنابراین نیاز به (برای وضوح، برای سلامت عقل) است که آن را باران (COS1) است و زمان معین وقوع، سریع است (به طور معمول تحت 500msec)، غیر آزمایشی (ویتگنشتاین درست فقط یا لازم)، و غیر عمومی، اتوماتیک و نه زبانی، یعنی، نه گزاره ای و کارگیری و تنها describable از نظر علل یک حالت ذهنی. به رغم این در p7 پس از خرد کردن وحشتناک (اما هنوز کاملاً محبوب) اصطلاح ' نگرش گزاره ای '، او می گوید که ادراک دارای محتوای گزاره ای است، اما من با W که S1 درست است موافق است و از این رونمی تواند در هر چیزی مانند احساس S2 که در آن گزاره های عمومی هستند (COS) tements که درست یا غلط است.

در p12 به خاطر داشته باشید که او توصیف automaticity سیستم 1 (S1)، و پس از آن او اشاره می کند که برای توصیف جهان ما فقط قادر به تکرار توضیحات، که W اشاره کرد به عنوان نشان دادن محدودیت های زبان. تاریخ و زمان آخرین جمله به پایان بند وسط p13 نیاز به ترجمه (مانند بسیاری از فلسفه!) بنابراین برای "تجربه ذهنی دارای یک محتوا، که فلاسفه تماس با محتوای عمدی و مشخصات محتوای عمدی همان شرح دولت از امور است که محتوای عمدی شما را با ارائه و غیره است." من می گویند تصورات سیستم 1 ذهنی است که تنها می تواند در زبان عمومی سیستم 2 شرح داده شده است. و هنگامی که او با اشاره دوباره به هم ارزی از توضیحات با اعتقاد به این که از یک توصیف از درک ما به پایان می رسد، او تکرار آنچه W اشاره کرد مدت ها پیش، و است که به دلیل این واقعیت است که S1 غیر زبانی و که توصیف، باور، دانستن، انتظار، و غیره هستند تمام حالت های مختلف روانی یا عمدی و یا بازی های زبان بازی با کلمات مشابه.

در p23 او اشاره به تجارب خصوصی ' اما کلمات هستند S2 و توصیف رویدادهای عمومی، پس چه حکم استفاده ما از کلمه برای ' تجارب خصوصی ' (به عنوان مثال، S1) تنها می تواند تظاهرات عمومی خود را (S2)--یعنی، زبان همه ما استفاده برای توصیف اعمال عمومی، حتی برای خودم من نمی توانم هیچ راهی برای ضمیمه زبان به چیزی داخلی. این البته استدلال W در برابر امکان یک زبان خصوصی است. او همچنین چندین بار اشاره می کند که توهم x همانند دیدن x است، اما چه چیزی می تواند برای این تست به جز این که ما تمایل به استفاده از کلمات مشابه؟ در این مورد، آنها با تعریف مشابه هستند، بنابراین این استدلال حلقه توخالی.

در p35 بالا او دوباره به درستی حملات استفاده از ' نگرش propositional ' است که نگرش به جمله نیست، اما

نگرش (منش) به COS عمومی خود، یعنی، به این واقعیت یا truthmaker. سپس او می‌گوید: "به عنوان مثال، اگر من یک مرد در مقابل من را ببینید، محتوا این است که یک مرد در مقابل من وجود دارد. جسم خود انسان است. اگر من با داشتن یک توهم مربوطه، تجربه ادراکی دارای یک محتوا است، اما هیچ شیء محتوی می‌تواند دقیقا در دو مورد مشابه باشد، اما حضور محتوا به معنای حضور یک شیء نیست. راه من این است که "شیء" به طور معمول در جهان و ایجاد حالت روانی (S1) و اگر ما این را در کلمات آن را می‌شود S2 یا COS2 (به عنوان مثال، truthmaker عمومی) و این مستلزم شیء عمومی، اما برای توهم (و یا تحریک مغزی مستقیم و غیره) 'شیء' تنها وضعیت روانی مشابه ناشی از فعال شدن مغز است.

به عنوان W به ما نشان داد، اشتباه بزرگ است در مورد درک ادراک نیست، اما در مورد درک زبان--همه مشکلات فلسفه مناسب دقیقا همان--شکست به دقت نگاه کنید که چگونه در زبان کار می‌کند در زمینه خاص تا به عملکرد را روشن COS.

میانہ p61 ما می‌بینیم که ابهامات در اینجا و در همه جا زمانی که ما موفق به نگه داشتن S1 و S2 جداگانه. یا ما نباید به نمایندگی های S1 مراجعه کنیم یا حداقل باید به آنها پاسخ دهیم R1 و تحقق آنها هیچ گونه عمومی ندارند- e. i. ، هیچ COS2.

در واریانت nondetachability p63 تنها بدان معنی است که آن را یک عملکرد خودکار ناشی از S1 و نه استدلال، تابع داوطلبانه از S2. این بحث همچنان بر روی صفحه بعدی، اما البته مربوط به کل کتاب و به تمام فلسفه است، و آن را بسیار مایه تاسف است که سرل، و تقریبا همه در علوم رفتاری، می‌تواند به قرن 21st نیست و استفاده از دو سیستم اصطلاحات که ارائه بسیاری از مسائل مات بسیار کلرگوش. به همین ترتیب با شکست به درک که آن را همیشه فقط یک موضوع که آیا آن یک مسئله علمی و یا یک فلسفی و اگر فلسفی که در آن بازی زبان است رفتن به بازی و چه COS در زمینه مورد سوال هستند.

در p64 او می‌گوید 'تجربه' در سر او است، اما این فقط مسئله--به عنوان W ساخته شده است تا روشن است هیچ زبان خصوصی وجود دارد و به عنوان بنت و هکر را کل جامعه علوم اعصاب به کار برای، در استفاده طبیعی 'تجربه' تنها می‌تواند یک پدیده عمومی است که ما معیارهای سهم است، اما چه آزمون برای داشتن تجربه من در سر من؟ حداقل، یک ابهام در اینجا وجود دارد که منجر به دیگران خواهد شد. بسیاری فکر می‌کنم این مهم نیست، بسیاری فکر می‌کنم آنها انجام دهد. چیزی اتفاق می‌افتد در مغز است، اما این یک مسئله عصبی علمی است و قطعاً توسط 'تجربه' و یا توسط 'من تو را دیدم یک خرگوش هرگز به معنای فیزیولوژی اعصاب. واضح است که این موضوع برای تحقیقات علمی نیست، بلکه یکی از کلمات با استفاده از intelligibly.

در p65 indexical، غیر قابل جدا شدن، و کارگیری فقط اصطلاحات فلسفی بیشتر استفاده می‌شود به جای سیستم 1 توسط افرادی که دو چارچوب سیستم برای توصیف رفتار (به عنوان مثال، تقریبا همه) به تصویب رسید. به همین ترتیب، برای صفحات زیر اگر ما متوجه است که "اشیاء و کشورهای امور"، "تجربیات بصری"، 'به طور کامل معین' و غیره، فقط زبان بازی که در آن ما باید تصمیم بگیرند که چه هستند و اگر ما فقط در ذهن داشته باشیم خواص S1 و S2 همه از این می‌شود کاملا روشن و سرل و هر کسی دیگری نمی‌تواند متوقف 'مبارزه برای بیان' آن بنابراین (p69) 'واقعیت این است معین' تنها بدان معنی است که ادراکات هستند S1 و به همین ترتیب حالات ذهنی، در اینجا و در حال حاضر، به صورت خودکار، علی، غیر قابل درک (درست فقط، یعنی هیچ آزمون عمومی) و غیره در حالی که اعتقادات، مانند همه ی این موارد، S2 و نه کشورهای روانی، زمان قطعی را نداشته باشند، دلایل و علل نیست،

در p70 او اشاره می‌کند که نیت در عمل ادراک (IA1 در شرایط من) بخشی از اعمال انعکاسی از S1 (A1) در شرایط من) که ممکن است در S2 اعمال می‌شود که بازتابی تبدیل شده اند (S2A در اصطلاحات من) سرچشمه گرفته است.

در پایین p74 بر روی 500 msec ، p75 است که اغلب به عنوان خط تقسیم تقریبی بین دیدن (S1) و دیدن به عنوان (S2)، که به معنی S1 عبور می کند percept به مراکز بالاتر قشر از S2 که در آن آنها می توانند بر روی زبان و بیان شده است.

در 101-100p زمینه ذهنی بصری است S2 و 'زمینه ویزوال فیلد' S1 است و هیچ چیز دیده می شود ' در S2 معنی است که ما بازی زبان از دیدن در همان حس به عنوان برای S1 و در واقع فلسفه و یک تکه خوب از علم (به عنوان مثال ، فیزیک) متفاوت خواهد بود اگر مردم متوجه شدند که بازی های زبان و نه انجام علم.

در 107p 'درک شفاف است' زیرا زبان S2 و S1 است هیچ زبان به عنوان آن را به صورت خودکار و انعکاسی، تا زمانی که گفت: آنچه که من تو را دیدم، و یا برای توصیف آنچه که من تو را دیدم، من فقط می توانم بگویم "من تو را دیدم گریه". یکبار دیگر عرض اشاره کرد این را مدتها پیش به عنوان نشان دادن محدودیت های زبان.

P110 میانه نیاز به ترجمه از سوزان lespeak به twosystemspeak به طوری که "از آنجا که کارگیری بصری قصدمندی گونه از نمایندگی است، و از آنجا که همه نمایندگی است تحت جنبه های، ارائه های بصری همیشه شرایط خود را از رضایت در برخی از جنبه های ارائه و نه دیگران." می شود "به دلیل تقلید از S1 در حال حاضر داده های خود را به S2، که COS عمومی، ما می توانیم از S1 به عنوان اینکه آن را نیز تا به COS عمومی صحبت کنید". در 111p 'وضعیت' اشاره به COS عمومی S2، یعنی حوادثی که بیانیه ای درست یا غلط و "سفارش پایین" و "سفارش بالاتر" به S1 و S2 مراجعه کنید.

در 112p اقدام اساسی و درک اساسی هستند isomorphic به دلیل اطلاعات S1 خوردها داده های خود را به S2، که تنها می تواند به تولید اقدامات با تغذیه به S1 به قرارداد عضلات، و درک سطح پایین تر (P1) و درک سطح بالاتر (P2) تنها می تواند در شرایط مشابه به دلیل وجود دارد که تنها یک زبان برای توصیف S1 و S2 شرح داده شده است. در پایین 117p این امر می تواند بسیار کمتر مرموز اگر او را به دو چارچوب سیستم اتخاذ، به طوری که به جای "اتصال داخلی" با شرایط رضایت (COS1 من)، درک فقط به عنوان S1 automaticity که باعث می شود یک حالت روانی اشاره کرد.

در 120p نکته این است که "علی زنجیر" هیچ قدرت توضیحی ندارند، زیرا بازی های زبان "cause" تنها حس در S1 یا سایر پدیده های غیر روانی طبیعت را احساس می کنند، در حالی که معناشناسی S2 است و ما فقط میتوانیم از دلایل رفتار انسانی بالاتر intelligibly صحبت کنیم. یکی از راه های این آشکار است ' معنی است که در سر نیست ' که ما را در بازی های دیگر زبان enmeshes.

در 121p می گویند آن را به یک درک ضروری (S1) است که آن را COS1 ('تجربه') صرفا توصیف شرایط بازی زبان ادراک--آن را به صورت خودکار حالت روانی (P1) هنگامی که ما در حال صحبت از سیستم 1.

در 122p من فکر می کنم "اول، برای چیزی که به رنگ قرمز در جهان هدف ontologically است برای آن قادر به ایجاد ontologically تجارب ذهنی بصری مثل این است." است منسجم نیست به عنوان چیزی است که ما می توانیم مراجعه ' این ' پس از آن باید به عنوان "اول اظهار داشت، برای چیزی به رنگ قرمز است فقط برای آن را به شیب من به آن تماس بگیرد ' قرمز "'-به طور معمول، اصطلاحات کمک نمی کند در همه و بقیه از پاراگراف غیر ضروری است و همچنین.

در 123p "منش پس زمینه" به طور خودکار، علی، وضعیتذهنی S1 است و همانطور که در توافق با DMS، W، و دیگران گفته اند چندین بار، این نمی تواند به عنوان پیش فرض intelligibly شود، زیرا آنها به طور ناخودآگاه

فعال هستند "لولا" که پایه ای برای پیش فرض ها هستند.

بخش هفتم و هشتم (یا کل کتاب یا بیشتر از رفتار نظم بالاتر و یا بیشتر از فلسفه در حس باریک) می تواند با عنوان "بازی های زبان توصیف تعامل علی، خودکار، غیر زبانی گذرا حالات ذهنی از S1 با استدلال، آگاهانه، تفکر زبانی مداوم از S2" و پس زمینه است *suppositional* نه می تواند آن را برای مسلم گرفته شده است، اما پدیده ای است که ما تنها روانشناسی واقعی (لولا "و یا" راه های اقدام ' از W ' در یقین ') که زمینه ساز همه *suppositions*. همانطور که آشکار از نظر من من فکر می کنم کل بخش، فاقد دو سیستم چارچوب و بینش ' s در W ' OC اشتباه است در فرض بر این است که ارائه "توضیح" از درک که در آن می تواند در بهترین حالت تنها توصیف زبان ادراک در زمینه های مختلف. ما فقط می توانیم چگونگی استفاده از کلمه "red" را توضیح دهیم و این پایان آن است و برای آخرین جمله این بخش ما ممکن است بگوییم که برای چیزی که یک سیب قرمز است، فقط برای آن است که به طور معمول در همان کلمات که توسط همه استفاده می شود، منجر می شود.

صحبت از لولا، این غم انگیز است و کمی عجیب و غریب است که سرل نه گنجانیده شده است چه بسیاری ((به عنوان مثال، DMS (دانیل مویال-sharrock) فیلسوف برجسته معاصر و پیشرو W کارشناس)) به عنوان بزرگترین کشف در فلسفه مدرن-انقلابی W از معرفت شناسی در خود "در یقین"، به عنوان هیچ کسی می تواند فلسفه یا روانشناسی در راه قدیمی دیگر بدون به دنبال کهنه و اشتباه و هر چند سرل تقریباً به طور کامل نادیده گرفته ' در یقین ' کل حرفه ای خود را، در ۲۰۰۹ (i.e., 6) سال قبل از انتشار این کتاب) او در سمپوزیوم در آن برگزار شده توسط جامعه ویتگنشتاین بریتانیا و میزبانی توسط DMS صحبت کرد، بنابراین او قطعاً آگاه از نظر است که به شورش تو *tionized* مباحث بسیار او بحث در اینجا. من فکر نمی کنم این جلسه منتشر شد، اما سخنرانی خود را می توان از Vimeo دانلود شده است. به نظر می رسد یک مورد از یک سگ قدیمی است که نمی تواند ترفندهای جدید را یاد بگیرد. اگرچه او احتمالاً بیشتر قلمرو جدید در روانشناسی توصیفی از رفتار سفارش بالاتر از هر کسی از ویتگنشتاین (به استثناء شاید پیتر هرکر که نوشته ها به جای مترجم و 3 جلد خود را بر روی طبیعت انسان بسیار اخیر) پیشگام، هنگامی که او آموخته است یک مسیر او تمایل به ماندن در آن، همانطور که همه ما انجام دهد. مانند هر کسی، او با استفاده از مجموعه کلمه فرانسوی *repertoire* هنگامی که در اینجا ساده تر تلفظ و طلسم کلمه انگلیسی ' مخزن ' و بی دست و پا ' او/او/یا جنسیت معکوس ' او ' زمانی که یکی همیشه می توانید استفاده کنید ' آنها ' یا ' آنها '. به رغم هوش و آموزش عالی خود را، دانشگهیان گوسفند بیش از حد هستند و آنها تقریباً تمام زیر کلاس پایین تر نیمه ادبیات نه تنها به انگلیسی بد، اما به *neomarxist* جهانی سوم برتری فاشیسم.

بخش نهم به پایان فصل را نشان می دهد دوباره بسیار مات و بی دست و پا بازی های زبان یکی را مجبور به زمانی که در تلاش برای توصیف (به عنوان عرض ساخته شده روشن نیست) خواص S1 (به عنوان مثال، به بازی زبان بازی مورد استفاده برای توصیف ' کیفیت اولیه ') و چگونه این داده ها را به S2 (به عنوان مثال، کیفیت ثانویه ')، که پس از آن به تغذیه به S1 برای تولید اقدامات. همچنین این خطاها را نشان می دهد که با عدم درک دیدگاه منحصر به فرد ویتگنشتاین از «معرفت شناسی» که در «یقین» ارائه شده است، مرتکب نمی شود. برای نشان دادن چقدر واضح تر این است که با اصطلاحات سیستم دوگانه من مجبور به بازنویسی تمام فصل (و بسیاری از کتاب). از آنجایی که من در اینجا چندین بار بازنویسی کرده اند، و اغلب در بررسی من از کتاب های دیگر سرل، من فقط نمونه های کوتاه زن و شوهر را.

حکم در p129 "واقعیت این است که وابسته به تجربه نیست، اما برعکس. مفهوم واقعیت در سوال در حال حاضر شامل ظرفیت علی برای تولید انواع خاصی از تجربه. بنابراین، دلیل این که این تجربه ها اشیاء قرمز را ارائه می دهند این است که واقعیت این است که یک شی قرمز شامل یک ظرفیت برای تولید این نوع تجربه است. به عنوان یک خط مستقیم شامل ظرفیت برای تولید این نوع دیگر از تجربه. نتیجه این است که موجودات زنده می تواند این تجربه را بدون آن را به آنها ظاهری که آنها در حال دیدن یک شی قرمز و یا یک خط مستقیم، و که "ظاهری به آنها" نشانه های ذاتی از تجربه ادراکی است. به عنوان "S1 فراهم می کند ورودی برای S2 و راه ما با استفاده از کلمه ' قرمز

' حکم آن COS در هر زمینه ، بنابراین با استفاده از این کلمات در یک راه خاص این است که چه به معنی برای دیدن قرمز. در حالت عادی ، به نظر نمی رسد به ما که ما می بینیم قرمز ، ما فقط قرمز را ببینید و ما با استفاده از "به نظر می رسد" برای توصیف موارد که در آن ما در شک هستیم. "

در p130 "سوال ما در حال حاضر است: آیا ارتباط ضروری بین شخصیت از همه چیز در جهان و شخصیت تجربه ما وجود دارد؟" می توان به عنوان ترجمه شده است "آیا بازی های عمومی زبان (S2) مفید (سازگار) در شرح ادراک (S1)؟"

پاراگراف اول بخش X "جاده عقب مانده" است که شاید یکی از مهم ترین در کتاب ، به عنوان آن را برای همه فلسفه مهم است که درک کنند که می تواند وجود داشته باشد دقیق 1:1 ارتباط بین یا کاهش S2 به S1 با توجه به روش های بسیاری از توصیف در زبان یک رویداد خاص (حالت ذهنی ، یعنی ، percept ، حافظه و غیره). از این رو عدم امکان گرفتن رفتار (زبان ، تفکر) کاملا در الگوریتم (نامیدی از هوش مصنوعی قوی) و یا از قیاس کردن از یک الگوی عصبی داده شده در مغز به اعمال انبوه (بازی های زبان --یعنی ، کلمات در زمینه های بی حد و حصر) استفاده می کنیم برای توصیف آن است. "جاده عقب مانده" زبان است (COS) از S2 برای توصیف S1 استفاده می شود. باز هم ، من فکر می کنم شکست خود را به استفاده از دو سیستم چارچوب ارائه این کاملاً گیج کننده اگر نه مات. البته ، او سهام این شکست با تقریباً همه. سرل در این مورد قبل از نظر و به همین ترتیب دیگران (به عنوان مثال ، هرکر ، W در زمینه های مختلف) اما به نظر می رسد که اکثر فلاسفه و تقریباً تمام دانشمندان فرار کرده اند.

باز هم ، سرل نتواند نقطه در فرقه XI و X12--ما نمی کند و نمی تواند 'به نظر می رسد' قرمز یا 'به نظر می رسد' به یک حافظه و یا 'فرض' رابطه بین تجربه و کلمه ، اما همانطور که با تمام ادراکات و خاطرات که تشکیل می دهند بدیهی ذاتی واقعی حالت های ذهنی از سیستم 1 ، ما فقط باید تجربه و "آن" تنها می شود 'قرمز' و غیره ، زمانی که در زبان عمومی با این کلمه در این زمینه توسط سیستم 2 شرح داده شده است. ما می دانیم آن قرمز به عنوان این یک لولا است-یک اصل از روانشناسی ما است که عمل خودکار ما است و پایه ای برای فرضیات یا قضاوت و یا پیش فرض است و نمی تواند intelligibly در نظر گرفته شود ، آزمایش و یا تغییر. S W با اشاره به چندین بار ، یک اشتباه در S1 از یک نوع کاملاً متفاوت از یک در S2 است. بدون توضیحات امکان پذیر است--ما فقط می تواند توضیح دهد که چگونه کار می کند و به همین دلیل امکان گرفتن یک "توضیح" غیر بدیهی از روانشناسی نظم بالاتر ما وجود دارد . همانطور که او همیشه است ، سرل باعث می شود اشتباه مشترک و کشنده تفکر او درک رفتار (زبان) بهتر از ویتگنشتاین. پس از یک دهه خواندن S ، W و بسیاری دیگر پیدا کنم که 'perspicuous' 's' W مثالها ، جملات isms و dialogues معمولاً ارائه روشنایی بیشتر از disquisitions دارای اطناب از هر کسی دیگری.

"ما ممکن است not پیش هر نوع تئوری ، در اینجا نباید هر چیزی فرضی در ملاحظات ما. ما باید به دور با تمام توضیح ، و توضیحات به تنهایی باید آن را در محل است. (PI ۱۰۹).

در p135 ، یک راه برای توصیف درک این است که رویداد یا شی باعث می شود الگوی فعال سازی نورونی (حالت ذهنی) که خود بازتابی COS1 است که ما شاهد یک گل سرخ در مقابل ما ، و در زمینه های مناسب برای یک فرد عادی انگلیسی زبان، این منجر به ما برای فعال کردن انقباضات عضلانی است که تولید کلمات 'من می بینم سرخ رز' که COS2 است که وجود دارد قرمز گل سرخ وجود دارد. و یا به سادگی ، S1 تولید S2 در زمینه های مناسب است. بنابراین، در p136 ما می توانیم بگوییم S1 منجر به S2 است که ما در این زمینه توسط کلمه "صاف" توصیف (اما هرگز توضیح می دهد) چگونه زبان بازی "صاف" در این زمینه و ما می توانیم ترجمه "برای اقدامات اساسی و ادراکات اساسی محتوای عمدی در داخل مربوط به شرایط رضایت ، حتی اگر آن را مشخص است غیر intentionalistically ، چرا که ویژگی F درک شامل توانایی به علت تجارب از آن نوع است. و در مورد عمل ، experiences از آن نوع در توانایی خود را به علت است که نوع حرکت بدن است. "به عنوان" ادراکات اساسی (S1) می تواند منجر به طور خودکار (داخلی) به اقدامات اساسی رفلکس (A1) (به عنوان مثال ، سوزش انگشت منجر به خروج بازو) که تنها پس

از آن وارد آگاهی به طوری که می توان آن را منعکس و در زبان (S2)

در p150، نکته این است که از بین می رویم حلقه، مانند دانستن، قضاوت، تفکر، یک منش S2 بیان شده در زبان با COS عمومی است که اطلاعات (درست یا غلط) در حالی که تقلید غیر اطلاعاتی (نگاه کنید به بررسی من از Hutto و Myin کتاب اول) پاسخ خودکار از S1 و هیچ راه معنی دار برای بازی یک بازی زبان از دست ندهید در S1 وجود درختان و همه چیز ما می بینیم S1 است برای چند صد msec یا بیشتر و سپس به طور معمول وارد S2 جایی که آنها زبان متصل (شکل aspectual و یا دیدن عنوان).

با توجه به p151 et seq، غم انگیز است که سرل، به عنوان بخشی از عدم توجه خود را به بعد w، هرگز به نظر می رسد به اشاره به آنچه که احتمالاً بیشتر نافذ تجزیه و تحلیل کلمات رنگ در عرض 's' اظهارات بر روی رنگ، که گم شده است از تقریباً هر بحث از موضوع من را دیده اند. تنها مسئله این است که چگونه ما بازی با کلمات رنگ و با 'همان'، 'متفاوت'، 'تجربه'، و غیره در این زمینه زبانی عمومی (اظهارات درست یا غلط--COS2) به دلیل هیچ زبان و هیچ معنی در یکی از خصوصی (S1) وجود دارد. بنابراین، مهم نیست (به جز دانشمندان علوم اعصاب) چه اتفاقی می افتد در حالات ذهنی S1، اما تنها چیزی که ما در مورد آنها می گویند زمانی که آنها را وارد کنید S2. آن را به عنوان روز روشن است که تمام 0.7 میلیارد بر روی زمین دارای یک الگوی کمی متفاوت از فعال سازی عصبی هر بار که آنها قرمز را ببینند و هیچ امکان ارتباط کامل بین S1 و S2 وجود دارد. همانطور که در بالا ذکر شد آن را کاملاً برای هر فیلسوف و دانشمند حیاتی برای دریافت این روشن است.

با توجه به مغز در مالیات بر ارزش افزوده (p157)، تا جاییکه ما مختل و یا از بین بردن روابط طبیعی از S1 و S2، ما از دست دادن بازی های زبان از intentionality. همین امر به ماشین های هوشمند و W این وضعیت قطعی بیش از 80 سال پیش توصیف کرد.

"فقط یک زندگی و آنچه شبیه (رفتار مانند) یک انسان زنده بودن می تواند یک می گویند: این احساس است؛ آن را می بیند؛ کور است؛ می شنود ناشنوا است؛ آگاهانه است یا ناخودآگاه." (PI 281)

فصل 6: بله disjunctivism (مانند تقریباً تمام پایان نامه های فلسفی) غیر منسجم است و این واقعیت است که این و دیگر پوچ شکوفا در بخش خود و حتی در میان برخی از دانش آموزان سابق خود را که نمرات بالا در فلسفه خود را از کلاس های ذهن نشان می دهد که شاید، مانند بیشتر، او را متوقف بیش از حد به زودی در مطالعات ویتگنشتاین او.

در p188، بله veridical دیدن و "دانستن" (به عنوان مثال، K1) همان است که از S1 درست است--یعنی، آن را سریع، بدیهی است، causally خود بازتابی، حالت های روانی به صورت خودکار است که تنها می تواند با کند، بازی های عمومی زبان را از S2 شرح داده شده است.

در p204-5، نمایندگی همیشه تحت یک جنبه از، مانند تفکر، دانستن و غیره، آن را وضع S2 با COS عمومی است که بی نهایت متغیر است.

یک بار دیگر، من فکر می کنم استفاده از دو سیستم چارچوب تا حد زیادی ساده بحث و گفتگو. اگر یک اصرار به استفاده از 'نمایندگی' برای 'سخنرانیها' از S1 و سپس باید گفت که COS1 R1 که حالات نوروفیزیولوژیک گذرا هستند، و بنابراین کاملاً متفاوت از R2، که COS2 (اشکال aspectual) که عمومی هستند، دولت های قابل استفاده و قابل از امور، و مفهوم ناخودآگاه ایالات روانی است نامشروع از بازی های زبان مانند هیچ حس روشن است.

متاسفانه ، در p211 سرل، شاید برای دهمین بار در نوشته های خود (و پی وقفه در سخنرانی خود)، می گوید که ' آزاد خواهد شد ' ممکن است گمراه کننده است ، اما به عنوان W از 30 در اشاره کرد ، نمی توان انکار و یا قضاوت ' لولا ' مانند ما داشتن انتخاب ، و نه که ما می بینیم ، شنیدن ، خواب ، دست و غیره ، به عنوان این کلمات بیان اصول واقعی فقط از روانشناسی ما ، رفتارهای خودکار ما که اساس برای عملاست.

در p219 پایین و ۲۲۲ بالا-W در کار خود بود ، منجر به ' در یقین ' که اشاره کرد که رفتار می تواند پایه و اساس مدارک را ندارد و پایه و اساس آن است که یقین حیوان ما و یا راه رفتار است که اساس شک و تردید است و نمی تواند شک (لولا S1). او همچنین چند بار اشاره کرد که یک اشتباه در ادراکات اساسی ما (S1) است که هیچ COS عمومی و نمی تواند آزمایش (بر خلاف کسانی که از S2) ، اگر آن را بزرگ و یا همچنان ادامه دارد ، منجر به آزمایش بیشتر اما به دیوانگی.

پدیده گرای p227 بالا: نگاه کنید به نظرات گسترده من در مورد مقاله عالی سرل ' توهم پدیدارشناسی ' در بررسی من از ' فلسفه در یک قرن جدید '. حتی هیچ حکمی برای ارجاع به تجربیات خصوصی فرد به عنوان «پدیده» ، «دیدن» یا هر چیز دیگری وجود ندارد. همانطور که W معروف ما را نشان داد ، زبان تنها می تواند یک فعالیت قابل آموزش های عمومی (بدون زبان خصوصی) باشد. و در p230 مشکل این است که ' نظریه ' ' به نظر می رسد ناکافی است ، اما (مانند بیشتر اگر نه همه نظریه های فلسفی) آن غیر منسجم است. با استفاده از زبان است که هیچ COS روشن است. همانطور که W اصرار همه ما می توانیم انجام دهیم این است که دانشمندان که می توانند نظریه را.

خط پایین این است که این کلاسیک سرل-فوق العاده و احتمالاً حداقل به عنوان خوب به عنوان هر فرد دیگری می تواند تولید ، اما فاقد درک درستی از بینش های اساسی از ویتگنشتاین بعد ، و بدون درک از دو سیستم از چارچوب اندیشه ، که می توانست آن را درخشان ساخته شده است.

من دوباره توجه داشته باشید که W یک قطعنامه جالب برای برخی از این "پازل" مطرح شده توسط نشان می دهد که برخی از "پدیده های روانی" (به عنوان مثال ، کلمات برای انطباق که منجر به اعمال عمومی) ممکن است در فرآیندهای آشفته در مغز سرچشمه و است که هر چیزی مربوط به ردیابی حافظه وجود ندارد، و نه به یک فرایند تک مغز شناسایی به عنوان یک قصد و یا عمل--که زنجیره علی به پایان می رسد بدون ردیابی ، و آن ' علت ' ، ' رویداد ' و ' زمان ' پس به قابل اجرا (مفید-داشتن COS روشن) متعاقباً بسیاری از پیشنهادات مشابه بر اساس فیزیک و علوم پیچیدگی و هرج و مرج را ساخته اند. با این حال باید به یاد که "هرج و مرج" در مفهوم مدرن به معنی تعیین شده توسط قوانین ، اما قابل پیش بینی نیست ، و که علم هرج و مرج بود تا زمانی که پس از مرگ او وجود ندارد. و دوباره اجازه دهید توجه داشته باشید که نظریه هرج و مرج ثابت شده است که هر دو غیرقابل تشخیص و ناقص (در معنای گodel).

همه رفتار ما (با عملکرد مغز اگر شما می خواهید) دارای منشاء آن در روانشناسی ذاتی ما ، بنابراین ، علوم انسانی فلسفه ، جامعه شناسی ، مردم شناسی ، علوم سیاسی ، روانشناسی ، تاریخ ، ادبیات ، مذهب ، و غیره ، و علوم سخت فیزیک ، ریاضیات ، و زیستی are a ترکیبی از سوالات بازی زبان، که من در اینجا مورد بحث ، با آنها می که علمی واقعی به آنچه حقایق تجربی هستند. علمی در حال حاضر است و من تکرار آنچه ویتگنشتاین به ما گفت مدتها پیش.

"فلاسفه به طور مداوم به روش علم قبل از چشم خود را ببینید و irresistibly وسوسه به درخواست و پاسخ به سوالات در علم راه می کند. این گرایش ، منبع واقعی متافیزیک است و فیلسوف را به تاریکی کامل هدایت می کند.» (BBB p18)

این مشاجره من است که جدول از معنایی (عقلانیت ، ذهن ، فکر ، زبان ، شخصیت و غیره) که ویژگی های برجسته

در اینجا توصیف بیشتر یا کمتر با دقت ، و یا حداقل به عنوان یک اکتشافی برای ، چگونه ما فکر می کنیم و رفتار ، و پس از آن شامل نه صرفاً فلسفه و روانشناسی ، اما هر چیز دیگری (تاریخ ، ادبیات ، ریاضیات ، سیاست و غیره).

کلیدی برای جامعه ، زیست شناسی است ، و آن را به آن obliviousness است که منجر بسیاری از جهان به حمایت آرمان های آرمانی به خودکشی که منجر به جهنم بر روی زمین است. من این را در جزئیات در کتاب های من ، خودکشی تخیلی درst قرن 21 ' (۲۰۱۹) 4th Ed. و ' خودکشی توسط دموکراسی: an آگهی برای آمریکا و جهان ' 2nd اد. (۲۰۱۹).